کار

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۱۰ فروردین ۱۳۷۳ - ۳۰مارس ۱۹۹۴ - دوره‌سوم - شماره ۸۰

KAR;No.80 Wednesday 30 Mar 1994

کارنامه ناموفق دولت چیللر در ترکیه

درصفحه ۱۲

انتخابات السالوادور: پایان ۱۵ سال جنگ ؟

درصفحه ۱۲

به رغم تهدیدات رژیم

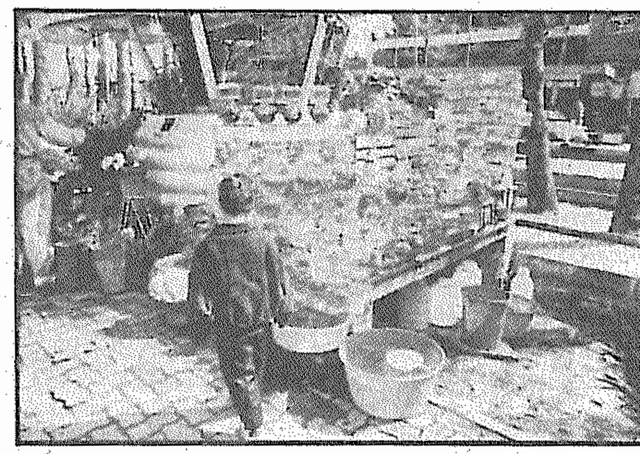
چهارشنبه سوری بطور گسترده برگزار شد

به رغم ممنوعیت ها و مقررات شدیدی که رژیم برای جلوگیری از برگزاری آیین ملی چهارشنبه سوری وضع کرده بود، شامگاه روز سه شنبه ۲۴اسفند مردم یکی از بزرگترین و گسترده ترین چهارشنبه سوری های سالهای اخیر را برگزار کردند. در این میان ماموران رژیم به جای آنکه به خواست و اراده مردم برای بزرگداشت آیین های نیک خود گردن گذارند، به ضرب وشتم و اعمال خشونت پرداختند و شادی آستانه نوروز مردم را به اشک و خون آلودند.

بنا به گزارشهای رسیده تهران در شب چهارشنبه سوری در شعله های آتش وهلهله مردم غرق بود واز هر سو صدای انفجار ترقه ها و موشکهای دست ساز به گوش می‌رسید.

ماموران رژیم از همان ابتدا کوشیدند با خشونت، تیراندازی هوایی و پرتاب گاز اشک آور مردم را از ادامه مراسم بازدارند و آنها را روانه خانه کنند. اما با ایستادگی مردم ماموران به زدوخورد با آنها

ادامه درصفحه ۲



ماهی‌های قرمز کوچولو، نشانه فرارسیدن نوروز

اشمید باوئر، هماهنگ کننده سازمانهای اطلاعاتی آلمان:

ایران خواستار جلوگیری از تشکیل دادگاه برلین بود

- اشمید باوئر اعتراف کرد ۴بار با فلاحیان درمورد دادگاه برلین گفتگو کرده است
- فلاحیان از طریق باوئر از دولت آلمان خواست مانع تشکیل دادگاه برلین گردد

سرانجام پس از ماهها انتظار، برند اشمید باوئر وزیر هماهنگ کننده سازمانهای اطلاعاتی آلمان در دادگاه حاضر شد وبه سئوالات بی‌شمار قضات و وکلا پاسخ گفت. وی تلاش نمود که خود را از اتهام همکاری با وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی -که چندی پیش با او دیدار نمود -تبرئه کند. وی از پاسخ به بسیاری از سئوالات خودداری کرد اما سرانجام اعتراف نمود که فلاحیان وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی از او خواسته بود که دولت آلمان مانع تشکیل دادگاه برلین شود. اشمید باوئر ماهها از بیان این حقیقت طفره رفته بود. اعتراف اشمید باوئر بازتاب وسیعی در مطبوعات و رادیو تلویزیونهای آلمان وبرخی کشورهای اروپایی یافت.

درزیر گزارش جلسه دادگاه را می‌خوانید:

ابتدا برگه "اجازه اعتراف" که از طرف دفتر صدارت عظما صادر شده بود قرائت شد. در برگه اجازه اعتراف نوشته شده بود که وی مجاز است در خصوص ملاقاتش با فلاحیان آنچه را که به "میکونوس" ارتباط دارد، در اختیار دادگاه بگذارد.

رئیس دادگاه: از آنجا که شما هماهنگ کننده سازمانهای اطلاعاتی و جاسوسی آلمان هستید ، آیا از مسببین پشت پرده ترور برلین اطلاع دارید؟

اشمید باوئر: من چیزی بیشتر از آنچه از طرف BND به دادستانی کل داده شده اطلاع ندارم.

س: خبری به تاریخ اول اکتبر ۹۲ از سوی BND به دادستانی کل و BKA داده شده که در آن اشاراتی به مظنونین به قتل در رستوران میکونوس شده است، با توجه به این خبر عده‌ای در ۴و۱۵ اکتبر ۹۲ دستگیر شدند. این خبر به صورت کتبی در تاریخ ۱۶ اکتبر ۹۲ وارد پرونده دادستانی شد و در ۵ دسامبر ۹۲ با نوشته دفتر صدارت عظما تعویض شد. برگ جایگزین را ما هم اکنون در اختیار داریم. آیا شما از محتوای همه این خبرونوشته اطلاع دارید؟

ج: من مسئول هماهنگی این سازمانها هستم وهمه کارها از نظر من می‌گذرد.

س: یعنی آنها را خوانده اید؟

ج: آری

ادامه درصفحه ۳



اشمید باوئر

تمدید مهلت پرداخت بدهی‌ها چاره ساز بحران اقتصادی نیست

بعد از توافق ایران وآلمان، بین ایران وژاپن نیز برای تعویق بازپرداخت بدهیهای ایران تفاهم نامه‌ای به امضا رسید که برمبنای آن ازجانب کنسرسیوم شرکتهای ژاپنی بیش از دو میلیارد دلار اعتبار در اختیار بانک مرکزی قرار می‌گیرد تا کلیه مطالبات شرکتهای ژاپنی را بازپرداخت نماید. بگفته رئیس کل بانک مرکزی از مدتی قبل مذاکراتی با کشورهای بستانکار از جمله سوئیس، اتریش، هلند، اسپانیا، ایتالیا، فرانسه وبلژیک نیز انجام گرفته است که با تعدادی از آنها به زودی توافق نهایی حاصل خواهد شد. به نوشته نشریه مید (چاپ لندن) ژاپن، ایتالیا، فرانسه ودیگر کشورهای بستانکار منتظر توافق بن -تهران بودند. هنوز هم معلوم نشده است که جمهوری اسلامی برای حصول به این توافق ها چه امتیازاتی داده است.

توافق بین رژیم اسلامی و تعدادی از کشورهای اروپایی برای تعویق بازپرداخت بدهیهای ایران، از دو جنبه حائز توجه است. دولت آمریکا در تداوم مشی منزوی کردن رژیم اسلامی، به دولتهای اروپایی فشار می‌آورد که برسر تعویق بدهیها با ایران توافق نکنند واز آن به عنوان اهرمی برای اعمال فشار به رژیم تهران بهره جویند. آمریکا در پیشبرد این سیاست پافشاری می‌کند. اما آلمان وژاپن که استراتژی متمایز از امریکا نسبت به رژیم اسلامی پیش میبرند تن به فشارهای امریکا ندادند وبا حکومت تهران به توافق رسیدند. به دنبال آن تعداد دیگری از کشورهای اروپایی نیز راه این دو کشور را در پیش گرفتند. این اقدام نسبتا هماهنگ تصمیم سیاسی قابل توجهی بود، تصمیمی که با سیاست و خواست دولت کلینتون مغایرت داشت.

برای رژیم اسلامی این توافق هم به جهت خنثی کردن تلاشهای آمریکا وهم به خاطر کاستن از بار مشکلات اقتصادی که با آن گریبانگیر است، از اهمیت برخوردار است. حکومت اسلامی از چندین ماه پیش نیروی خود را بسیج کرده وپیگیرانه دنبال حل این معضل بود. به گفته عادلی از ماهها قبل در بانک مرکزی ستاد مذاکره کننده تشکیل شده بود. این ستاد هیئت های متعددی را روانه کشورهای اروپا وژاپن کرد. بعلاوه وزارت امور خارجه نیز تلاش مستمری را در این زمینه پیش برد.

رژیم اسلامی سال جدید را با توجه به این توافقها، به امید بهبود وضع اقتصادی آغاز کرده است. عادلی در مصاحبه با خبرگزاری جمهوری اسلامی می گفت: انتظار می‌رود با مذاکراتی که تا دو ماه آینده انجام شود کلیه پرداخت های کشور صورت گیرد و تمام خریدها از ابتدای سال آینده به روال طبیعی درآید. بالطبع تعویق زمان پرداخت بدهی‌ها، تاثیرات اقتصادی وسیاسی معینی خواهد داشت. دریکسال گذشته وبویژه در ماههای اخیر ارزش دلار در بازار آزاد مرتبا افزایش

ادامه درصفحه ۲

کیهان و اطلاعات دربرابر هم

درپی تغییر و تحولاتی که در سطح مدیریت برخی از وزارتخانه ها ونهادهای جمهوری اسلامی به سود خامنه‌ای وجناح رسالت وبه ضرر رفسنجانی انجام گرفت، جنگ مطبوعاتی میان کیهان و اطلاعات نیز تا حدودی شدت یافت وهردو نشریه عصر تهران یکدیگر را به خدشه دار ساختن مبانی انقلاب و تضعیف جمهوری اسلامی متهم ساختند.

کیهان که درزمینه اقتصادی نوعی عدالتخواهی عقب مانده و بوروکراتیک را تبلیغ می کند واز این زاویه خود را درجناح مقابل رسالت وبازاریها می‌داند، درعرصه مسائل فرهنگی وبرخورد با دگراندیشان خودی وغیرخودی هیچ تفاوتی با جناح یادشده ندارد وهم آوای با آن مذهبی کردن همه شئونات جامعه وسیاست مبتنی بر حذف وسرکوب همه دگراندیشان را تبلیغ و تشویق می‌کند ودراین راستا خود را از حمایت و پشتگرمی خامنه‌ای بهره مند می‌داند.

اطلاعات اما می‌کوشد که با قراردادن خود در موضع دفاع از رفسنجانی، سیمایی معتدلتر ومقبولتر از سیاست ها و عملکردهای جمهوری اسلامی ارائه دهد ونظر مساعد دگراندیشان رانسبت به نظام جلب کند. درهمین رابطه میان این روزنامه و کیهان گاه و بیگاه کشاکش هایی در گرفته که در هفته های اخیر و پس از تغییر و تعویض های یادشده دوباره نمود بیشتری داشته است، یکی از آخرین این برخوردها، انتقادی است که اطلاعات از موضع دوگانه کیهان با رویدادها واشخاص بعمل آورده است. اطلاعات معترض است که کیهان علیرغم آنکه خود با احسان نراقی از چهره های رژیم پیشین به مصاحبه می‌نشیند، مصاحبه و گفتگوی اطلاعات با اشخاص و افراد دگراندیش را نفی و منکوب می‌کند ودراین زمینه برخوردهای غضب آلود کیهان با مقالات "عصر فردگرایی" (محمد جواد حجتی کرمانی)، "مذاکره مستقیم" (عطاالله مهاجرانی) و "نکته" (سعید سیرجانی) راشاهد می‌آورد.

ادامه درصفحه ۲

یک ترور دیگر در عراق

بنا به اخبار رسیده دراخرین روزهای سال گذشته سید جلال حسینی از اعضای حزب دموکرات کردستان ایران -رهبری انقلابی- در سلیمانیه عراق ترور شد.

ترور سید جلال حسینی تنها یکی از موارد بی‌شمار ترور مخالفین حکومت اسلامی در خاک عراق است. تاکنون تعداد قابل توجهی از اپوزیسیون سیاسی ایران به ویژه فعالین سازمان مجاهدین خلق ایران وحزب دموکرات کردستان ایران در عراق قربانی ترور عاملان رژیم اسلامی حاکم بر ایران شده‌اند. قابل ذکر است که چندی پیش یکی از اعضای رهبری حزب دموکرات کردستان ایران -رهبری انقلابی- به نام طه کرمانج در ترکیه توسط تروریستهای رژیم اسلامی به قتل رسید.

ادامه تروریسم دولتی در خارج از کشور که سالهاست به سیاست رسمی ناگفته جمهوری اسلامی بدل

ادامه درصفحه ۲

اجلاس اوپک شکست خورد

اجلاس دوره‌ای اوپک هفته اول فروردین درژنو برگزار شد تا اعضا آن تلاشهای خود را برای افزایش بهای نفت هماهنگ سازند. روز شنبه ۶فروردین، اعضای اجلاس بدون آنکه به توافقی دست یابند، ژنو را ترک کردند. خبرگزاریها از این اجلاس به عنوان شکست دیگری برای اوپک یاد کردند.

درجلسه ژنو، جمهوری اسلامی خواستار کاهش حداقل ۵درصد از تولید اوپک وپیروی ازیک سیاست روشن درمورد بازگشت عراق به بازار نفت بود وشش کشور عربی عضو شورای همکاری خلیج فارس، توافق برسر کاهش تولید خود را مشروط به همکاری سایر تولید کنندگان کرده بودند.

براساس وضع کنونی بازار جهانی نفت، بهبود بازار وافزایش چشمگیر بهای نفت، مستلزم کاهش تولید نفت بین ۱/۵ تا ۲میلیون بشکه در روز است. در حال حاضر کشورهای عضو اوپک روزانه ۲۴/۵ میلیون بشکه نفت روانه بازار اشباع شده جهان می‌کنند.

بازتاب شکست اجلاس اوپک قبل از همه آژیر خطر را در تهران به صدا درآورد. چراکه امید تهران به یک توافق دراوپک وافزایش بهای نفت برای جبران کسری میلیاردی بودجه سال ۷۳تا چشم اندازنزدیک ازبین رفت. طبق اظهارات روغنی زنجانی دربودجه سال ۷۳، بهای نفت بشکه‌ای ۱۳دلار محاسبه شده است. درحال حاضر خریداران نفت ایران بشکه‌ای کمتراز ۱۰دلار به جمهوری اسلامی می‌پردازند.

ولایتی به بغداد می‌رود

مناسبات تهران وبغداد، در یکی، دوماه اخیر درپی سفر محمد جواد ظریف، معاون وزارت خارجه به بغداد ودیدار همتای عراقی اواز تهران تا حدودی روبه گرم شدن میرود. تاثیرات جنگ هشت ساله، اختلافات مرزی، تعداد وچگونگی مبادله اسرا، مطالبه خسارت جنگی ایران ازبغداد، حضور مجاهدین در این کشور و حمایت جمهوری اسلامی از نیروهای اسلامی مخالف صدام، عدم استرداد هواپیماهای جنگی که درجریان جنگ کویت به

ادامه درصفحه ۲

یادداشت

راه صعود برای خامنه‌ای هموار نیست

هنگامیکه روحانیون حکومتی وپیشاپیش آنها علی خامنه‌ای، مرجعیت آیت اله اراکی را پس از درگذشت گلپایگانی مورد تائید و تاکید قرار می‌دادند، بسیاری می‌دانستند که این تائیدها و تاکیدها نه برای آنست که آقای اراکی آخوندی "اعلم" و "اصلح" برای احراز مقام مرجعیت است، بلکه این، نقشه‌ای است که خامنه‌ای برای باز کردن راه صعود خود به مقام مرجعیت طراحی کرده است، تلاشی که حذف دیگران و "اصلح" ترها هدف آنست، فراهم آوردن فرصتی است تا خامنه‌ای خود را برای نشاندن درجای مراجع آماده نماید و کوششی است که آشکارا می‌خواهد مسئله مرجعیت را نه به شیوه نسبتاً مرسوم درمیان روحانیون، بلکه به طریق حکومتی وبرپایه منافع قدرت وحکومت حل وفصل نماید. هرروز که می‌گذرد نشانه‌های بیشتری به چشم میخورد که نه تنها این نقشه روحانیون حکومتی را تائید می‌کند، بلکه از تلاش بی‌وقفه‌ای حکایت دارد که اینها برای رسیدن به مقصود به خرج می‌دهند.

به عنوان مثال، هنوز دو سه ماهی از اعلام مرجعیت اراکی از سوی روحانیون وابسته به حکومت نگذشته که خامنه‌ای همه تائید و تمجیدهای خود از اراکی را زیرپا می‌گذارد وخود راسا "رویت هلال ماه شوال" وعید فطر را اعلام می‌کند، کاری که به رسم سنت روحانیت، باید از سوی مرجع یا مراجع اعلم صورت گیرد وامسال نیز بنا به قاعده می‌بایست از سوی اراکی مرجع مورد تائید حکومت صورت می‌گرفت.

یک نمونه دیگر آنست که بلافاصله پس از جابجایی در سرپرستی رادیو تلویزیون، یکی از روزنامه‌های حکومتی این خواسته را از جانب "امت حزب اله" منتشر کرد که "درس خارج فقه رهبر معظم انقلاب" از تلویزیون پخش شود تا قشر وسیعتری از محضر این "استاد بزرگ فقه" استفاده نمایند. طرح چنین مسئله‌ای قبل از آنکه پخش درس‌های خامنه‌ای از تلویزیون را هدف خود قرار دهد، متوجه تبلیغ این نظر است که خامنه‌ای همچون دیگر علمای بزرگ حوزه "درس خارج فقه" می‌دهد ودر این کار برای خود استاد مسلمی است.

خامنه‌ای برای دستیابی به هدفی که پیش روی خود قرار داده است، البته از امکان برجسته‌ای چون قدرت حکومتی برخوردار است وبدون تردید همین برخورداری از اهرم حکومتی است که به او -که تا چندی پیش یک حجت الاسلام "معمولی بیش نبود- جرئت مدعی مرجع شدن داده است، ولیکن برغم این امتیاز بزرگ، راه او برای صعود به مرتبتی که در آرزوی آنست به هیچ روی هموار و آسان نیست. درچند سال گذشته روحانیت مراجع بزرگ وبانفوذی را از دست داد وشانس ارتقا به درجات بالاتر درسلسله مراتب روحانیت، برای برخی روحانیون فراهم شد، ولی درمیان آیت اله‌هایی که چنین بختی دارند، درصورت امکانات برابر و رعایت سنت مرسوم، علی خامنه‌ای هیچگونه شانسی برای صعود ندارد، مگر آنکه از امکانات حکومتی خود مدد بگیرد.

پس از مرگ گلپایگانی بود که جامعه مدرسین حوزه علمیه قم اعلام کرد که بزودی نظر خود را درباره روحانیون دارای صلاحیت مرجعیت اعلام خواهد کرد، اما تاکنون موفق به اینکار نشده است. گفته می‌شود که از ۳۵ عضو این جامعه تنها ۷ نفر خامنه‌ای را فرد صالح برای مرجعیت می‌دانند.

خامنه‌ای به ضعف خود آگاه است واز همین روشانس صعود خود را تنها در استفاده از امکانات قدرت وموقعیتی که به تصادف وبه ناحق در حکومت بدست آورده است، می‌داند. اما پیشاپیش روشن است که استفاده از قدرت حکومتی، معنایی جز اعمال زور وپیش برد کار از طریق بگیر وببند نیست وخبرهایی که درروزهای پایانی سال گذشته از منابع مختلف انتشار یافت همین مسئله را تائید می‌کنند. دراین خبرها گفته شده که بیش از یکصد تن از روحانیون دردو سه هفته اخیر به دستور خامنه‌ای بازداشت ویا به دادگاه ویژه روحانیت جلب شده‌اند. این فشارها شامل آیت اله منتظری نیز بوده ویکی از فرزندان وی نیز چند روزی در بازداشت به سربرده است.

سرانجام تلاشی که خامنه‌ای آغاز کرده، به کجا خواهد رسید، هنوز روشن نیست. اما از همین حالا برخی آثار ونتایج فعالیتهای خامنه‌ای و اطرافیان او پدیدار گشته است: همپای کوشش‌های خامنه‌ای، مقاومت دربرابر مقاصد او درصفوف روحانیت نیز بالا می‌گیرد. تا جائیکه اکنون شکاف وچند دستگی تمام عرض وطول دستگاه روحانیت را درنوردیده است.

ولایتی به بغداد...

ادامه از صفحه ۱

ایران گریخته بودند، ...موجبات سردی وتنش در روابط حکومت جمهوری اسلامی ورژیم بغداد بوده‌اند.

عراق که هنوز از محاصره اقتصادی غرب رها نشده، ظرف یکی، دو سال اخیر بخشی از مایحتاج عمومی خود را از طریق ایران تامین کرده است. از سوی دیگر ایجاد دولت خودمختار کردستان درشمال عراق وترس رژیم جمهوری اسلامی از تاثیرات مستقیم وغیر مستقیمی که این رویداد بر جنبش کردستان ایران باقی می‌گذارد، ونیز خطرات ناشی از حضور بخشی از نیروهای اپوزیسیون هررژیم درخاک کشور مقابل، تهران وبغداد را درکنار گذاشتن ستیز و مخاصمه وتوسل به مذاکره وگفتگو جدی‌تر کرده است. درهمین راستا قرار است ولایتی، وزیرامورخارجه ظرف روزهای آینده برای پیگیری مذاکرات به بغداد برود. ..

بنظر میرسد که ناموفق ماندن تلاش نظامی جمهوری اسلامی درسرکوب بخشی از نیروهای اپوزیسیون ایران در عراق نیز درتصمیم این رژیم برای گشودن مجدد باب مذاکره با عراق نقش داشته است.

رژیم عراق نیز دراین میان هم برای کاستن از فشار تحریمهای غرب، هم برای همسو ساختن بیشتر تهران درفشار بر دولت خودمختار شمال عراق وهم از جهت لغو حمایت‌های اسلامی از نیروهای مخالف عراقی به سود خود می‌بیند که مذاکرات با تهران را درراستای حصول به یک توافق ادامه دهد.

نامه "کمیته اپوزیسیون ایرانی در تبعید علیه ترور"

رونوشت به نشریات فارسی‌زبان خارج از کشور

متن زیر برای تصحیح اشتباهات مندرج درنشریه مجاهد برای آن نشریه ارسال شد. نشریه مزبور بر خلاف انتظار ما به چاپ آن و تصحیح اشتباهات مربوط به دادگاه میکونوس نپرداخت. لازم به یادآوری است که مطالب نقل شده نادرست درنشریه مجاهد باعث سوء تفاهم‌های فراوان درمیان ایرانیان مقیم خارج شده بود وما وظیفه خود میدانستیم که به رفع این سوء تفاهمات بپردازیم. کمیته ما که پس از جنایت ج. ا. دربرلین فعال شده وروزانه درمسائل مربوط به این جنایت، روشنگری افکار عمومی و تعقیب مسئولان آن قرار داشته وسهم بسزایی درپیشبرد امر مبارزه با رژیم تروریستی ج. ا. ایفاء کرده است لازم میداند که مسائل مربوط به دادگاه میکونوس بی کم وکاست وبا رعایت اصول حقگویی دراختیار افکار عمومی قرار گیرد. از این رو متن مزبور در اختیار مطبوعات قرار می‌گیرد تا درصورت تمایل انتشار یابد.

با احترام
کمیته اپوزیسیون ایرانی در تبعید علیه ترور
برلین ۲۸ اسفند ۱۳۷۲

مسئولان محترم نشریه مجاهد

نشریه شما درشماره‌های ۳۲۶ و ۳۲۷ خود. درباره "دادگاه میکونوس" مقاله واظهارنظرهایی را تحت عناوین "محاکمه تروریستهای رژیم در دادگاه برلین وحکایت اکثریت اهل کار ومجاهدین بیکار" منتشر کرده است. دراین مقاله و اظهارنظرها، از قول شهود دادگاه مزبور مطالبی آمده است که با اظهارات شهود در دادگاه قرابتی ندارند. ما درزیر به ذکر چند نمونه از موارد نادرست می‌پردازیم وانتظار داریم که درشماره آینده "مجاهد" این نکات تصحیح شوند.

۱-درشماره‌های ۳۲۶ و ۳۲۷ مجاهد آمده است: حسن جعفری با نجاتی مامور جمهوری اسلامی رابطه وتماس داشته وموارد را در دادگاه ابراز کرده است: در دادگاه، نه از جانب او ونه از طرف کس دیگری، چنین مطالبی مطرح نگردیده است.

۲-"مسعود میراشد با صدیقی، نجاتی وعبدالرحیمی ارتباط داشته. . ." که این نیز نادرست است. دردادگاه هیچگاه چنین چیزی مطرح نشده است.

۳-فرهاد فرجاد جزو کسانی است که با عوامل رژیم وکنسولگری درارتباط بوده است؛ که ابدا چنین امری صحت ندارد.

۴-درشماره ۳۲۷ همچنین آمده است که مهدی ابراهیم زاده گویا بنا براظهارات یکی از شهود دادگاه "در تصمیمی جمعی، دریک هایم پناهندگی، تصویب کرده که بهتر است تماسها با صدیقی (مامور رژیم) ادامه یابد؛ که این نیز اساسا نادرست است. نه چنین امری از طرف شهود دردادگاه اظهار گردیده ونه این که به طور کلی، اصل قضیه فوق صحت دارد.

۵-پرویز دستمالچی جزو افرادی بوده که تصمیم به مذاکره با عوامل رژیم ونادر صدیقی یکی از جاسوسان جمهوری اسلامی گرفته‌اند؛ که بکلی عاری از حقیقت است.

۶-کامبیز روستا دردادگاه گفته است که اسفندیاری از عناصر "اکثریت" است؛ که ایشان چنین مطلبی ابراز نکرده‌اند. و......الخ.

با توجه به این که بسیاری از شهود دادگاه از اعضاء فعال "کمیته اپوزیسیون ایرانی در تبعید علیه ترور" بوده که دربیش از یک سال گذشته، هرکدام به سهم خود، درمبارزه علیه تروریسم جمهوری اسلامی از هیچ کوششی فروگذار نکرده‌اند. قابل تصور است که انتشار چنین مطالب نادرستی، بتواند به مبارزه این کمیته لطمه زده، درآن ایجاد خلل کند. لازم به یادآوری است که کمیته ما از بدو تشکیل خود تاکنون، اجازه دخالت دربحثها واختلاف نظرهای میان سازمانهای اپوزیسیون را به خود نداده ودرآینده نیز دلیلی برتغییر این روال نمی‌بیند. بنابر این توضیحات فوق را تنها به مثابه وظیفه وامر اطلاع رسانی صحیح به جوامع پراکنده ایرانی درجهت پیشبرد مبارزه علیه رژیم تروریستی جمهوری اسلامی تلقی کرده، ادای آن را ضروری دانستیم. امیدواریم که شما نیز به نوبت خود، با توضیح و تصحیح موارد نادرست ذکر شده در گزارشهای مربوط به "دادگاه میکونوس"، به این امر یاری رسانید.

پس از نگارش:

ارسال این نامه متاسفانه به دلایل فنی به تاخیر افتاد. دراین فاصله نشریه شماره ۳۳۰ مجاهد به دست ما رسید. متاسفیم که باید بگوییم دراین شماره نیز پاره‌ای اتهامات ونقل قولهای نادرست به شهود دادگاه میکونوس نسبت داده و برخا تکرار شده است که به هیچ وجه صحت ندارند. از این رو انتظار ما برای تصحیح موارد ذکر شده، مضاعف است.

باز هم با احترام

چهارشنبه سوری...

ادامه از صفحه ۱

پرداختند وبدینسان درگیریهای خونینی درگوشه وکنار تهران روی داد.

گزارشها حاکی از آن است که شهرک غرب، اکباتان، آریاشهر و چندین نقطه دیگر پایتخت شاهد زدو خورد شدید ماموران با جوانان بوده است. درنقاطی همچون میدان رسالت وبلوار کشاورز ماموران رژیم به دام مردم افتاده وشدیدا کتک خورده‌اند. درچند نقطه به داخل کامیونهای حامل نیروهای انتظامی ترقه وفشفشه پرتاب شده است.

نیروهای انتظامی دربسیاری از نقاط به بازداشتهای دسته جمعی دست زده وبنا به پاره‌ای گزارشها بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر را دستگیر کرده‌اند.

ایستادگی مردم برای برگزاری چهارشنبه سوری نشان داد که مرگ پرستان حاکم با هیچ حیله وتدبیری قادر به بازداشتن مردم از بزرگداشت جشنها و آیین‌های سروربخش خود نیستند. تهدید و ارعاب‌های واپسگرایان اگر همچون امسال از زبان "شورای امنیت ملی" اشان هم جاری شود، اثر چندانی نخواهد داشت. چهارشنبه سوری امسال نشانه دیگر از تضعیف هرچه بیشتر اقتدار رژیم بود.

کیهان و اطلاعات...

ادامه از صفحه ۱

کیهان درمقام دفاع از خود از مصاحبه با نراقی را تلاشی برای افشای مواضع او ودرجهت طرد افراد معلوم الحال ارزیابی کرده و دفاع اطلاعات از ایجاد امکان برای ابراز نظر خودیهای دگراندیش را با اتهاماتی از این دست پاسخ می‌گوید: "متاسفانه برخی از دوستان وخودیها به عارضه غش کردن به یکطرف مبتلا هستند ودل مهربانشان تنها برای عناصر ستیزه گرو یا عاری از مهر انقلاب می‌تپد وتسامح وتساهل وسعه صدر وآزادی را برای اینان می‌خواهند واگر لازم باشد از تیغ کشیدن به روی نیروهای مدافع انقلاب نیز ابائی ندارند." (کیهان ۲۵ اسفند)

دربرابر این حرفها واظهارات کیهان، اطلاعات با قلم حجتی کرمانی درمقام پاسخگویی برآمده و با اشاره به این که کیهان شمشیر را از رو بسته است می‌نویسد: چه کسی برادران کیهانی را متولی وسخنگوی بی چون وچرای انقلاب کرده است؟ کار کیهان این شده است که به پروپای این وآن بپیچد ومسائل روز را زیر ذره بین بگذارد ودرشت کند وبا تندی واهانت، نه تنها دیگراندیشان نامسلمان وانقلابی یا ضد انقلاب را وبلکه حتی مسلمانان وانقلابیونی را که دربینش وروش اسلامی وانقلابی به گونه‌ای جز آنان می‌اندیشند و روشی جز آنان دارند به رگبار تهمت و توهین ببندد."

هرچند کیهان واطلاعات بیشتر درپرده سخن می‌گویند، اما روزنامه سلام صراحت بیشتری دارد ودر زمینه حذف وبرگماریهای جناحها علیه یکدیگر، از قلم نویسندگان خود ویا از زبان خوانندگان روزنامه به قلب قضیه زده است. سلام در شماره ۱۵ اسفند خود به نقل از نامه یکی از خوانندگان با اشاره به شایعات مربوط به برکناری استاندار اصفهان، از اینکه حربه دفع وحذف که زمانی رفسنجانی علیه خط امامیها پیش گرفته بود، اینک از جانب رقبا علیه جناح خود وی به کار گرفته شده، سخن گفته ومی‌نویسد: "تازه آنها که به کناری رانده شده‌اند بجای خود، برای باقیمانده نیز خیلی با سرعت وبدون ملاحظه دامنه کار حتی به معتمدین رئیس جمهور که تا دیروز مخالفت با او را درردیف دشمنی با پیغمبر می‌دانستند نیز کشیده شده است. آیا این روند در جایی متوقف می‌شود؟ چه افقی برای برخوردهای حذفی قابل تصویر است؟

یک ترور دیگر...

ادامه از صفحه ۱

شده است، جنایت آشکاری علیه جان انسانها، تمامی اصول وموازین بین المللی واز جمله حقوق بشر وحق پناهندگی است.

دولتهای خارجی وسازمانهای بین المللی با کم توجهی وچشم پوشی بر تروریسم جمهوری اسلامی کمتر مانعی درراه عملیات تروریستی آن به وجود می‌آورند. گرچه این امر در مورد ترور مخالفین رژیم درعراق کمتر موضوعیت دارد، لیکن بی‌شک بر کنترل آن نیز موثر خواهد بود.

تمدید مهلت پرداخت بدهی‌ها...

ادامه از صفحه ۱

یافت ودرماه اخیر به ۲۷۰ تومان رسید. یعنی ارزش ریال دریکسال اخیر به نصف تقلیل یافت. این امر در تاریخ پولی کشور بی‌سابقه بوده است. یکی از عوامل افزایش بی‌سابقه قیمت دلار کمبود منابع ارزی کشور و ناتوانی دولت رفسنجانی درپرداخت بدهیها وبالنتیجه تامین نشدن نیازهای ارزی کارخانه‌ها وبازرگانان وعدم گشایش اعتبار توسط طرفهای تجارتی ایران بود. بازرگانان و واردکنندگان همراه با واحدهای صنفی که عمدتا دولتی هستند، برای تهیه ارز به بازار ارز روآوردند وموجب شدند که تقاضا برای ارز به طورچشمگیری بالا رفته وموجبات افزایش نرخ ارز فراهم شود.

اکنون دولت رفسنجانی با گرفتن اعتبار از کشورهای مزبور برای چند ماه آینده قادر خواهد بود نیازهای ارزی کارخانه‌ها وبازرگانان را تا حدودی با نرخ ارز شناور تامین کند وبدین ترتیب آنها نیاز چندانی نخواهند داشت که با قیمتهای بالا از بازار آزاد ارز تهیه کنند. این امر در پایین آمدن نرخ دلار می‌تواند موثر باشد.

با پرداخت قرض‌های کوتاه مدت به صادرکنندگان خارجی، بیمه‌های دولتی این کشورها، صدور کالا به ایران را بیمه خواهند کرد وورود کالا افزایش خواهد یافت وبخشی از نیازهای واحدهای تولیدی تامین خواهد شد.

اما این گشایش موقتی وتاثیرات آن مقطعی است وبه هیچ وجه چاره ساز بحران عمیق وپردامنه اقتصادی نیست. منبع اصلی درآمد ارزی کشور نفت است واکنون دورنمایی برای افزایش قیمت نفت مشاهده نمی‌شود. عربستان سعودی هم چنان از کاهش تولید نفت خود سرباز می‌زند واحتمال آن می‌رود که درسال جدید نفت عراق وارد بازار جهانی شود. وبه همین خاطر معلوم نیست که هزینه اعتبارات جدید، بهره وام‌هایی که سررسید آنها سال ۷۳ است، از کدام منبع ارزی تامین خواهد شد. درسالهای آتی با درآمد نفت ودرآمد ناچیز صادرات کشور، امکان پرداخت بدهیها وبهره‌های کلان آن وجود ندارد. لذا مسئله وام‌ها درآینده با شدت بیشتری گلوی رژیم اسلامی را خواهد فشرد وانحصارات بین المللی ودولتهای غربی از این طریق ثروت کشور ما را غارت بیشتری خواهند کرد وکشور ما با مشکلات عظیم‌تری مواجه خواهد شد. وضعیت کشورهای بدهکار جهان سوم، این مسئله را بوضوح نشان می‌دهد. آنچه که سردمداران رژیم می‌کوشند آن را موفقیت نشان دهند. همان سیاستی است که درسالهای ۶۸ و ۶۹ درابعاد وسیعتری دنبال شد وبحران فاجعه بار کنونی را پدید آورد.

بحران اقتصادی کشور جوانب متعدد وریشه‌های عمیق‌تری دارد. این جوانب وعوامل هم چنان پابرجا هستند. برنامه "تعدیل اقتصادی" رفسنجانی شکست خورده وبه اهداف خود دست نیافته است وهیچ چشم اندازی وجود ندارد که رژیم اسلامی بتواند جامعه ما را از این فلاکت نجات دهد، تداوم سیاست‌های مخرب رژیم اسلامی در زمینه‌های مختلف، کشور ما را به ورطه سقوط سوق می‌دهد ووضعیت دشواری را برای سال ۷۳ رقم می‌زند.

ایران خواستار جلوگیری ...

ادامه در صفحه ۱

س: آیا در متن این دو نوشته اختلافی هست؟

ج: از نظر محتوا خیر، ولی در نوشته اول منابع چندی قید شده که در نوشته دوم آن منابع حذف شده است.

س: با توجه بدان نوشته می‌توانید کسانی که پشت پرده مسبب این ترور بودند را معرفی کنید؟

ج: نه. بیش از آن افرادی که نام برده شده وبعضا دستگیر شده‌اند چیز دیگری نبود.

س: آیا شما می‌توانید ایران را به عنوان مسئول پشت پرده این جریان معرفی کنید؟

ج: با توجه به اطلاعاتی که تا کنون دارم نمی‌توانم نظری بدهم که هست یا نیست!

س: شما در مصاحبه تلویزیونی با n. t. v گفته‌اید کسی که جزئیات این جریان را بداند به نتایج دیگری خواهد رسید. آیا میشود این گفته را به حساب این گذاشت که ایران مسبب این قضیه نیست؟

ج: این مطلب از سوی من بد نقل شده است (لازم به توضیح است که اشمید باوئر همه سخنانی را که از او در مطبوعات درج شده وقضات و وکلاء بدان استناد کردند، به همین شیوه تکذیب کرد)

س: شما با فلاحیان ملاقات کرده‌اید؟

ج: آری

ملاقات شما با فلاحیان به چه منظوری بود؟

ج: انسان دوستانه بود. وارد جزئیات نمی‌توانم بشوم

س: آیا موضوع میکونوس هم در دستور کار شما بود؟

ج: نه

س: آیا در مورد این مسئله (میکونوس) با شما صحبتی شد؟

ج: آری

س: چگونه؟

ج: درحالیکه درباره زندانیان آلمانی در کشورهای دیگر صحبت می‌شد، فلاحیان گفت که دولت ایران در رابطه با مسئله برادران حمادی وآزادی دو گروگان آلمانی درلبنان به دولت آلمان بسیار کمک کرده ولی اکنون ما شاهد این هستیم که دربرلین دادگاهی درجریان است که به ایران اتهامات بسیار سختی می‌زند، آیا دولت آلمان می‌تواند بر این جریانات تاثیری بگذارد؟ یا اینکه این موضوع را کن لم یکن اعلام کند ویا مانع برگزاری دادگاه شود؟ ما جواب دادیم: جریان برلین درکنترل دستگاه قضایی آلمان است ودر این رابطه کاری از ما ساخته نیست. این اظهارات را اشمید باوئر از روی پروتکل داخلی دفتر صدارت عظما خواند.

لازم به تذکر است که بدنبال این سخنان تعداد زیادی از خبرنگاران از دادگاه خارج شده واین خبر را مخابره کردند که بلافاصله در اکثر رادیو تلویزیونهای آلمان واروپا انعکاس یافت.

س: آیا شما به فلاحیان توضیح دادید که اگر نقش ایران در این ترور ثابت شود می‌تواند به تجدید نظر در رابطه با ایران منجر گردد؟

ج: آری این را گفتم که چنانچه در دادگاه برلین ثابت شود ایران در این ترور نقش داشته، حتی اگر یکطرفه هم شده در رابطه‌مان با ایران تجدید نظر خواهیم کرد.

یکی از قضات: پاسخ شما در رابطه با مصاحبه‌تان با n. t. v و مسایلی که در این مصاحبه در مورد نقش ایران در ترور مطرح شده برای ما قانع کننده نیست. آیا از شما شخصا در مورد نقش ایران سئوال شد؟

ج: اینکه من گفته‌ام "اگر شما همه اطلاعات را بدانید قضاوت دیگری خواهید کرد" منظورم در مورد ایران نبوده است.

دادستان: زمانیکه در مورد تسهیل رابطه با زندانیان ایرانی در خارج صحبت شد آیا فقط منظور دارابی بود ویا اینکه صحبت عمومی‌تر بود؟

ج: عمومی بود.

س: آیا عجیب نیست که یک کشور در مورد اتباع کشور دیگری که در زندان هستند صحبت کند؟ آیا این یک رابطه عقیدتی نبود؟

ج: تا آنچه که من به خاطر دارم فلاحیان به صورت کلی صحبت کرد.

س: اگر فرض بر این باشد که فلاحیان خواسته به خاطر تسهیلات برای همه متهمین پرونده تلاش کند، چطور این کار را از طریق وزارت دادگستری ویا وزارت کشور و یا... انجام نداده است؟

ج: در بعضی کشورها آنطوری است، برای اینکه کارها زودتر وبهتر انجام شود، باید مستقیم به وزارت اطلاعات مراجعه شود.

وکیل خانم عبدلی: آیا شما به گونه‌ای به فلاحیان فهماندید که او هم براساس کیفرخواست دادستانی تحت تعقیب است؟

ج: من قبل از آمدن او مسئله را با بخش حقوقی دفتر صدارت عظما در میان گذاشتم وبه این نتیجه رسیدم که نوع اتهام وموقعیت فلاحیان به گونه‌ای نیست که مشکلی به وجود آورد.

س: آیا شما با وی راجع به این جریان صحبت کردید یا حتی اشاره‌ای هم به آن نکردید؟

ج: نه

وکیل شهره بدیعی: آیا فلاحیان را شما دعوت کردید یا کهل؟

ج: از طرف من دعوت شد.

س: چه موقع؟

ج: به مجرد اینکه پای گروگانهای آلمان درلبنان به خاک آلمان رسید، ۴ هفته یا ۵ هفته قبل از ملاقات.

س: چند بار با فلاحیان راجع به واقعه میکونوس صحبت کردید و چگونه؟ این صحبت‌ها فقط در جلسات رسمی بود یا در تنفس‌ها وسر میز غذا...؟

ج: چندین بار صحبت کردم.

س: چند بار به طور مشخص؟

ج: چهار بار ومن پاسخهایی را که قبلا توضیح دادم به او دادم. این صحبت‌ها در فاصله دو روز بود وهمه در بخش رسمی ملاقات صورت گرفت، چون سرانجام این ملاقات هم ناموفق بود، عملا جوی فراهم نشد که به طور غیررسمی هم صحبت شود.

س: آیا فلاحیان در کلن با مسئول سازمان امنیت ودر مونیخ با مسئول BND ملاقات کرد؟ مجله اشپیگل نوشته است شما به وزارت اطلاعات ایران آموزش وکارآموزی در زمینه کامپیوتر می‌دهید؟

ج: ملاقات فلاحیان با آنها، در مورد مبارزه با قاچاق بین‌المللی، و تروریسم بود. درباره آنچه در اشپیگل نوشته شده چیزی نمی‌توانم بگویم.

س: مثل این است که با PKK قراردادی ببندید برای مبارزه با تروریسم!

سکوت اشمید باوئر

س: آیا فلاحیان از اینکه ۴ نفر از هموطنانش دریک کشور خارجی به قتل رسیده‌اند با شما صحبتی کرد؟

ج: خیر

وکیل حزب دمکرات کردستان ایران وخانواده شرفکندی: آقای شاهد ابتدا بگویم من نه به عنوان وکیل مدافع که به عنوان مدعی این پرونده با شما صحبت می‌کنم، لطفا مرا وکیل مدافع خطاب نکنید. آیا شما به فلاحیان در مورد اینکه ۴ هموطنش در اینجا کشته شده‌اند، تسلیت گفتید؟

ج: وقتی او آمد مدت زیادی از این جریانها گذشته بود وعملا موقعیتی فراهم نشد که اینکار را بکنیم

ـخنده حضارـ

انعکاس اظهارات باوئر در مطبوعات آلمان

روزنامه برلینر تسایتونگ (Berliner Zeitung) جمعه ۱۸ مارس در مقاله‌ای با عنوان روابط آلمان وایران ودادگاه میکونوس نوشت: ۰۰۸ (عنوانی که مطبوعات به اشمید باوئر می‌دهند) در موقعیت دفاعی-ایران تلاش کرده است که به طرق گوناگون جلوی دادگاه "میکونوس" رابگیرد. این مطلب را دیروز برند اشمید باوئر وزیر هماهنگ کننده سازمانهای اطلاعاتی آلمان در دفتر صدارت عظما برای اولین بار مورد تائید قرارداد. وی در دادگاه برلین، ۵ متهم به قتل چهار عضو اپوزیسون را مسئول این قتل دانست. براساس کیفرخواست، دستور این قتل از تهران صادر شده است.

درحالیکه در مقابل دادگاه جنایی موآبیت ده‌ها تن از تظاهر کنندگان تعقیب و دستگیری اپوزیسیون توسط رژیم ایران را خاطر نشان می‌ساختند، درسالن شماره ۷۰۰ دادگاه، شاهد عالیرتبه‌ای با زحمت تلاش می‌کرد از عملکرد شخصی خود در پروسه این پرونده دفاع کند. وی که بنام مامور ۰۰۸ هم شهرت دارد بخاطر این جریانات به کرات در تیتر خبرها قرار گرفته است.

روزنامه تاگس اشپیگل در شماره جمعه ۱۸ مارس خود نوشت: وزیر هماهنگ کننده سازمانهای اطلاعاتی در دفتر صدارت عظما، درمقابل دادگاه برلین اعتراف نمود که "ایران آشکارا می‌خواسته جلو دادگاه ترور میکونوس را بگیرد" - اشمید باوئر روز پنجشنبه دربرابر دادگاه برلین گفت که وزیر اطلاعات وامنیت ایران علی فلاحیان مدت کوتاهی قبل از شروع داگاه در اکتبر ۹۳ درجریان مذاکره درباره موارد انسانی، از بن درخواست کرد که دولت فدرال، دادگاه بررسی قتل ۴ اپوزیسیون کرد را برگزار ننماید. اشمید باوئر در دادگاه گفت که به آنها فهمانده است "در این مورد هیچ جای صحبتی وجود ندارد". وی قبلا در مصاحبه‌ای در پاسخ به این سئوال که نقش سازمان امنیت ایران در حمله سپتامبر ۹۲ چیست؟ پاسخ داده بود "آنکه تمام جزئیات را بداند، شناخت وقضاوت دیگری خواهد داشت."

روزنامه تاگس تسایتونگ با عنوان "دولت ایران سعی کرده است جلوی دادگاه میکونوس را بگیرد" از قول اشمید باوئر در دادگاه نوشت: وزیر اطلاعات ایران خواستار از بین بردن آنچه در دادگاه می‌گذرد شده است. این روزنامه همچنین نوشت از وقوع انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ تا کنون بیش از ۱۰۰ نفر از اپوزیسیون ایرانی در اروپای غربی به قتل رسیده‌اند و دادگاه "میکونوس" از اولین دادگاههایی است که در آن رژیم ایران، به عنوان مسئول مستقیم ترور برصندلی اتهام نشانده شده است.

سایر روزنامه های برلین وآلمان نظیر برلینر مورگن پست، بیلد، آلمان جدید، فرانکفورتر آلگماینه و... خبر حضور اشمید باوئر را با تیترهایی نظیر "دولت ایران سعی در جلوگیری از دادگاه میکونوس دارد" در صفحات اصلی خود انعکاس دادند.

تمام رادیو تلویزیونهای مهم و سراسری آلمان از حدود ساعت ۱۱ صبح ۱۷ مارس وپس از آنکه اشمید باوئر به تلاش ایران برای جلوگیری از دادگاه برلین اعتراف کرد، به پخش خبر وبرنامه با تیتر "ایران تلاش می‌کند جلو دادگاه رابگیرد"، پرداختند.

تظاهرات در مقابل دادگاه

به مناسبت حضور اشمید باوئر در دادگاه برلین، تظاهراتی به دعوت کانون پناهندگان سیاسی ایران در برلین برگزار شد. در این تظاهرات ده‌ها تن از افراد اپوزیسیون با گرایش‌های گوناگون سیاسی شرکت داشتند، شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی" و"قطع رابطه با رژیم تروریست تهران" در این تظاهرات داده شد. پلاکاردهائی نیز با این مضامین حمل می‌شد. این تظاهرات از اکثر فرستنده‌های رادیوئی وتلویزیونی پخش گردید. در حین تظاهرات چندین مصاحبه با برگزارکنندگان تظاهرات وچند تن از افراد اپوزیسیون بعمل آمد که به تناوب در مطبوعات انعکاس یافت و یا از رادیو وتلویزیون پخش گردید.

سعیدی سیرجانی دستگیر شد

علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، نویسنده واستاد پیشین دانشگاه اواخر اسفند ماه گذشته در تهران توسط ماموران رژیم دستگیر شد. سازمان حقوق بشر میدل ایست واچ در شهر نیویورک به نقل از همسر سعیدی اعلام کرد که وی روز ۲۳ اسفند از منزل خارج شده اما باز نگشته است، ساعاتی بعد مامورین مبارزه با منکرات وارد خانه او شده و کتابخانه او را مهر وموم نموده‌اند.

علت دستگیری سیرجانی یقینا اظهارنظرها ومضامین کتابهای وی بوده که خصومت ودشمنی برخی از محافل رژیم را برانگیخته است.

سیرجانی پس از اولین انتخاب رفسنجانی به ریاست جمهوری با چاپ مقاله‌ای در روزنامه اطلاعات این رویداد را همچون بارقه‌ای در ظلمت ارزیابی کرد وآنرا به فال نیک گرفت. حزب‌الله از این تشبیه به خشم آمد وچندین وچند روز به نشانه اعتراض در مقابل دفتر روزنامه اطلاعات به تظاهرات دست زده و دستگیری ومجازات سیرجانی را خواستار شد. از سوی دیگر برخی از کتابهای سیرجانی همچون "ضحاک ماردوش" و... که مضمونی ضد استبدادی داشته‌اند حزب‌الله را خوش نیامده وبرغیض وکینه آن نسبت به نویسنده مذکور افزوده‌اند در این راستا روزنامه کیهان هوائی دو سال پیش دشنام‌ها و افتراتی را متوجه سیرجانی نمود که به شکایت نامبرده به دادگاه منجر شد. یکماه پیش هیئت منصفه مطبوعات در دادگاهی که برای رسیدگی به شکایت سیرجانی تشکیل شده بود، به بی‌پایه‌گی این شکایت وتبرئه مدیر مسئول کیهان هوائی رای داد. دستگیری سیرجانی چند روز پس از خاتمه دادگاه روی داده وظاهرا حزب‌الله که خود را برنده دادگاه می‌بیند فرصت را در انتقامجوئی از شکایت سیرجانی مناسب دیده است. دلیل رسمی دستگیری سیرجانی داشتن مواد مخدر ومشروبات الکلی ذکر شده است.

در حاشیه رویدادها

اگر بهانه نیست...

مقابله با خطرات جانی ناشی از ترقه بازی وروشن کردن آتش در جشن های چهارشنبه سوری واستقبال از سال نو دستاویزی بود که به بهانه آن حکومت امسال نیز به مقابله با آئین های ملی نوروزی برخاست. هیاهوی بسیار کردند که ساختن واستفاده از مواد منفجره به عنوان ترقه یا هرنوع آتش بازی در جشن های نوروزی چه خطراتی برای سلامتی وجان جوانان ونوجوانان دارد ووزارت کشور گویا در مقام "احساس مسئولیت" اعلام کرد که هرنوع ترقه بازی وآتش روشن کردن ممنوع است وبشدت با آن مقابله خواهد کرد.

اما از هیچکس پنهان نبود که دغدغه واقعی حکومتیها نه جان و سلامتی جوانان ما که جلوگیری از برگزاری آئین های استقبال از نوروز است وصد البته امسال نیز همانند سالهای گذشته حکومت شکست خورد.

جان کلام را خواننده یکی از روزنامه های تهران گفته که: اگر حکومت مخالف با جشن چهارشنبه سوری ومراسم استقبال از سال نو نیست ونگران سلامتی جوانان ونوجوانان است، چرا خود وسایل ومواد جشن های چهارشنبه سوری را به شکل مطمئن واستاندارد تولید وعرضه نمی‌کند تا جلو خسارتها وخطرات گرفته شود؟

"شروع یک روند اساسی" و "جای خوشوقتی" برای کیهان

انسان درمی‌ماند که دنیای این گردانندگان کیهان وهمه مسئولین و غیرمسئولینی که همانند کیهانی‌ها می‌اندیشند، چقدر باید کوچک وحقیر باشد که چیزهایی چون "استعمال سیگار"، آنهم به هنگام اجرای یک نمایش ویکدیگر را "درآغوش کشیدن"، باز آنهم فقط به هنگام اجرای نمایش، آنها را سخت آزرده خاطر سازد ووقتی جلوی چنین نمایشی به جرم همان گناهان "کبیره" که اشاره شد، گرفته می‌شود، با "خوشوقتی" از "شروع یک روند اساسی" سخن بگویند.

داستان از این قرار است که اجرای آزمایشی نمایش "خانه شیشه‌ای" (باغ وحش شیشه‌ای) نوشته تنسی وویلیامز اخیرا در تالار هنر تهران آغاز شده بود. آنطور که روزنامه کیهان نوشته است "دربخشی از نمایش اجرا شده، بازیگر نقش اول شروع به استعمال سیگار ومتعاقب آن دو بازیگر دختر نیز این عمل را اجرا می‌کنند. سپس بازیگران دختر وپسر نمایش روابط نزدیک جسمی وفیزیکی برقرار کرده وبحالت بسیار نزدیک همدیگر را درآغوش کشیده ومطلبی را با این مضمون که "مجبوریم صحنه بوسه را سانسور کنیم" مطرح کردند."

اجرای این نمایش به شرحی که رفت، اعتراض "جمع کثیری از دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا ورشته نمایش دانشگاه آزاد اسلامی" را برانگیخته ووزارت ارشاد فورا جلوی اجرای نمایش را گرفته وکارگردان و پنج تن از بازیگران را اخراج کرده است. این بگیروببند واخراج است که "خوشوقتی" کیهان راموجب شده وآنرا "حاکی از شروع یک روند اساسی در برخورد با مهاجمین به ارزش های اسلامی" قلمداد کرده است.

باید گفت کارگردان وبازیگران نمایش باغ وحش شیشه‌ای شانس آورده‌اند که تماشاچیان مستیم نمایش نه از قماش کیهانی‌ها، که "دانشجویان هنرهای زیبا" و"اهل ذوق وهنر" بوده‌اند وگرنه کار می‌توانست از اعتراض واخراج بسیار بالاتر برود.

ماموران سد معبر شهرداری هم "خطی" برخورد می‌کنند!

روزنامه کیهان دریکی از شماره های اخیر خود خبر داده که ماموران سد معبر شهرداری درخیابانهای تهران با فروشندگان کیهان همچون عاملین سد معبر رفتار کرده وبساط آنها را جمع کرده وبا خود می‌برند. این روزنامه معترض شده که "ماموران سد معبر فقط به روزنامه کیهان حساسیت دارند وبا فروشندگان "همشری" هیچگونه برخوردی صورت نمی‌گیرد وآنها آزادند درهر ساعتی به فروش روزنامه خود بپردازند."

کیهان به طعنه این کار ماموران شهرداری تهران را "رقابت شهرداری تهران برای ارتقا کمی وکیفی مطبوعات" می‌نامد. اما حق آن بود که گردانندگان این روزنامه برای یکبار هم که شده، اعتراف کنند که ماموران شهرداری نیز_اگر ادعای کیهان درست باشد-به نوعی به همان کاری مشغولند که گفتار وکردار روزمره کیهان وگردانندگان آنست.

سخن هفته

احتمال دارد، این چند سالی که مردم درروز "سیزده" عید نوروز رغبتی برای سبزه گره زدن از خود نشان نمی‌دهند، به خاطر وجود گره های متعددی است که درزندگی آنها وجود دارد. آنها می‌خواهند با این عمل، گره بالای گره زده نشود.

"گل آقا"

تصحیح وپوزش

درمقاله "درآستانه فصلی سرد" مندرج درکار شماره ۷۹، جمله "در زمستان ۱۳۴۲..." بصورت زیر تصحیح می‌شود:

-درزمستان ۱۳۴۲، فیلم پری کوچک غمگین ما درفستیوال "اوبرهاوزن" جایزه بهترین فیلم مستند رابه دست آورد.

تحویل ۱۴ پناهنده کرد به ترکیه

بنابر گزارش های رسیده در آخرین روزهای سال ۱۳۷۲، جمهوری اسلامی اقدام به تحویل تعدادی از پناهندگان کرد به دولت ترکیه کرد. اخبار موجود حاکی از آنند که این افراد از اعضای حزب کارگران کردستان ترکیه (پ. ک. ک.) بوده‌اند. درمورد تعداد پناهندگان تحویل داده شده، رقمهای متفاوتی ذکر شده است. برخی اخبار حاکی از آن بود که تنها ۳ تن به ترکیه بازگردانده شده‌اند، ولی روزنامه های خارجی از ۱۴ تن سخن به میان آورده‌اند. افراد مذکور در جریان درگیریهای اخیر با دولت ترکیه به خاک ایران گریخته و گفته می‌شود که تعدادی از آنان زخمی بوده‌اند.

تحویل ۱۴ کرد به ترکیه در اجرای توافق‌نامه‌ای صورت می‌گیرد که میان تهران و آنکارا در زمینه جلوگیری و عدم حمایت از فعالیت نیروهای اپوزیسیون طرف مقابل در خاک هریک از دو کشور منعقد شده است. در ادامه این سیاست دولتهای دو کشور نه تنها از فعالیت مخالفین سیاسی طرف قرارداد بلکه حتی از زندگی آنان در خاک کشور خود نیز جلوگیری می‌کنند. در این رابطه از جمله چند ماه پیش خبری مبنی بر تحویل ۴ فدایی خلق از سوی مقامات دولت ترکیه به رژیم اسلامی حاکم بر ایران منتشر شد. توافق‌نامه نامبرده و سیاست حاکم بر آن در لباس عدم مداخله در امور داخلی کشور همسایه نشانگر نقض منشور حقوق بشر است، که ایران و ترکیه از امضاء کنندگان آن می‌باشند. این توافق‌نامه به‌ویژه پایمال کردن آشکار حق پناهندگی و کنوانسیون ژنو می‌باشد که با زامضای تهران و آنکارا را برپای خود دارد.

توافق‌نامه مذکور که از موارد بی‌شمار نقض منشورها، توافق‌نامه ها و پیمانهای بین المللی از سوی دو دولت سرکوبگر حاکم بر ایران و ترکیه است، با هیچ واکنشی از سوی نهادها و سازمانهای بین المللی مواجه نشده است.

گزارشی از وضعیت دارو در ایران

دیگر حتی قرص آسپرین هم در داروخانه ها پیدا نمی‌شود

روزنامه سلام در گزارشی پیرامون وضعیت دارو در ایران، گوشه هایی از مشکلات مردم در رابطه با این مساله حیاتی را انعکاس داده است. به نوشته سلام در سالهای اخیر مشکل کمبود دارو به عنوان یکی از جدی ترین مسائلی که مردم جامعه را رنج می‌دهد پدیدار گشته و با مرور زمان شکلی بغرنج تر و پیچیده تر بخود می‌گیرد به نحوی که در گذشته‌ای نه چندان دور کمیابی داروهای مهم و اساسی جامعه را رنج می‌داد در حالیکه مدتی است داروهای عمومی و ساده تر نظیر آسپرین و قرص سرماخوردگی نیز کمیاب شده است.

هر روز آدمهای زیادی از یافتن داروی مورد نیازشان در داروخانه های دولتی که معمولا توزیع کننده اقلام کمیاب دارو هستند، نسخه بدست به دلالان خیابان ناصرخسرو مراجعه می‌کنند تا شاید دوای درد خود یا یکی از نزدیکانشان را با بهایی گزاف از دراگ استورهای سیار ناصرخسرو (مرکز توزیع انواع و اقسام دارو) بیابند.

درادامه گزارش آمده است: به هر داروخانه‌ای در سطح تهران مراجعه کردیم جمعیت زیادی مایوس از یافتن داروی مورد نیازشان از وضعیت نابسامان دارو اظهار نارضایتی می‌کردند.

یکی از بیمارانی که برای دریافت دارو به یکی از داروخانه های دولتی مراجعه کرده بود در حالیکه از داروخانه خارج می‌شد گفت: "داروی مورد نیازم را داروخانه های دولتی هم ندارند و با توجه به اینکه نیاز مبرمی به استفاده از این دارو دارم چاره‌ای برایم باقی نمی‌ماند جز اینکه به ناصرخسرو مراجعه کنم. هرچند که بضاعت مالی اندکی دارم.

خانم جوانی در جستجوی کپسول آنتی بیوتیک در یکی از داروخانه های شهر می‌گوید: "دیگر کار بجایی رسیده که داروهای ساده هم در داروخانه ها پیدا نمی‌شود."



مسئول یکی از داروخانه ها می‌گوید: "یکی از مهمترین مشکلاتی که موجب پدید آمدن وضعیت نابسامان دارو شده است عدم برخورداری از یک برنامه ریزی دقیق و منسجم در شبکه توزیع داروست، در حال حاضر سیستم نظارتی دقیقی بر امر توزیع دارو وجود ندارد."

مرد مسنی که برای تهیه دارو به دلالان خیابان ناصرخسرو مراجعه کرده است، می‌پرسد: "آیا جز این است که این داروها فقط از منابع اصلی دارویی به این مراکز منتقل می‌شوند؟"

گزارشگر سلام می‌نویسد: تردیدی نیست که مشکل دارو با توجه به اینکه دارو جزو کالاهای استراتژیک محسوب می‌شود ارتباط تنگاتنگی با وضعیت اقتصادی کشور دارد و تمامی نوسانات و تنشهای حاکم بر اقتصاد جامعه اثر مستقیمی بر وضعیت آن دارد.

به گفته دکتر مرندی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برای رفع مشکل دارو در کشور بیش از ۷۰۰ میلیون دلار ارز مورد احتیاج است.

بطور قطع با وضع فعلی اقتصادی و با توجه به کمبود دارو تخصیص چنین مبلغی به پخش دارو امکانپذیر نیست و مشکل همچنان باقی می‌ماند. مشکل دیگر مردم عدم سوددهی کارخانه های تولید کننده داروست که همین مسئله موجب گشته بسیاری از کارخانه های تولید کننده دارو چندان تمایلی برای تولید دارو نداشته باشند. یکی از دست اندرکاران امر تولید دارو در این رابطه می‌گوید: "با توجه به شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه یکی از راه هایی که می‌تواند تا حدی به وضعیت دارو در کشور کمک کند افزایش نرخ دارو در کنار گسترش و همگانی کردن نظام بیمه می‌باشد."

گزارشگر می‌نویسد: "ولی سئوال اینجاست که آیا با توجه به شرایط فعلی، دولت به لحاظ اجرائی قادر است لایحه بیمه همگانی را در سطحی وسیع به مرحله اجرا گذارد و آیا چشم انداز روشنی در جهت تضمین اجرایی آن وجود دارد؟

دیدارهای دیپلماتیک

صبح روز ۱۵ اسفند دکتر عبدالرحمان فرستاده ویژه رئیس جمهور افغانستان با دکتر لاریجانی نایب رئیس کمیسیون سیاست خارجی مجلس دیدار کرد. در این دیدار دو طرف تمایل خود به برقراری صلح در افغانستان و آمادگی خود برای کوشش در این جهت را اعلام کردند.

روز ۱۵ اسفند همچنین آناتولی آدامیشن معاون وزیر امور خارجه روسیه در تهران با دکتر علی اکبر ولایتی دیدار کرد. دوطرف درمورد بحران تاجیکستان به گفتگو پرداختند و بر منافع طرفین در حل این بحران تا کید نمودند.

کشتی ایران دوم شد

مسابقات جام جهانی کشتی آزاد روز شنبه ششم فروردین خاتمه یافت. در این مسابقات که در دانشگاه آلبرتای ادمونتون کانادا برگزار شد کشتی گیران ایران با کسب ۶۸ امتیاز به مقام دوم دست یافتند. طی سه روز، کشتی گیران ایران با تیم های نامدار جهان از جمله روسیه، ترکیه و آمریکا رودررو شدند. تیم های آمریکا، روسیه و ترکیه به ترتیب مقام های اول، سوم و چهارم را کسب کردند.

تیم ملی امید در مسابقات جام گاندی

تیم ملی امید فوتبال برای شرکت در دومین دور مسابقات فوتبال جام گاندی عازم هند شد. در این مسابقات ۶ تیم حضور دارند. ایران در گروه دوم با تیمهای چین و کره جنوبی همگروه شد. در گروه اول تیمهای زامبیا - هند و فنلاند در برابر یکدیگر قرار گرفتند. تیم ملی ایران در نخستین مسابقه خود در برابر تیم قدرتمند چین با نتیجه ۲ بر ۱ به پیروزی رسید. گلهای ایران را ادموند بزیک و علی سرمدی به ثمر رساندند. تیم ملی امید که زیر نظر یک مربی بوسنیایی است، قرار است در مسابقات المپیک ۱۹۹۶ نماینده باشد.

سایپای تهران - جنوب اهواز در فینال جام حذفی

تیمهای فوتبال سایپا قهرمان باشگاههای ایران و جنوب اهواز به دیدار نهایی جام حذفی رسیدند. دیدار رفت این دو تیم در ورزشگاه آزادی تهران بدون گل به تساوی رسید و این درحالی بود که تیم جنوب نتوانست یک پنالتی را به ثمر برساند.

در مسابقات جام حذفی باشگاههای کشور که از ۱۰ اردیبهشت ماه سال گذشته برگزار شد، ۶۴ تیم حضور داشتند. آشفتگی، بی‌برنامگی و تعویق پی در پی مسابقات، کیفیت این مسابقات مهم را به شدت پایین آورد. در آستانه برگزاری دیدار بازگشت فینال، تب این مسابقه چنان بالا گرفت که نماینده اهواز در مجلس طی پیامی، برای بازیکنان جنوب آرزوی پیروزی کرد.



وزنه برداری: رقابتهای بین المللی جام نامجو

فدراسیون وزنه برداری کشور اعلام کرد، در نیمه فروردین ماه یکدوره مسابقه بین المللی وزنه برداری برگزار خواهد کرد. در این مسابقات که در شهر رشت برگزار خواهد شد و به نام محمود نامجو وزنه بردار فقید ایران اسم گذاری شده سه تیم بزرگسالان، جوانان و امید شرکت خواهند کرد. قرار است در جریان این مسابقات ۱۲ وزنه بردار، جهت شرکت در اردوی تدارکاتی بازیهای آسیایی هیروشیما انتخاب شوند. فدراسیون وزنه برداری از ۲۵ کشور برای حضور در این مسابقات دعوت کرده است که تا لحظه تنظیم این خبر ۹ کشور قزاقستان، پاکستان، سوریه، ارمنستان، ترکیه، مجارستان، قرقیزستان و آذربایجان اعلام آمادگی کرده‌اند. علاوه بر آن فدراسیون وزنه برداری از ۱۰ تن قهرمانان وزنه برداری جهان در استرالیا نیز برای شرکت در مسابقات دعوت کرده است. رکوردهایی که در مسابقات بین المللی جام نامجو بدست آید، به عنوان رکوردهای جهانی معتبر خواهند بود.

علی دایی ماندنی شد

پیوستن علی دایی ستاره تیم ملی فوتبال ایران در مسابقات مقدماتی جام جهانی در قطر به تیم شالکه ۰۴ آلمان منتفی شد. گفته می‌شود که وی اکنون مشغول رتق و فتق امور مربوط به سربازی خود می‌باشد، تا از سال آینده راهی ژاپن شود. قرار است وی به تیم "شیمورو اسپالس" بپیوندد. "آنتونیو کاره کا" مهاجم مشهور برزیلی نیز عضو این تیم است.

خبرهای کوتاه

وزیر کشور: ناامنی را تحمل نمی‌کنیم

روز چهارشنبه ۲۵ اسفند علی محمد بشارتی وزیر کشور و جانشین خامنه‌ای "فرمانده کل قوا" در دیدار با فرمانده و مسئولان نواحی انتظامی تهران بزرگ گفت ناامنی در کشور به هیچ وجه قابل قبول نیست. وی نیروهای انتظامی را به تامین امنیت عمومی در کشور و برخورد قاطع با قاچاق مواد مخدر فراخواند. وزیر کشور از فرماندهان نیروهای انتظامی خواست با تکیه بر تجربیات با پدیده های فرهنگی و گروه ها برخورد کنند.

افزایش عوارض خروج از کشور

مجلس شورای اسلامی در بودجه سال ۷۳ تصویب کرد دولت می‌تواند ۵۰ هزار ریال در ازای صدور و ۲ هزار ریال در ازای تمدید گذرنامه دریافت و آن را به حساب درآمد عمومی کشور واریز کند. وجوه مربوط به دریافت عوارض خروج از کشور برای بار اول در هر سال مبلغ ۷۰ هزار ریال و برای بار دوم و بیشتر در همان سال جهت هر نوبت به مبلغ ۱۲۰ هزار ریال افزایش می‌یابد. این مبلغ قبلا ۵۰ هزار ریال و ۱۰۰ هزار ریال بود.

اعتراض وزارت خارجه به کمیسیون حقوق بشر

بدنبال محکومیت جمهوری اسلامی بخاطر نقض حقوق بشر از طرف کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی با انتشار بیانه‌ای این اقدام را محکوم کرده و آنرا نمایانگر "کینه محافل غربی صهیونیستی در قبال سیاستهای مستقل جمهوری اسلامی" قلمداد کرد. در این بیانه آمده است که قوانین کیفری در ایران مبتنی بر نظام حقوقی اسلام است و صدور اینگونه قطعنامه ها هیچگونه اعتبار و مشروعیتی برخوردار نیست.

مساله سه جزیره ایرانی در دادگاه لاهه

شیخ زاید بن سلطان آل نهیان امیر امارات متحده عربی در مصاحبه‌ای با یکی از نشریات این کشور گفت امارات متحده عربی مسئله جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی را به دادگاه بین المللی لاهه رجوع خواهد داد.

در این ارتباط علی اکبر ولایتی به روزنامه عرب زبان الوسط گفت: ایران در جهت حل سوء تفاهم با امارات متحده عربی پیرامون "هر سه جزیره" اهتمام خواهد ورزید. این درحالی است که جمهوری اسلامی تاکنون همواره ایران را مالک جزایر تنب کوچک و تنب بزرگ دانسته است.

براساس اسناد تاریخی موجود سه جزیره مورد ادعای امارت متحده عربی از ده ها سال پیش متعلق به ایران بوده‌اند.

افزایش دستمزدها ناچیز است

مهدی کرباسیان مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی گفت: درسال ۷۲ بطور متوسط ۲۵ درصد و در برخی موارد ۳۲ درصد حقوق مستمری بگیران افزایش یافته است و با پیشنهاد سازمان تامین اجتماعی و تائید هیات وزیران حقوق مستمری بگیران و از کار افتاده ها و بازماندگان آنها ۲۰ درصد به اضافه ۱۰ ریال افزایش می‌یابد که این رشدی معادل ۳۱ درصد را نشان می‌دهد. این درحالی است که بنا به گزارش بانک مرکزی متوسط شاخص بهای عمده فروشی کالا در ایران طی ده ماه اول سال ۷۲ نسبت به دوره مشابه سال قبل ۳۴/۱ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

برخی واحدهای دانشگاه آزاد تعطیل می‌شود

وزیر فرهنگ و آموزش عالی در مصاحبه‌ای تاکید کرد که اگر دانشگاه آزاد در چارچوب قانون فعالیت کند مورد حمایت این وزارت خانه خواهد بود و هیچ مشکلی از جهت تائید و تصویب رشته های دانشگاهی وجود نخواهد داشت و اکنون نیز از نظر همکاری بین دانشگاه های دولتی و غیر دولتی مساله‌ای وجود ندارد. او گفت برخی از واحد های دانشگاه آزاد را که از نظر کیفی و سطح علمی به حد استانداردهای قابل قبول نرسیده باشند تعطیل خواهیم کرد.

امضای قرارداد حذف مواد کاهنده لایه اوزن

قرارداد تشکیل دفتر نظارت بر اجرای تعهدات جمهوری اسلامی ایران درباره حذف مواد کاهنده لایه اوزن به امضا رسید. براساس این قرارداد سازمان حفاظت محیط زیست برنامه جانشینی "س - اف - سی‌ها" در صنایع برودتی کشور را پی گیری خواهد کرد.

سر مجسمه هرکول به سرقت رفت!

سر مجسمه هرکول یکی از آثار تاریخی با ارزش در بیستون به سرقت رفت. مجسمه هرکول با ۱۴۷ سانتی متر ارتفاع در سال ۱۳۳۷ شمسی هنگام احداث جاده جدید کرمانشاه - همدان کشف شد. پیکره سنگی هرکول در سال ۱۷۶ قبل از میلاد توسط "انتیوخوس" یکی از پادشاهان سلوکی به خاطر غلبه یافتن بر پادشاه اشکانی در دامنه کوه بیستون ساخته شد. در سالهای اخیر دست چپ پیکره هرکول بدلیل بی‌توجهی آسیب کلی دیده بود و تاکنون هم اقدامی برای مرمت آن نشده است. اکنون هم سر مجسمه را از پیکره آن جدا کرده‌اند و با خود برده‌اند.

موفقیت هنرمندان خردسال ایرانی

یازده تن از کودکان و نوجوانان ایرانی در مسابقات بین المللی نقاشی کودکان موسسه فرهنگی "شانکار" هند برنده جایزه شدند. این مسابقات همه ساله از سوی این موسسه در دهلی نو برگزار می‌شود و امسال ۴۴ کشور از جمله ایران در آن شرکت داشتند.

بازار پررونق سیگارهای خارجی

● سالانه ۲۰ میلیارد نخ سیگار خارجی وارد کشور می‌شود

درچند سال اخیر همزمان با سیل ورود کالاهای خارجی به کشور، راه ورود سیگارهای خارجی نیز به بازار ایران بازشده و خرید و فروش انواع سیگارهای خارجی که بیشترین آنها غیرمجاز و بصورت قاچاق وارد کشور می‌شوند، به کسب و کار پررونق و سودآوری تبدیل شده است. سودآوری این کار در شرایط وجود بیکاری وسیع و پائین بودن سطح درآمدها، موجب جذب شمار زیادی از مردم در قالب شرکت‌ها و شبکه‌های متعددی در واردات و خرید و فروش سیگار خارجی شده است. کسب و کار معاملات سیگار تا بدانجا رونق گرفته که شرکتها و شبکه‌های فعال در این کار، درصدد گسترش فعالیت خود به کشورهای آسیای میانه از طریق ایران هستند.

درحال حاضر بین ۸۰ تا ۹۰ نوع سیگار در بازار تهران و شهرستانها خرید و فروش می‌شود که جز چند نوع داخلی، بقیه سیگارهای خارجی هستند. بخشی از این سیگارهای خارجی بطور قانونی و با مجوز شرکت دخانیات وارد می‌شوند که وینستون، داکوتا، ون، مارلبرو، ال اندام، کنت، بارکلی، لاکی، استرایک، کاپری، مایلدسون، کارتیه، روتمن، دانهیل و بوند از آن جمله‌اند. اما بخش زیادی از سیگارهای خارجی موجود در بازار ایران غیرمجاز هستند و بصورت قاچاق وارد می‌شوند. از جمله سیگارهای قاچاق که توزیع آن‌ها در سطح وسیع تری صورت می‌گیرد، سیگارهای ویکتوری، ریچمن، هالی وود، وینچستر، مگنوم، کالیبری، سیلک کات، کانتری، مانتاناومور است.

گستردگی فعالیت شرکت‌ها و شبکه‌های توزیع سیگارهای خارجی قاچاق به حدی است که حتی در بعضی روستاها میزان عرضه آنها بیشتر و بهایشان ارزانتر از سیگارهای تولید داخلی است. جالب آنکه این سیگارها در سراسر کشور با قیمت یکسان عرضه می‌شوند که نشاندهنده نهایت سازمانیافتگی توزیع و وفور سیگارهای قاچاق خارجی است. عرضه این سیگارها علاوه بر کیوسک‌ها و مغازه‌های ویژه فروش سیگار که درسالهای اخیر دایر شده‌اند، توسط بقالی‌ها و نیز فروشگاه‌های دولتی چون فروشگاه‌های زنجیره‌ای قدس نیز صورت می‌گیرد.

مراکز اصلی توزیع سیگارهای قاچاق در تهران خیابانهای ناصرخسرو و مولوی است. میزان فروش سیگار در این مراکز در بعضی روزها به



انواع مختلف سیگار خارجی‌را در این مغازه کوچک می‌توان پیدا کرد.

میلیونها تومان می‌رسد. گاهی اوقات حجم پول ناشی از معاملات سیگار به قدری زیاد است که پول ها با چند کیف و گونی حمل می‌شوند.

براساس برآورد یکی از مسئولین شرکت دخانیات، سالانه حدود ۲۰ میلیارد نخ سیگار وارد کشور می‌شود که تنها حدود ۵ میلیارد نخ آن بطور مجاز و از راه‌های قانونی صورت می‌گیرد. سیگارهایی که بطریقه قاچاق وارد می‌شوند عوارض گمرکی و سود بازرگانی نمی‌پردازند و یکی از دلایل ارزانی سیگارهای خارجی نیز همین عدم پرداخت عوارض گمرکی می‌باشد.

این همه سیگار قاچاق چگونه وارد بازار ایران می‌شود؟ بخش عمده سیگارهای قاچاق از طریق مرزهای آبی جنوبی کشور وارد می‌گردد. "دوبی" یکی از مراکز اصلی قاچاق سیگار به ایران است. علاوه بر این، از مرزهای خاکی، از کشورهایی چون ترکیه، عراق و پاکستان و افغانستان نیز سیگار قاچاق وارد می‌شود. مقررات مربوط به ورود کالا به بنادر آزاد تجاری که تا این اواخر بدون هیچ قید و شرطی مجاز اعلام شده بود، یکی از کانالهای ورود غیرقانونی سیگار به کشور است.

شرکتها و شبکه‌هایی که دست اندرکار قاچاق سیگار هستند، در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و در نقاط مرزی کشور دارای دفاتر و نمایندگی‌ هستند. این دفاتر و نمایندگی‌ها، سیگار را از کمپانیهای خارجی خریداری کرده و از طریق شبکه‌های قاچاق و با استفاده از لنج محموله‌های خود را به سواحل جنوبی کشور می‌رسانند. گفته می‌شود قاچاقچیان برای رساندن هر کارتن سیگار ۵ هزار تومان دستمزد دریافت می‌کنند. بخشی از عملیات قاچاق سیگار توسط شرکتهایی صورت می‌گیرد که مجوز قانونی واردات سیگار از شرکت دخانیات نیز دارند.

دولت نیز نه تنها اقدامی در برابر ورود قاچاق سیگارهای خارجی نمی‌کند، بلکه در مواقعی با دریافت پورسانت‌های کلان از کمپانیهای خارجی تولید کننده سیگار، راه ورود سیگار خارجی به بازار ایران را تسهیل می‌کند. بنا به نوشته روزنامه رسالت تنها یک فقره پورسانت دریافتی در شرکت دخانیات حداقل ۱۵ و حداکثر ۳۰ میلیارد ریال بوده است. به نوشته این روزنامه تاکنون دریافت ۶/۷ میلیون دلار از پورسانت مذکور قطعیت یافته است. علاوه براین، سیگارهای قاچاق ضبط شده، پس از دریافت جریمه به صاحبان آن بازگردانده می‌شود و در برخی موارد جریمه‌ای نیز دریافت نمی‌شود.

بهای معادل این همه سیگارهایی که وارد کشور می‌شود، طبعا به صورت ارزی از کشور خارج می‌گردد. این درحالیست که خود شرکت دخانیات نیز سالانه ۱۸۰ میلیون دلار برای واردات سیگارهای بهمن و تیر و ۱۰۰ میلیون دلار برای واردات سیگار بیستون هزینه می‌کند.

علاوه بر صدها میلیون دلار زیان مادی ناشی از سیل ورود سیگارهای قاچاق به کشور، بخشی از این سیگارها فاقد استاندارهای لازم برای مصرف و لذا دارای عوارض سوء برای سلامتی مصرف کنندگان است. روزنامه رسالت نوشته است: برروی برخی از سیگارها به زبان خارجی نوشته شده: "این سیگارها تنها برای استفاده خارجیان تهیه شده‌است." به نظر این روزنامه این نوشته نشاندهنده آنست که این سیگارها در استانداردی نیست که در خود کشورهای سازنده آنها به مصرف برسد.

وزیر کار:

حداقل دستمزد روزانه کارگران ۲ دلار است

حسین کمالی وزیر کار و امور اجتماعی در یک سخنرانی درجمع مدیران برخی واحدهای صنایع غذایی گفت: "درشرایط اقتصادی کنونی حداقل سبد هزینه مصرفی بالغ بر ۴۲۰ هزار ریال است، درحالیکه حداقل دستمزد کارگران بین ۱۱۰ تا ۱۳۰ هزار ریال برآورد می‌شود. درپاسخ به سئوال یکی از مدیران درباره پائین بودن بهره‌وری کارگران ایران در مقایسه با کشورهای صنعتی، کمالی گفت: هم اکنون دستمزد روزانه کارگران کشور حدود ۲ دلار است، درحالیکه کارفرمایان واحدهای تولیدی به میزان ۷۰ دلار بهره‌وری از کارگران انتظار دارند. کمالی گفت: اگر در ژاپن بهره‌وری نیروی کار چندین برابر کشورهای جهان سوم از جمله ایران برآورد میشود، درمقابل، دستمزد نیروی کار در ژاپن نیز حدود ۳۰ برابر دستمزد کارگران این کشورهاست.

کمالی درپاسخ به انتقاد مدیران از قانون کار و نیز در پاره‌ای موارد باز گرداندن کارگران اخراجی به محیط کار گفت: تاکنون ۹۰ هزار پرونده کارگران اخراجی مورد بررسی قرار گرفته که از این تعداد رأی ۷۲ هزار پرونده به نفع کارفرمایان صادر شده است.

لازم به یادآوری است قانون کار بدلیل پاره‌ای موانع که دربرابر فعال مایشائی مطلق مدیران و کارفرمایان بویژه درمورد اخراج کارگران ایجاد کرده‌است. مورد انتظار این محافل است، اما حکومت بخاطر وخامت اوضاع و نیز ترس از واکنش کارگران، تغییر در قانون کار را نپذیرفته است.

استقراض خارجی درسال جدید

درلایحه بودجه سال ۷۳ که بررسی و تصویب آن در روزهای پایانی سال ۷۲ به اتمام رسید، دولت اجازه یافته است به بیش از ۶ میلیارد دلار استقراض خارجی دست بزند. هرچند، بنا به گفته نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، این وام های خارجی جدید از نوع کوتاه مدت (فانیانس) و با بهره سنگین نخواهد بود.

از ۶ میلیارد دلار استقراض خارجی درسال جدید، ۳/۵ میلیارد دلار از آن شرکت نفت است که در اجرای طرحهای توسعه میدانهای گازی پارس جنوبی و شمالی و پالایشگاه عسلویه و سیری بکار خواهد رفت، ۲/۳۴۰ میلیارد دلار را وزارت نیرو برای ادامه اجرای قراردادهای سد کارون ۳ و کارون جریانی ۴، کرخه و گاومیشان مصرف خواهد کرد و ۱۵۰ میلیون دلار برای ایجاد ۲ واحد نیشکر و ۱۰۰ میلیون دلار آن برای احداث کارخانه پودرماهی هزینه خواهد شد.

مجد آرا نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در توضیح دلایل مجاز بودن دولت برای ایجاد بدهیهای تازه در سال جدید گفت: "در وضعیت فعلی به علت کمبود منابع ارزی ناگزیر به استفاده از مشارکت های خارجی هستیم." و درباره شرایطی که مجلس برای استقراض خارجی تعیین کرده گفت: "درلایحه بودجه سال ۷۳ مجلس هنگام اجازه تعهدات به چند نکته مهم توجه کرده‌است. نخست اینکه در استفاده از منابع خارجی نرخ بهره مناسب و درحداقل باشد. دوم، در احداث تاسیسات از حداکثر توان و امکانات داخلی در کلیه موارد استفاده به عمل آید، زمان بازپرداخت تعهدات پس از بهره‌برداری کامل این پروژه‌ها بوده و میزان بازپرداخت سالیانه از ۲۵۰ میلیون دلار بیشتر نباشد."

شرایطی که مجلس برای اخذ وام خارجی تعیین کرده، شرایط بسیار "عاقلانه‌ای" است، اما روشن نیست و این نماینده مجلس نیز توضیحی در این باره نمی‌دهد با سوء شهرتی که جمهوری اسلامی در بازپرداخت بدهی‌های خارجی خود به بار آورده و آینده ناروشنی که منابع ارزی و وضع اقتصادی بحران زده کشور دارد، کدام طرف خارجی حاضر به دادن اعتبار به جمهوری اسلامی و سرمایه گذاری در طرحهای فوق الذکر با شرایط تعیین شده از سوی مجلس اسلامی خواهد بود؟

کاهش ۳۰۰۰ درصدی پول ملی درسال

درروزهای آخر سال گذشته، التهاب و بحران موجود در بازار ارز که سقوط بی‌سابقه ارزش ریال را درپی داشت، اندکی فروکش کرد. این وضع، هم تاحدودی ناشی از آغاز تعطیلات سال نو و رکود فعالیتهای اقتصادی است و هم نتیجه توافقهایی است که درروزهای پایانی سال گذشته دولت جمهوری اسلامی با طلبکاران خارجی خود در مورد تجدید زمانبندی بدهیهای خارجی دولت بدست آورد. با این همه، بحران در بازار ارز که ریشه در بحران مالی و اقتصادی رژیم اسلامی دارد، با آینده‌ای تیره و نگران کننده همچنان پابرجاست.

روزنامه سلام در یادداشتی در این باره می‌نویسد:

اگر کاهش ارزش پول ملی را در یک سال اخیر مد نظر قرار دهیم، درخواهیم یافت که آنچه رخ داده است در تاریخ پولی کشور بی‌سابقه بوده است. امسال ارزش ریال در مقابل ارزهای خارجی به نصف تقلیل یافته است و این حاصل سیاستی است که قرار بود به تقویت پول ملی در مقابل ارزهای خارجی بپردازد! و هنوز نیز معلوم نیست که ادامه روند چنین سیاستی، پول ملی ما را به کجا خواهد برد؟ امید است به جایی نرسیم که همچون برخی کشورهای آمریکای لاتین مجبور به تغییر واحد پولی و چاپ پول جدید شویم.

سلام می‌نویسد:

به نظر می‌رسد که دربرخورد با بازار ارز -و کلا مسائل اقتصادی کشور- باید با دید جدی‌تری نگاه کرد، چراکه تجربه ثابت کرده‌است صدور هراز گاه اطلاعیه ها -در رابطه با ارز، گران نشدن کالاها و... چاره‌ساز مشکلات کنونی نخواهد بود، بلکه شرایط کنونی ریشه در سیاستهایی دارد که در سالهای اخیر در صحنه اقتصاد کشور به کار بسته شده و نام "سیاست تعدیل" به خود گرفته است. لازم است که از تجربه دیگران در این مورد عبرت بگیریم و راه طی‌شده توسط آنان را دوباره نپیماییم. کشور نیجریه -که به لحاظ اقتصادی مشابهت‌های فراوان با ما دارد- از اولین کشورهایی بود که به سیاسیت تعدیل روی آورد و از همان سال اول (سال ۱۹۸۵) به اجرای سیاست نرخ شناور ارز پرداخت، اما پس از هشت سال اجرای این سیاست و کاهش ۳۰۰۰ درصد از ارزش پول ملی‌اش، بدلیل عواقب و پیامدهای زیانبار اجتماعی و اقتصادی این سیاست، مقامات کنونی حاکم ناچار به ترک سیاست تعدیل و اتخاذ سیاست جدید شدند که بواسطه همین امر رود رروی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول قرار گرفته‌اند! متاسفانه در ایران روند مشابهی همچون نیجریه را شاهدیم و دلیل آن اینکه کاهش ۳۰۰۰ درصدی پول ملی پس از ۵ سال نصیب ما شده است. آیا وقت آن نرسیده که ما هم به سیاست جدیدی بیندیشیم؟

افزایش بی‌سابقه بهای خودروهای ساخت داخل

به موازات افزایش بهای ارزهای خارجی در بازار آزاد ارز، کارخانجات سازنده خودروهای سواری و وانت نیز بهای محصولات خود را بالا می‌برند. ازنیمه دوم سال ۷۲ که قیمت ارزهای خارجی رو به افزایش گذاشت، بهای فروش خودروهای ساخت داخل نیز سیر صعودی پیدا کرد، بطوریکه در ماه‌های آخر سال به اوج خود رسید. به نوشته روزنامه‌های تهران بهای فروش خودروهای سواری و وانت ساخت داخل درسه ماه آخر سال ۷۲، بیشترین افزایش را در ۱۵ سال گذشته داشته است.

درمواردی این افزایش قیمت روز به روز بوده چنانکه، بهای وانت نیسان که از سوی شرکت سایپا تولید میشود درفاصله کمتر از ۳ روز ۱۵۰ هزار تومان افزایش یافت. بهای برخی از خودروهای ساخت داخل درحال حاضر و مقایسه آن با بهای قبلی آنها:

قیمت یکدستگاه پیکان مدل ۱۶۰۰ دراسفند ماه ۷۱ حدود یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان بود. این اتومبیل دراسفند ۷۲ به دومیلیون و ۱۲۰ هزار تومان بفروش می‌رفت.

پیکان مدل ۱۸۰۰ دراسفند ۷۱ یک میلیون ۴۵۰ هزار تومان قیمت داشت. دراسفند ۷۲ بهای این خودرو به دومیلیون ۴۵۰ هزار تومان رسید.

بهای اتومبیل "پژوجی، ال" در اواسط دیماه ۷۲ حدود ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان بود که درروزهای اول اسفند ۷۲ (بعد از حدود ۴۵ روز) به ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رسید.

بهای اتومبیل پژوجی، ال، ایکس دراسفند ماه سال ۷۱ حدود ۲ میلیون ۸۰۰ هزار تومان بود که در اسفند ۷۲ به ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان رسید.

چنانچه گفته شد، افزایش بهای خودروها از سوی کارخانه‌های سازنده صورت میگیرد. این کارخانه‌ها که تولیدات خود را به صورت پیش فروش عرضه می‌کنند، هرازگاهی فروش را متوقف و پس از چند روز با افزایش بهای آن دوباره اقدام به پیش فروش می‌نمایند.



اتومبیل سواری "پراید" محصول تازه شرکت سایپا
بهای یک نوع آن ۹ ماه پیش یک میلیون و ۳۹۵ هزار تومان بود اما در اسفند ماه ۷۲ به قیمت دومیلیون ۱۸۰ هزار تومان رسید.

شکاف هولناک میان کشورهای فقیر و غنی

تولید سرانه فقیرترین و غنی‌ترین کشورهای جهان ۶۰۰ بار تفاوت دارد. براساس تحقیقات بانک جهانی بر روی تولید ملی ۲۰۷ کشور جهان در سال ۱۹۹۲، سوئیس با تولید سرانه ۳۶۲۳۰ دلار غنی‌ترین و موزامبیک با تولید سرانه ۶۰ دلار درسال در ردیف فقیرترین کشور جهان قرار دارد. بنا به این تحقیقات شکاف میان کشورهای فقیر و غنی هرساله رو به افزایش است. در جدول زیر تولید سرانه ناخالص ۱۵ کشور غنی و فقیر جهان آمده است:

سوئیس	۳۶۲۳۰
لوکزامبورگ	۳۵۲۶۰
ژاپن	۲۸۲۲۰
سوئد	۲۶۷۸۰
دانمارک	۲۵۹۳۰
نروژ	۲۵۸۰۰
ایسلند	۲۳۶۷۰
امریکا	۲۳۱۲۰
آلمان	۲۳۰۳۰
فنلاند	۲۲۹۸۰
فرانسه	۲۲۳۰۰
اتریش	۲۲۱۱۰
بلژیک	۲۰۸۸۰
ایتالیا	۲۰۵۱۰

لائوس	۲۵۰
رواندا	۲۵۰
ماداگاسکار	۲۳۰
بنگلادش	۲۲۰
چاد	۲۲۰
گینه بیسائو	۲۱۰
مالاوی	۲۱۰
بوتان	۱۸۰
اوگاندا	۱۷۰
سری لانکا	۱۷۰
نپال	۱۷۰
تانزانیا	۱۱۰
اتیوپی	۱۱۰
موزامبیک	۶۰

دراین آمار که روزنامه رسالت آنرا چاپ کرده‌است، اشاره‌ای به وضع ایران نشده‌است. اما تولید سرانه ایران درسال مورد گزارش بانک جهانی (سال ۹۲ میلادی یا ۷۱ شمسی) حدود ۷۰۰ دلار بود که ۲۵۰ دلار آن از محل فروش نفت حاصل میشود. با کاهش درآمدهای نفتی در سال ۷۲ این رقم به حدود ۶۰۰ دلار رسید که حداقل ۶۰٪ کمتر از تولید سرانه کشور درسال ۵۶ می‌باشد.

درباره "فهرست شیندلر" برنده هفت جایزه اسکار

انسان گرائی در هنگامه فراموشی انسان

ه. احمدیان

ای دختران ماوت هاوزن *
ای دختران برزن
شما محبوب زیبای مراندیده اید؟
در میدانگاهی یخ زده بد و برخوردیم
شماره‌ای در دست سفیدش بود
وستاره‌ی زردی در قلبش!

یاکوس کامپانلیس

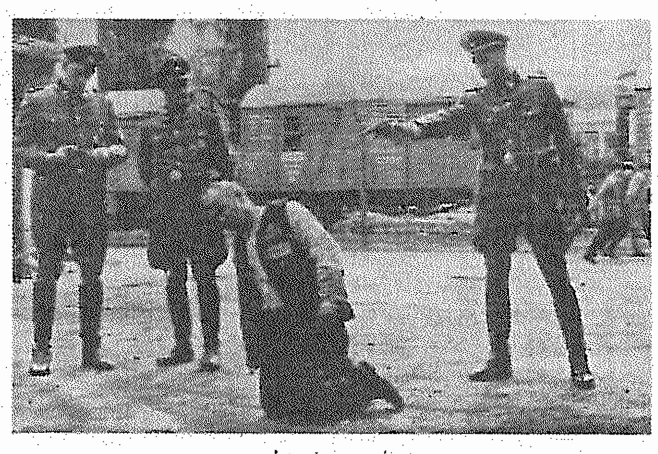
فیلم های بسیاری با برداشتهای متفاوت به فاشیسم، جنگ دوم جهانی و مسائل مربوط به آن پرداخته‌اند. بسیاری در همان روایات عامیانه‌ی قهرمانبازیهای جنگی باقی‌ماندند وبرخی‌نیز البته تاثیرگذاربوده‌اند. ما بارها وبارها، چه درسالن سینما وچه در تلویزیون چنین فیلمهایی را دیده‌ایم، حتا از نوع وطنی‌اش را که به جز چند فیلم انگشت شمار عموما به قهرمان سازیهای پوشالی از جنگ ایران وعراق می‌پردازند. با این همه سئوال این است که چرا باید آخرین فیلم استیون اسپیلبرگ را دید، در حالیکه به دفعات به چنین موضوعاتی پرداخته شده‌است؟ وچرا این فیلم را در دسته‌ی فیلمهای خوب هنری قرار می‌دهیم؟ مگر نه اینکه اسپیلبرگ نمادی از سینمای والت دیسنی‌مآب هالیوودی است و پیش از این مخاطب فیلمهایش از E.T گرفته تا پارک ژوراسیک، ذهنیت وماجراجویی کودکانه بوده است؟

"فهرست شیندلر" مسئله‌ی خاصی چون وضعیت زندگی یهودیان شهر کراکوی لهستان از پاییز ۱۹۳۹، به هنگام ورود ارتش رایش سوم به این شهر، تا پایان جنگ دوم جهانی را به تصویر می‌کشد. داستانی واقعی بر اساس زندگی اسکار شیندلر، سوداگر چکسلواکی‌الاصل، عضو حزب نازی که در کشاکشی درونی و رو در رو با فاشیسم و کارگران یهودی‌اش، درانتها انسان گرایی را برمی‌گزیند وجان بیش از هزار یهودی را نجات می‌دهد. اما کیست که با دیدن فیلم درنیابد که موضوع در این محدوده باقی‌نمی‌ماند. ازورای معنای مستقیم و اولیه‌ی فیلم، تماشاگر رشته‌ای از ریسمان تاریخ را از ژرفای تصاویر تکان دهنده‌ی فیلم بیرون می‌کشد، رشته‌ی ننگینی که همچنان دنباله دارد و در هنگامه تاریخ امروزین بشری هنوز هم بر جای جای زندگی تنیده می‌شود. مگر نه اینکه من و توی ایرانی‌نیز در وحشت ملتهب چشمان همو طنمان به هنگام بمباران، چنین تصاویری را دیده‌ایم. و مگر هنوز چنین صحنه‌هایی را در بغداد، در موگادیشو، درسارایو، درحلبچه، در الخلیل و یا در آتش کین نژادپرستان "متمدن" نمی‌بینیم؟

"فهرست شیندلر" زمانی به نمایش درمی‌آید که انسان هنوزهم بدست همنوع خود به فجیع ترین شکلی کشته می‌شود ودرست به همین دلیل، فیلم از محدوده‌ی زمان و مکان خاص خود فرامی‌روید و مفهومی امروزی وجهانی می‌یابد.

درنمایی استعاره‌ای درفیلم، به هنگام قتل عام درگتو، در عمق تصویر اعدامهای خیابانی، کودکی را می‌بینیم که آسیمه سر به هر سو می‌رود تا خود را از وحشت و اضطراب ومرگ رها سازد. در این تصویر سیاه وسفید، تنها پوشش سرخ کودک رنگی است! وچه تصویری، شعر ناب! وسرخی آن کودک، شرم من، شرم تو، شرم ما، شرم انسان است از این همه قساوت و کشتار که هنوزهم هست وما اگر از بی‌تفاوتان بیشمار نباشیم، تنها آهی می‌کشیم وبه زندگی روزانه‌ی خود ادامه می‌دهیم!

"فهرست شیندلر" را باید دید چرا که آینه‌ای به وسعت تاریخ در برابر انسان قرار می‌دهد تا چهره‌ی کریه خود را ببیند. می‌توان آن را به عنوان فیلمی از یک واقعه‌ی تاریخی دید، واقعه‌ای که هیچگاه نباید از حافظه‌ی بشری زدوده شود وما اینک به عینه می‌بینیم که آن همه جنایت در پس پرده‌ی فراموشی چگونه محو می‌شود. درچنین موقعیتی، سینما به منزله‌ی فراگیرترین هنر، مسئولیتی سنگین بر دوش دارد ودر این میان شاید "فهرست شیندلر" تلنگری باشد هرچند ضعیف در ذهن خام آن جوان موتراشیده‌ی چرم پوش که دستانش



فهرست شیندلر

ادامه در صفحه ۷

شیفته عدالت، وفادار به آزادی

والتر یانکا نویسنده، مترجم واز شخصیت های برجسته ومبارز جنبش کارگری آلمان روز ۲۶ اسفند (۱۷ مارس) در شهر پتسدام آلمان درگذشت. یانکا بویژه از آنرو پرآوازه و محبوب بود که ضمن وفاداری به آرمانها و ارزشهای سوسیالیستی‌نه برروشهای مستبدانه ونفی آزادیها در آلمان شرقی چشم فروبست ونه نظرات انتقادیش را در بحبوبه جنگ سرد به خوراک تبلیغاتی غرب تبدیل نمود.

او ۴سال را در زندان آلمان شرقی به سر آورد، لیکن هیچگاه به "انتخاب تاریخی" خود وباورهای عدالتجویانه خویش پشت پا نزد و پس از فروپاشی اردوگاه شرق و انحلال جمهوری دمکراتیک آلمان نیز جایگاهی بهتر از "حزب سوسیالیسم دمکراتیک" (PDS) نیافت.

یانکا سال ۱۹۱۴ در خانواده‌ای کارگری بدنیا آمد. پدروبرادرش از اعضای حزب کمونیست آلمان بودند. با بقدرت رسیدن نازیها در آلمان برادر یانکا که نماینده کمونیستها درمجلس بود، دستگیرو به اردوگاه کاراجباری فرستاده شد و چندی بعد نیزبه قتل رسید. خود یانکا که رهبر اتحادیه جوانان کمونیست دریکی ازبخشهای آلمان بود نیز دستگیر شد ویکسال ونیم را در دارلتادیب گذراند. وی سپس به چکسلواکی تبعید گردید، لیکن از آنجا دوباره مخفیانه به شرق آلمان بازگشت ومبارزه خویش را پی‌گرفت. اندکی بعد با عضویت در "گردان تلمان" به اسپانیا رفت ودر کنار جمهوریخواهان وبرعلیه فرانکو و داروسته‌اش وارد نبرد شد. در جبهه اما مجروح گردید وبه اسارت درآمد. نیروهای فرانکو او را به عنوان اسیر خود به فرانسه فرستادند، فرانسه‌ای که حالا دیگر به اشغال نازیها درآمده بود. یانکا سال ۱۹۴۱ از اسارتگاه‌های فرانسه گریخت وبه مکزیک پناهنده شد. در آنجا انتشاراتی "کتاب آزاد" را دائر کرد و به نشر آثار نویسندگان نامداری همچون آنازگرز، لیون فویشت واگنر وهاینریش مآن همت گماشت.

سال ۱۹۴۷ یانکا به برلین بازگشت وپس ازچندی فعالیت به عنوان سرپرست موسسه فیلم آلمان شرقی، در سال ۱۹۵۱ هدایت انتشاراتی بزرگ AUFBAU را به عهده گرفت وبسیاری از آثار خوب داخلی وخارجی رابدون سانسوربه چاپ سپرد. وی درهمین دوران از انتقاد به محدود شدن آزادیهای دمکراتیک وتسلط تدریجی تفکر یکسونگر برجامعه نیزواگذار نمیکرد.

سال ۱۹۵۶ در گیرودار نزاع نیروهای هوادار شوروی در مجارستان با حکومت مرکزی که به ورود نیروهای شوروی به این کشورو سقوط دولت بوداپست انجامید، یانکا با پیشنهاد چند تن از نویسندگان برجسته آلمان شرقی، از جمله خانم آنازگرز که کتاب "صلیب هفتم" اوشهرت جهانی یافته ودر



ایران نیزترجمه شده، ونیز با موافقت وزیر فرهنگ مامور میشود که برای نجات جان ژرژلوکاچ، فیلسوف و هنرشناس نامی مارکسیست ووزیر فرهنگ دولت مرکزی مجارستان از راه اتریش مخفیانه به این کشور برود.

پیش از آنکه یانکا ماموریت خود را آغاز کند، رهبری حزب حاکم آلمان شرقی ازاین قصد آگاهی یافته و آنرا تلاشی برای نجات یک "ضد انقلابی" ارزیابی میکند. این اتهام بویژه زمانی که ژرژلوکاچ علنا به حمایت ازدولت مرکزی مجارستان بر میخیزد پشتوانه محکمتری می‌یابد. یانکا به این "اتهام" دستگیر میشود ودرداد گاه درحالی که آناز گرزودیگر طراحان نجات لوکاچ مهر سکوت برلب زده بودند، به ۴سال زندان محکوم میگردد. به عقیده بسیاری از ناظران رفتار مقامات آلمان شرقی با یانکا پیامی‌بود برای روشنفکران آزاداندیش حزبی که حد خود را بدانند وپا را از گلیم خود درازتر نکنند.

یانکا درحالی که سخت بیماربود اززندان آزاد گردید وپس از آن نیز از فعالیت علنی وآشکار بازداشته شد. تنها دراواخردهه هشتاد بود که از ممنوع القلم بودن رهائی یافت و دوباره نویسندگی را از سرگرفت.

یانکا در سال ۱۹۹۱، یعنی دو سال بعد از سقوط دیوار برلین و انحلال جمهوری دموکراتیک آلمان در مصاحبه‌ای خود را یکی از نمایندگان جنبش کارگری دانست که برغم فرازونشیب ها به باورخود وفادار مانده است. خبرنگار از او پرسید: زندگی شما با ارزشها وسنن حزب کمونیست آلمان، حزب سوسیالیست متحده آلمان وحزب سوسیالیسم دموکراتیک پیوند خورده است. آیا شما امروز هم بدلایل سنتی وتاریخی عضو "حزب سوسیالیسم دموکراتیک" هستید؟ یانکا درپاسخ گفت:

"من نمیدانم که اگر با این احزاب پیوند نمیداشتم، به چه حزب دیگری می‌توانستم دل بیندم... من میخواهم دردرازمدت جامعه‌ای بسازم که به لحاظ دموکراسی دستکم همان جامعه بورژوازی فعلی‌باشد، ولی‌به لحاظ اقتصادی از استثمار فرد از فرد در آن اثری نباشد ودر اینجاست که من خود را کماکان به مارکس وفادار میدانم. پس از ۶۰سال دلبستگی‌به فعالیت سیاسی که سی سالش را در انزوا به سربرده‌ام، اینک کسی نمیتواند ازمن انتظار داشته باشد که تغییر موضع داده وبه جبهه مقابل بپیوندم. اگرچنین کنم، اصلاح صورت برایم دشوار میشود، زیرا صبحها دیگر نمیتوانم جلوی آینه بایستم ودرچشمان خودنگاه کنم".

مرگ یانکا موجی از تاثر و همدردی را درمحافل مختلف آلمان برانگیخت. رسانه‌های گروهی این کشور همه به نیکی از او یاد کردند و نشریات و روزنامه‌های مترقی آزادمنشی او وباور مجدانه‌اش به تفکیک ناپذیری امر عدالت و آزادی راستودند.

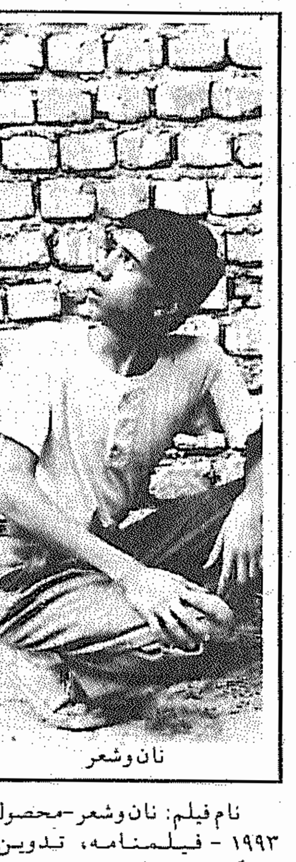
"نان و شعر" در جشنواره سینمائی برلین

درروزهای ۱۰ تا ۲۱ فوریه سال جاری چهل و چهارمین جشنواری سینمایی برلیناله (Berlinale ۹۴) در برلین برگزار شد و فیلمهایی همچون "به نام پدر" (از ایرلند)، "توت فرنگی و شکلات" (از کوبا) جوایز عمده جشنواره را از آن خود نمودند. فیلم "به نام پدر" درباز تاب گوشه‌ای از تعدیات ومظالم انگلیس در حق مردم ایرلند شمالی؛ محکومیت بی‌اساس دوایرلندی به اتهام شرکت درعملیات تروریستی‌را به نمایش می‌گذارد.

این فیلم که مبنای واقعی‌دارد، تهدید وارعاب پلیس علیه دو "متهم"، وادار کردن آنها به اعترافات کاذب واستفاده ازاین اعترافات برای صدورحکم حبس ابد را به تصویرمی‌کشد. تنها ۱۵سال بعد است که قلابی بودن این محاکمه وحق کشی دستگاه قضایی انگلستان برملا می‌شود و "متهمین" از حبس رهایی می‌یابند. فیلم "توت فرنگی وشکلات" گوشه‌ای از زندگی در جامعه کوبا را منعکس میکند. ازایران نیز سه اثر سینمایی با نامهای "نان و شعر" در قسمت فیلمهای کودکان، و "گزیده تصویر در دوران قاجار" و "اوو پرندگانش" درقسمت فیلمهای کوتاه به نمایش درآمدند. آنچه که درپی می‌آید نگاهی است به فیلم نان وشعر.

* * *

شناسنامه فیلم:



نان وشعر

نام فیلم: نان وشعر-محصول: ۱۹۹۳ - فیلمنامه، تدوین و کارگردان: کیومرث پوراحمد بر اساس کتاب: "قصه های مجید" نوشته هوشنگ مرادی کرمانی - فیلمبرداری: پرویز ملکزاده - مونتاژ: کیومرث پوراحمد -صدا: محمود سماک باشی-مدیر تهیه: فرشید طاهرپور-تهیه کننده: "خانه هنروادبیات کودکان ونوجوانان" - بازیگران: مهدی باقربیگی (مجید) -پروین دخت یزدانیان (بی‌بی) - جمشید صدری (آقاکمال) -محسن ملکی (اصغر) -محمدعلی میاندار (کارگردان) -زمان: ۹۱دقیقه -۳۵ میلیمتری، رنگی.

آقای کیومرث پوراحمد برای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان کارمی‌کند وچندین فیلم سینمایی، فیلم مستند و سریال تلویزیونی را کارگردانی کرده‌است.

فیلم نان و شعر از کتاب "قصه های مجید"، نوشته هوشنگ مرادی کرمانی اقتباس شده که در۵ جلد وقبل ازانقلاب برشته تحریر درآمده‌است.

داستان فیلم زندگی یک نوجوان ۱۳ساله (مجید) اصفهانی‌است که سخت شیفته ادبیات میشود وشوق شاعرشدن ودستیابی به آوازه و شهرت لحظه‌ای آرامش نمی‌گذارد. بخشی از صحنه های فیلم تلاش مجید برای دسترسی به کتاب بینوایان (اثر ویکتور هوگو) و ماجراهایی که دراین رابطه اتفاق میافتد را به تصویرمی‌کشد. ازجمله این ماجراها گم شدن یک چک ۶۰۰ هزار تومانی متعلق به شوهر خواهر مجیداست. ازآنجایی که مجید توان پرداخت حق عضویت کتابخانه را ندارد وبدون عضویت هم نمی‌توان کتابی‌ودیعه گرفت، وی به صرافت می‌افتد که کتابی از کتابخانه شوهر خواهرش کش رفته، به کتابخانه ببرد و با جایگزینی‌آن با کتاب ویکتورهوگو، این کتاب را بی سروصدا ازکتابخانه خارج کند. اما در کتاب شوهر خواهر مجید یک چک ۶۰۰هزار تومانی‌وجود داشته که با به ودیعه گرفتن کتاب توسط یک فرد دیگر، این پول از دست رفته به نظر می‌رسد. ازاینجا یافتن چک شوهر خواهر به دغدغه اصلی مجید بدل می‌شود، بااینهمه اودرهیچ لحظه‌ای فکر چاپ شدن عکس وشعرش در مجله وورود به انجمن شعررا از سربه در نمی‌کند. مجید درجریان جستجوی چک با یک هنرمند پیر منبت کار و یک کارگردان آشنا می‌شود. هم عکس وشعرش درمجله چاپ می‌شود، هم به انجمن شعرا راه پیدامی کند، هم درتلویزیون اورا نشان می‌دهند وهم اینکه چک گم شده را پیدا می‌کند، ضمن اینکه چند روزبعد مادربزرگ پنیری را که ازبقال محل خریده سر سفره می‌گذارد و مجید می‌بیند که پنیر درهمان صفحه مجله‌ای پیچیده شده که عکس وشعر اورا چاپ کرده‌اند. کارگردان در این فیلم سعی‌می‌کند درقالب طنزی تلخ، ضمن بیان مشکلاتی که درراه رشد یک نوجوان تهیدست ایرانی وجود دارد به جوانان بیاموزد که ضمن داشتن تواضع نباید همه چیز خود را درشهرت خلاصه کنند.

ادامه در صفحه ۹

بحث پیرامون "آینه‌های دردار"

هوشنگ گلشیری نویسنده نامدار معاصر در روز ۱۸ فوریه درهامبورگ دریک برنامه داستانخوانی‌شرکت جست وبخشی از رمان جدید خود (آینه های دردار) را برای حاضرین قرائت نمود. گلشیری دراین صفحات رمان اززبان ابراهیم نویسنده که درسفری به خارج باایرانیان دیدارداشته و برای آنها داستانخوانی کرده‌است، وضعیت پناهندگان رااینگونه نقش می‌زند: "درمیان اینان آدمهایی بودند که تلخ بودند. خواسته بودند دنیا را عوض کنند، اما دنیا همان شده بود که بود وحالا دراین شهر، درآن شهر، درخانه های یک اتاقه یا حداکثر دواتاقه گاهی حتی‌با زن و بچه زندگی‌می‌کردند. باماهانه‌ای که سرمایه داری مقرر کرده بود."

این قضاوت گلشیری بحث و جدل های بسیاری را در محافل ایرانیان خارج از کشوربرانگیخته و چندین نقد ومقاله هم درنکوهش این شیوه قضاوت درنشریات مختلف به چاپ رسیده است. گلشیری با خواندن این بخش از رمان در هامبورگ ظاهرا قصد داشت که بحث وجدل برانگیزد وبه انگیزه پاسخگویی‌به سئوالات وبحث ها زهر مطلب رابگیرد وتاحدودی رفع سؤ تفاهم کند. وی درتوضیح منظور خود ازبخش قرائت شده رمان گفت که روی سخنش با آن گروه وطیفی است که چندین سال است درخارج از کشورزندگی می‌کند ولی هنوز نتوانسته به قدر کافی ازامکانات موجود استفاده کند-وگرنه آنان که به کارپرداخته‌اند وکارهایشان هم در دسترس است وکم هم نیستند



منظورنظراونبوده‌اند. وی انتقاد کرد که چرا دراین چند سال بااین خیل عظیم روشنفکران ایرانی‌مقیم خارج از کشور ترجمه های زیاد ومفیدی صورت نگرفته است تا لااقل پلی باشد میان داخل وخارج و...

گلشیری درپایان داستان کوتاه "انفجار بزرگ" را قرائت کرد که متن کامل آن درآدینه ۹۱/۹۰ درج شده است.

سیاست مهار دوگانه

مقاله "سیات مهار دوگانه" نوشته "آنتونی لیک" مشاور امنیت بیل کلینتون رئیس جمهور امریکاست که سیاست این دولت را در برابر دو رژیم ایران و عراق توضیح داده است. برگردان فارسی این مقاله را روزنامه اطلاعات منتشر کرده است. به دلیل آنکه نوشته آنتونی لیک تشریح دقیقتری از جوانب "سیاست مهار دوگانه" ـ سیاست امریکا در برابر ایران و عراق ، ارائه می‌دهد، خلاصه‌ای از آن برای آشنائی خوانندگان به چاپ می‌رسد.

پایان جنگ سرد وظهور کشورهای جدیدالاستقلال اروپای شرقی، این امکان را فراهم ساخته تا خانواده متشکل از ملتهایی که به نهادهای دمکراتیک و توسعه اقتصاد بازار آزاد، حل مسالمت آمیز درگیری‌ها و ترغیب امنیت دستجمعی متعهدند، به طور قابل توجهی گسترش پیدا کند. ایالات متحده به دلیل منافع و عقاید خود، در پرورش و گسترش ارزشهای فوق‌الذکر از مسئولیت ویژه‌ای برخوردار است. همانطوری که کلینتون در اظهارات امسال خود در اجلاس ویژه مجلس آمریکا اعلام کرد: بخش اعظمی از تلاشهای سیاست خارجی دولت آمریکا به تعقیب مسائل فوق اختصاص دارد.

درعین حال، سیاست ما (آمریکا) باید با این واقعیت مواجه شود که کشورهای سرکش و متمرد نه تنها ترجیح می‌دهند که در خارج از خانواده ملتها قرار گیرند، بلکه به ارزشهای بنیادی آن نیز اهانت کنند. امروزه چندین کشور "متمرد" مانند کره شمالی، ایران، عراق و لیبی وجود دارند. درحال حاضر این کشورها به دلیل عدم برخورداری از پشتیبانی یک ابرقدرت به طور جدی نمی‌توانند نظام های دمکراتیک اطراف خود را تهدید کنند. با این وجود رفتار آنها اغلب تهاجمی و جسورانه است. اگرچه بنظر می‌رسد که این کشورها از تطبیق با روند جاری بین المللی عاجزند و خود را منزوی و قرنطینه می‌کنند، لیکن روابط بین آنها در حال تقویت است.

کشورهای متمرد فوق، از ویژه گی‌های مشترک ذیل برخوردارند: آنها به وسیله گروه هایی که قدرت را از طریق اعمال زور در کنترل خود دارند، اداره می‌شوند؛ آنها حقوق اساسی بشر را نقض می‌کنند و مروج عقاید افراطی هستند. به رغم وجود تنوع در نظام های سیاسی کشورهای مزبور، رهبران آنها در ضدیت با مشارکت عامه مردم اتفاق نظر دارند که ممکن است رژیم های موجود در این کشورها را به مخاطره اندازد. این کشورها نشان داده‌اند که از رفتار سازنده با جهان خارج به شدت عاجزند و نسبت به فعالیت موثر دستجمعی، حتی با دوستان همفکر خود نیز، ناتوان هستند. آنها اغلب به صورت تهاجمی عمل می‌کنند و در صحنه بین المللی و اعمال تحریم های آن، روبرو می‌شوند.

خلاصه اینکه، آنها خود را در محاصره تصور می‌کنند و از اینرو به برنامه های پرهزینه و بلند پروازانه، به ویژه در زمینه تسلیحات کشتار جمعی موشکهای دوربرد، به منظور ایجاد توازن با رقبای خود برای حفاظت از رژیم هایشان، یا پیشبرد اهدافشان در خارج، به تلاش بیحاصلی تن داده‌اند.

ایالات متحده به عنوان تنها ابرقدرت بویژه مسئول است تا با تدوین استراتژی مناسب، کشورهای متمرد را منفعل کند، محصور، و از طریق اعمال فشار در زمینه های مشخص، مالا آنها را به اعضا سازنده جامعه بین المللی بازگرداند. هریک از کشورهای متمرد، از تاریخ، فرهنگ و شرایط ویژه‌ای برخوردارند و استراتژی آمریکا نیز با توجه به این تفاوتها تدوین شده است. با این وجود، در استراتژی آمریکا وجوه مشترکی نیز وجود دارد. درهر مورد، ما ضمن تشکیل ائتلاف، امکانات نظامی لازم را برای بازدارندگی یا برخورد یا هر نوع اقدام تجاوزکارانه‌ای بسیج خواهیم کرد. ما تلاش می‌کنیم تا دامنه نفوذ کشورهای مزبور را به شیوه های گوناگونی چون انزوا، اعمال فشار و در مواقعی نیز با استفاده از ابزارهای سیاسی و اقتصادی، محدود کنیم. ما اعضا دیگر جامعه بین المللی را ترغیب می‌کنیم تا برای انجام یک تلاش هماهنگ به ما بپیوندند. برای مثال، درمورد عراق و لیبی ما عملا توانسته ایم به یک اجماع قوی بین المللی با برخورداری از پشتیبانی قطعنامه ای سازمان ملل دست یابیم.

ایالات متحده همچنین فعالانه از طریق تلاش های "یک جانبه و چند جانبه در پی محدود ساختن قابلیت های نظامی و تکنولوژیکی کشورهای مزبور است. تمام سیاست های اطلاعاتی، ضد تروریستی و مقررات چند جانبه مربوط به کنترل صادرات، درمورد کشورهای مزبور به مورد اجرا گذاشته می‌شود. درحال حاضر، برنامه تسلیحات هسته‌ای کره شمالی نگران کننده ترین مسئله برای ماست. یک کره شمالی مسلح به سلاح هسته‌ای، خطرات خارق العاده‌ای را برای منافع امنیتی آمریکا در منطقه آسیا و همچنین برای حیثیت معاهده منع گسترش سلاح های هسته‌ای به همراه دارد. تعهدات نظامی آمریکا برای حفاظت از امنیت کره جنوبی خدشه ناپذیر است. آمریکا پیشرو یک تلاش بین المللی است تا کره شمالی را به تغییر رفتار خود مجبور سازد. درعین حال، ما برای "پیونگ یانگ" روشن کرده‌ایم، درصورتی که این کشور نگرانیهای جامعه بین المللی از برنامه های هسته‌ای خود را رفع کند، درها برای برقراری روابط بهتر باز خواهند بود. اما درصورت اجتناب، کره شمالی با انزوا و فشارهای بین المللی مواجه خواهد شد.

کشورهای عراق و ایران نیز همانند کره شمالی، تلاشهای ما را برای منع گسترش سلاحهای هسته‌ای به طور جدی تهدید می‌کنند. ولی از آنجایی که این کشورها درمجاورت یکدیگر و درکرانه منطقه حیاتی خلیج فارس قرار دارند و ۶۵ درصد از ذخایر نفتی دنیا در بستر این منطقه نهفته است، دو کشور متمرد ایران و عراق به معمای استراتژیکی پیچیده‌ای تبدیل شده‌اند، به گونه‌ای که آنها سیاستهای سه کابینه گذشته آمریکا را گیج ساخته بودند.

اصول اساسی استراتژی آمریکا در منطقه خلیج فارس، برایجاد یک موازنه مطلوب قدرت استوار است. موازنه قدرتی که از منافع حیاتی آمریکا در حفظ امنیت دوستان و جریان آزادانه نفت از منطقه و ثبات قیمت آن حراست می‌کند. درکابینه های گذشته، سیاست مزبور از طریق تکیه بر یکی از دو قدرت منطقه‌ای برای تعدیل قدرت دیگری تعقیب می‌شد. نخست آمریکا ایران (شاه) را مسلح کرد تا به عنوان یک رکن فرضی ثابت منطقه عمل کند. سپس به منظور محصور کردن نفوذ دولت اسلامی خمینی، از صدام حسین در جنگ با ایران انقلابی حمایت کرد. درعمل هردو سیاست فاجعه بودند. در مورد شاه استراتژی آمریکا برای حفظ ثبات منطقه با سقوط شاه سرنگون شد. درمورد صدام نیز، حمایت آمریکا از او در جنگ موجب شد تا وی بتواند به انبارهای عظیم تسلیحات متعارف دسترسی پیدا کند و آنها را نخست علیه مردم خود و سپس علیه کویت به کار گیرد.

استراتژی کابینه کلینتون درمورد دو کشور متمرد ایران و عراق از این اصل ناشی می‌شود که امروزه، هردو رژیم سیاستهای خصمانه‌ای را علیه منافع آمریکا در پیش گرفته‌اند. لذا، با نفی سیاست مبتنی بر تقویت یکی برای تعدیل دیگری، سیاست مهار دوگانه را اعمال می‌کنیم. البته با پذیرش چنین سیاستی، ما نسبت به ضرورت ایجاد موازنه قدرت در این منطقه حساس، بی‌توجه نیستیم، بلکه ما به اتفاق متحدین منطقه‌ای خود، درپی ایجاد موازنه مطلوب در منطقه هستیم بی آنکه به ایران یا عراق متکی باشیم.



مهار دوگانه به معنای مهار یکسان -Duplicatecontainment- نیست. اگر هدف اصلی این سیاست مقابله با دشمنی ناشی از ایران و عراق است، اما چالش های ناشی از دو رژیم با هم متمایزند و از اینرو، هرکدام به برخوردهای خاص خود نیاز دارند. این دو کشور هرچند همسایه‌اند، اما از فرهنگ و تجربیات تاریخی کاملا متفاوتی برخوردارند. آمریکا درمورد رژیم صدام حسین با یک متجاوز نوگرا و طماع غیرمذهبی روبروست، درحالیکه در ایران از ناحیه رژیمی تهدید می‌شود که مذهبی است و از یک شعور فرهنگی، هدف سیاسی و خصومتی پایدار با آمریکا برخوردار است.

رژیم عراق هم مسئول جنایات جنگی و هم مسئول جنایت علیه بشریت است. رژیمی که به کویت تجاوز می‌کند و مردم خود را مسموم می‌سازد، یک خائن بین المللی است. در ایران بعد از خمینی یک رژیم انقلابی برمسند قدرت است که همچنان از مقررات بین المللی تمرد میکند -Outlaw- البته کابینه کلینتون با حکومت اسلامی مخالفتی ندارد و همچنین درصدد براندازی رژیم (ایران) نیست. درواقع ما برای انجام گفتگوی رسمی (با دولت ایران) همچنان آماده‌ایم. درصورت انجام چنین گفتگویی، ما جنبه هایی از رفتار ایران را که بسیار موجب نگرانی ماست مطرح خواهیم کرد.

کابینه کلینتون به منظور نشان دادن علاقه خود به یک عراق دمکراتیک، از اهداف کنگره ملی عراق نیز حمایت می‌کند. این کنگره از اقشار جامعی از سازمانهای مذهبی، غیرمذهبی و قومیت های مختلف عراقی در تبعید تشکیل شده است. کنگره ملی عراق اخیرا با ایجاد تاسیسات مختلف در شمال عراق و عمیق ترکردن روابط خود با دول همسایه عربی که آنها هم هدفشان حفظ تمامیت ارضی عراق و روی کار آمدن یک دولت مردمی است، پایگاه خود را گسترش داده‌اند.

چالش ناشی از ایران

چالش ناشی از ایران، از جهاتی کمتر و از جهاتی عظیم‌تر از عراق است. از یک طرف، کابینه کلینتون با یک کشور متجاوز و خشنی که همسایه ضعیف اش را مورد تجاوز قرار داده و اشغال کرده باشد، مواجه نیست و برقراری روابط عادی با دولت تهران نیز قابل تصور است، منوط به اینکه این کشور، علاقه خود را مبنی بر رعایت موازین بین المللی نشان دهد و سیاستها و اعمال مخل صلح و امنیت منطقه ای را متوقف سازد. از طرف دیگر، اختلافات سیاسی با ایران به سادگی حل شدنی نیستند. ایران یک کشور انقلابی است و رهبرانش احساس تاثر عمیقی نسبت به روابط نزدیک آمریکا با شاه در رنج اند. پیامهای انقلابی و ستیزگرانه ایران به طور آشکار ضد آمریکا و منافع محوری اوست. این یک واقعیت سیاسی است که روابط دو کشور را برای آینده‌ای قابل پیش بینی، شکل می‌دهد. اگرچه نزدیکی مجدد ایران و آمریکا مشکل خواهد بود، اما حق انتخاب با ایران است.

نزاع آمریکا با ایران نباید به عنوان "رویارویی تمدنها" و یا مخالفت با ایران به عنوان یک کشور مذهبی، اشتباه برداشت شود. واشنگتن با جنبه "اسلامی" جمهوری اسلامی ایران مسئله‌ای ندارد. همانطوری که کلینتون اعلام کرده است: آمریکا برای مذهب و فرهنگ اسلامی احترام عمیقی قائل است. ما با افراطی گرایی، از نوع مذهبی مخالفیم. نگرانی ایالات متحده متوجه اعمال و سیاست های دولت تهران است. البته مهار ایران نیز امر بسیار مشکلی است، زیرا آمریکا از حمایت اجماع بین المللی منعکس در قطعنامه های سازمان ملل متحد، آنطوری که درمورد عراق وجود دارد، برخوردار نیست. به علاوه تحریم های گسترده‌ای نیز برای ایجاد تغییر در رفتار ناپسند ایران، اعمال نمی‌شود. کابینه های پیشین آمریکا سعی کردند تا به ایجاد "جناح میانه رو" در ایران تکیه کنند. آنچه ما از گذشته فرا گرفته ایم، این است که میانه روهای مورد تکیه ما، همان کسانی هستند که مسئولیت بسیاری از سیاستهایی را برعهده دارند که ما با آنها به شدت مخالفیم.

واشنگتن به منظور مقابله با تلاش ایران، برای سلطه بر خلیج فارس،[*] از نزدیک با دولت های دوست خود همکاری می‌کند تا از دسترسی ایران به اقلام وارداتی لازم برای برنامه های هسته‌ای و موشکی اش ممانعت کند و نسبت به انتقال موشک و سیستمهای موشکی از سوی تامین کنندگان فعلی ایران، از جمله کره شمالی هشیار می‌باشد. البته این بدین معنا نیست که واشنگتن میخواهد ایران را قرنطینه و یا آن را از تمام اقلام نظامی محروم سازد. این کابینه سعی می‌کند تا بین اقلام دفاعی که وجود آنها شرایط امنیتی را مخدوش نمی‌کند و ان دسته از اقلامی که کاربرد تهاجمی دارند و می‌توانند منطقه را بی ثبات کند، تمیز قائل شود.

یک جهاد نیست، یک تعهد است

استراتژی آمریکا به شدت به هماهنگی و انجام مشاورتهای فعال با کشورهای دوست متکی است. ایران نیاز دارد که پیام محکم و هماهنگی را از سوی کشورهای غربی که به دنبال کسب موافقت و تجارت با آنهاست، بشنود. ما توانسته ایم در بین جامعه اروپا، کانادا و ژاپن نسبت به آن دسته از اعمال ایران که مورد قبول ما نیستند، تا حدودی اجماع نظر به وجود بیاوریم. البته برخی از متحدین ما معتقدند که سیاست منطقه ای آنها باید عمدتا بر ایجاد انگیزه های مثبت برای ایران تکیه کند. لیکن تجربه نشان داده است که انگیزه های مثبتی چون اعطای امتیازات تجاری و کمک یا به تعویق انداختن بدهی‌ها، هیچ تغییر واقعی در رفتار غیر قابل قبول ایران بوجود نیاورده است. موثرترین پیام برای ایران این است که از هرنوع عادی سازی روابط با این کشور، تا پایان بخشیدن به رفتار نامطلوبش به شدت اجتناب شود. البته ما انجام گفتگوی رسمی با ایران را نفی نمی‌کنیم، انجام گفتگو و اعمال فشار، مانع الجمع نیستند.

انسان گرایی در...

ادامه از صفحه ۶

دستانش را به احترام هیتلر بالا می‌برد و با کینه ی کورخود جان همنوع تیره رنگ و موسیاهش را به آتش می‌کشد.

جرج اشتینر، نویسنده روشنفکر معاصر که اعضای خانواده ی خود را در کشتارهای جمعی اردوگاههای فاشیستی از دست داده است معتقد است که زبان و قلم از میان این فاجعه ی بشری عاجز است و کلامی نیست تا بتواند دهشت آن دوران را زنده کند و درست در این هنگام است که به قول بن کینگسلی -بازیگر "فهرست شیندلر"- سینما می‌تواند به جای کلام بنشیند و تصاویر آن همه کشتار را در برابر چشمانمان نقش کند و بگوید: "نگاه کنید و شاهد باشید!"

اما یک فیلمساز چگونه می‌تواند واقعه ی تاریخی را شهادت دهد؟ چگونه می‌توان کشتارگاه‌ها، کوره‌های آدم سوزی، اتاقهای گاز و... را چنان نشان داد که به فاجعه "وفادار" بود؟ آیا کنار هم نشاندن تصاویر مستند - همانطور که در فیلم های مستند می‌بینیم - کافیست یا باید واقعیت را با تخیل سینمایی درآمیخت؟ آندری تارکوفسکی سینماگر شهیر روس می‌گفت واقعیت بی‌نهایت خیالی‌تر از هر خیال شاعرانه‌ای است و سینما اما با تعیین واقعیت باید جنبه ی خیالی آن را بیرون بکشد. در "فهرست شیندلر" واقعیت چنان ناباورانه، خشن و غیرانسانی است که با خیال یکی می‌شود.

دنیای اسپیلبرگ که پیش از این دنیای کودکانه، خیال انگیز و رویایی بود، با "فهرست شیندلر" به ناگاه با واقعیتی عریان طرف می‌شود و سینمای اساسا رویایی او را دگرگون می‌کند چنانکه گویی با "فهرست شیندلر" اسپیلبرگ بلوغ می‌یابد. او در فیلم های "رنگ ارغوانی" (۱۹۸۵) و "امپراتوری آفتاب" (۱۹۸۷) چنین تلاشی را کرده بود اما هیچگاه نتوانسته بود پوسته ی کودکانه خود را بدرد.

سینمای اسپیلبرگ که همیشه با "جلوه های ویژه" آمیخته بود در این فیلم به حداقل شکل ممکن از چنین تمهیداتی سود می‌برد. فیلم، سیاه و سفید فیلمبرداری می‌شود و در لحظات دلهره‌بار و تکان دهنده‌ای چون کشتار در گتو و اتاقهای گاز از دوربین سرشانه استفاده می‌کند، نماهای لرزانی که لمس دقایق هول انگیز را در تماشاگر دوچندان می‌کنند. این همه در مجموع به مستندوار کردن فیلم یاری می‌رسانند.

"فهرست شیندلر" همچون بیشتر فیلمهای هالیوود، ساختی کلاسیک دارد. بدین معنا که زمان، مکان و دیالوگ شکلی پیچیده و غیرمتعارف به خود نمی‌گیرد و در یک روال خطی، روایت داستان از نقطه‌ای آغاز می‌شود، اوج می‌گیرد و سپس فرو می‌نشیند، اگرچه تدوین بسیار زیبای فیلم در برخی سکانس ها چنین شکلی را درهم می‌ریزد، فرمی نو به آن می‌بخشد و در برش هایی عالی، زمان را پس و پیش می‌کند.

پرسوناژهای فیلم تابع اوج و فرود روایتی فیلم اند و با گره گاه‌های دراماتیک (نمایشی) آن چفت و بست می‌شوند و درنتیجه تصنعی نیستند. بازی زیبای سه چهره ی اصلی فیلم: لیام نیسون (اسکار شیندلر) بن کینگسلی (ایزهاک اشترن، حسابدار شیندلر) و رالف فینس (آمون گوت، افسر اس. اس) مکمل این موضوع است. بویژه بازی تئاتروار رالف فینس که تناقضات دوپهلوی انسانی و فاشیستی آمون گوت را بخوبی منعکس می‌کند.

"فهرست شیندلر" آمیزه‌ای از سرنوشت فردی و سرنوشت جمعی است. در آن علاوه بر اینکه پرسوناژها فردیت ناپایدار، متغیر و در مجموع غیر کلیشه‌ای خود را دارند، سرنوشت جمعی که همیشه در مقاطع مهم تاریخی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود نیز برجستگی خاص می‌یابد و همواره حرکتی نوسانی و متوازن میان این دو وجه ی فیلم در جریان است.

گذشته از داده های اخلاقی فیلم، بویژه در سخنان پایانی و گریه ی شیندلر در برابر کارگران - که گویا ذهنیت ساده‌نگر تماشاگر آمریکایی را خوش می‌آید - اسپیلبرگ فیلم را به ملودرامی پیش پا افتاده تبدیل نمی‌کند و در طول فیلم فجایع را با همان بار وزن و حشتناک خود هویدا می‌کند که بر اساس نظرات شاهدان عینی سخت به واقعیت وفادار است.

موسیقی درخشان جان ویلیامز، که بیش از بیست و سه سال با اسپیلبرگ همکاری دارد - با استفاده از سازهای زهی و گروه کر، در جان بخشیدن به فضای فیلم تاثیر اساسی دارد. اگرچه به طور کلی موسیقی فیلم مستقیما با فیلم است که معنا می‌گیرد با این وجود، موسیقی ویلیامز چنان زیباست که مستقل از فیلم، به عنوان یک اثر کلاسیک می‌توان آن را گوش داد و لذت برد.

و بالاخره سکانس رنگی پایان فیلم، هنگامی که بازیگران فیلم به همراه "بازیگران" اصلی فاجعه ی کراکووی، بازماندگان بربریت فاشیسم بر مزار شیندلر حاضر می‌شوند و یاد او را گرامی می‌دارند، تخیل و واقعیت، سینما و اصل ماجرا در برداشتی برشتی بر صحنه می‌آید و ما را وامی‌دارد تا به پاس هنر و به احترام همه انسان هایی که در هر کجا و با هر نام و مرام و عقیده‌ای که بی گناه کشته شده‌اند، کلاه از سر برداریم و پا خیزیم!

استیون اسپیلبرگ با روح بخشیدن به شخصیت اسکار شیندلر و تناقضات وی، گویی خود و دوگانگی‌های خود را نیز به تصویر می‌کشد. آیا اسپیلبرگ درهمان دنیای کودکانه ی پارک ژوراسیک و یا ماجراجویی‌های ایندیانا جونز باقی خواهد ماند و یا از سینمای تخیلی-تجاری بدر خواهد آمد و انسان و مسائل زمینی آن را پی خواهد گرفت؟ این پرسش در عالم هنر، ترجمان همان سئوال جاودانه ی "بودن یا نبودن" است.

---

*) ماوت هاوزن و برزن از اردوگاههای مرگ فاشیستها در زمان رایش سوم بودند.

درسهای ارزشمند کدامند؟

م. آزاد

آدمی که مصمم به ابداع خویش است، نقش خالق را عهده‌دار است ولذا از دید معینی به اشیاء می‌نگرد. فردیست ناکس، کفرانگو، نافرترین منفوران و به لحاظی دیگر می‌توانید، رقت و حزن ـ PATHOS ـ را در شخص اش، قهرمانی را در مبارزه‌اش و در تقبل مخاطرات مشاهده نمائید. البته تمامی عوضی‌ها قادر به ممد حیات نیستند. درغیر این صورت اگر تحت جنبهٔ سیاسی اجتماعی بنگرید شان، تقریباً تمامی مهاجرین تبدل را یاد می گیرند و می‌دانند چگونه خویش همانند شوند. توضیح کاذبی را که ما برای درهم کوفتن کذبی که به حسابمان نوشتند، ارائه می‌دهیم دلایل ایمنی ستورهٔ من مخفی ماست.

سلمان رشدی آیه های شیطانی (فصل فرشته و جبرائیل)

درشماره ۷۲ کار مورخهٔ آذرماه ۱۳۷۲، نوشته‌ای به قلم آقای الف ـحکیمی با عنوان "پارلمانتاریسم دموکراتیک" انتشار یافت که درخور تأمل و تعمق می‌باشد...

اظهار اینکه "فروپاشی بلوک کشورهای سوسیالیستی درس های ارزنده‌ای برای تمامی نیروهای کشورمان داشته و اکنون با گذشت دوسال از این حوادث، نیروهایی که اعتقاد عمیق به نهادی کردن دموکراسی دارند قدرت بیشتری درمیان اپوزیسیون ترقی‌خواه ایران پیدا کرده است. "تکراریکی از آن زبانزدهای عامیانه است. من منکر شکست "سوسیالیزم واقعاً موجود" درمصاف با "دموکراسی واقعاً موجود" نیستم و اذعان دارم که مقایسه زیربنای یک نظام با روبنای نظام دیگر درست نیست. ولی چون همواره درمقایسه "سوسیالیزم واقعاً موجود" و "کاپیتالیسم واقعاً موجود" این شیوه بکاررفته من نیز بناچار از این شیوه استفاده می کنم و موافق هستم که این شکست و این پیروزی باید پیگیرانه مورد بررسی قرار گیرد. ولی می‌خواهم بدانم منظور کدامین "درس ارزنده است". آیا منظورتان تجربه گیری از اتحاد عمل اپوزیسیون در این کشورها ـبلوک سوسیالیستی‌ـبوده که بطورمثال در آلمان دموکراتیک وچکسلواکی دربرگیرندهٔ کمونیست های دموکراتیک، سوسیالیست‌ها و سایر نیروها حتی نئوفاشیست ها بود وشرکت دراین اپوزیسیون منوط به هیچ پیشوند وپسوند دموکراتیک وغیردموکراتیک نبود؟

اتفاقاً درایتالیا نیزدرسرنگونی فاشیزم درجنگ دوم جهانی، جبهة وسیعی تشکیل یافت که شامل کمونیست ها، سوسیالیست ها، حزب عمل، دموکرات مسیحی‌ها، لیبرالها، جمهوری خواه‌ها و سلطنت طلبان می‌شد ودرآن ایام نیزدربدوتاسیس این جبهه، نیروهایی بودند که مانع شرکت سلطنت طلبان به خاطر همکاریشان با فاشیزم ومخالف پذیرش آنها درجبهه بودند ولی دبیراول حزب کمونیست ایتالیا پالمیروتولیاتی بدرستی غلط بودن این نظریه را اثبات نمود ومبتکراین همکاری دربراندازی فاشیزم شد. حزب کمونیست ایتالیا درآن زمان مارکسیست لنینیست بود. بنابراین از این دونمونه تجربه می‌شود که شرط لازم برای سرنگونی هرقدرت وهر دیکتاتوری اتحاد عمل اپوزیسیون می‌باشد. این درمورد براندازی ج. ا. نیزمی‌تواند صادق باشد، چنانکه قتل دکترعبدالرحمن قاسملوومن قتل دکتربختیار ودکترشرفکندی را نیزاضافه می کنم ـ بخاطرشناخت آنها ازتئوری اتحادها وشناخت ج. ا. از آنها به عنوان مرکزانباشت نیروهای اپوزیسیون بود. ولی متاسفانه چنانکه ازنوشتهٔ شما استنباط می‌شود منظورتان درس دیگریست. اگردرسابق "چپ انقلابی" مرجع تقلیدش "سوسیالیزم واقعاً موجود" بود، می‌رود که امروزه مرجع تقلید "چپ دموکراتیک"، "دموکراسی واقعاً موجود" باشد وایراد هردو بینش جدا ازخوب یا بد بودن این مراجع تقلید، درجامدپذیری وعدم نیازبه هر گونه دید منتقد می‌باشد، می‌شود ذوالفقاررا ازنیام دموکراسی بیرون کشید ونیروهای اپوزیسیون را فرقان کرد ولی این کارنه تنها دموکراتیک نیست، نه تنها شرط لازم را برای سرنگونی دیکتاتوری درایران میسرنمی‌سازد، بلکه هرگونه چشم اندازی دموکراتیک برای بعد دیکتاتوری در ایران رامخدوش می‌سازد.

وقتی که شما سختگیرانه حزب تودهٔ ایران وسایر سازمان های چپ که معتقد به مارکسیسم ـلنینیسم هستند رادرامتحان دموکراسی ـبدون مهلت شهریورماه ـرفوزه می‌نمائید، آن هم بدلیل ایدئولوژیک بودنشان، عمل ایدئولوژیک ضد ایدئولوژیکی مرتکب می‌شوید که در بهترین حالتش شعورکاذب می‌باشد. وگرنه اینگونه با سخاوت لیسانس افتخاری "دفاع ازحقوق بشرولیبرالیزه کردن حکومت ها درجهان سوم" رابه دموکرات های آمریکایی و"نمونه" آنها کندی وکارتراعطاء نمی کردید. اگرحافظهٔ تاریخی‌مان بجاست باید فراموش نکنیم که جنگ ویتنام راهمین پرزیدنت کندی آغازکرد وتجاوز علیه کوبا ابتکاروی بود ومحاصرهٔ اقتصادی این کشور فسقلی ازهمان زمان کندی آغازشد که هنوزبعداز ۲۲سال بوسیلهٔ آقای کلینتون ـدموکرات ـهمچنین ادمه دارد. کوبائی که مردمش باید ازفرط گرسنگی‌وفشارفقرمعنی واقعی‌آزادی رادریابند. این سیاست بیشترشبیه به "به زور ارمنی‌رامسلمان کردن" می‌باشد تاحقوق بشر. جیمی کارترنیزدست کمی‌ازکندی نداشت وحادثهٔ طبس زیر کارگردانی‌همین آقا صورت گرفت. دردوران مصدق نیز همین "دموکراسی‌واقعاً موجود" بود که ایران رادر محاصرهٔ اقتصادی قرارداد تا مردم ازشدت گرسنگی‌از مصدق روی تابند وتن به کودتای ۲۸مرداد ۳۲بدهند.

به مصداق مصدق: کمونیزم رابهانه کرده‌اند برای اینکه ۴۰سال دیگرازمعادن نفت ما سوءاستفاده کنند و برای ادمه‌/سوءاستفاده ملت ایران رااز آزادی واستقلال محروم نمایند. "اکنون که ازاین گفته ۴۰سال وچند ماهی می گذرد چه درسی می‌خواهیم بگیریم؟ بخصوص نیروهای چپ ایران! اگرآمریکا در ۲۸مرداد بخاطر منافع خودش جانب دربار را گرفت دربعد انقلاب بهمن، طبق اعترافات رئیس جمهورپیشین پاناما ـعضو سیا ـنوریگا که درحین محاکمه اش درآمریکا مجال آن را یافت به خبرنگاران تلگرافی تصریح کند که: سیا می‌خواست درپاناما به دست من شاه رابه قتل برساند ولی من مخالفت کردم. "این چه درسی رامی‌تواند به نیروهای راست ایرانی‌بدهد؟. البته می‌شود گفت که همهٔ این بدبختی‌ها نتیجهٔ جنگ سرد ومختص جهان سوم بود. ولی این تزنیزدرست نیست. حتی‌درخود این کشورهای متمدن ـبا پارلمان دموکراتیک به قدرت رسیدن کمونیست ها قدغن بود ـعلیرغم توضیحات کارل پوپردر مورد حکومت دموکراتیک ـبطورمثال درایتالیای بعداز فاشیزم وجمهوری پارلمانیستی‌به حزب کمونیست ایتالیا تنها اجازه داده شده بود که در "بازی دموکراتیک" نقش اپوزیسیون قدرتمند راایفا نماید وطبق فرامین پیشنهادی شورای امنیت واشنگتن مورخهٔ ۵ژانویه ۱۹۵۱و ۲۰ماه مه ۱۹۵۳ درایتالیا کمونیست ها به هیچ وجه من الوجوه، چه ازطریق شورش وجنگ مسلحانه، چه ازطریق انتخابات آزاد "نمی‌بایست به قدرت برسند" ونرسیدند. بنابراین همانگونه که برای ما شناخت ونقد "سوسیالیزم واقعاً موجود" وشکست آن ضروریست هم چنین شناخت "دموکراسی‌واقعاً موجود" وسیرتاریخی‌اش دراروپا ودر کل جهان سرمایه داری حائزاهمیت است...

اما به ایران خود بازگردیم ودرمورد نظرشما "که غرب به هیچ رودل خوشی‌ازج. ا. ندارد. "این نیزاگر جسارت نشود ازهمان زبانزدهای عامیانه است. اقتصاد ایران راطی‌دههٔ ۸۰ملاحظه نمائیم وآن رابا اقتصاد کشورهای انگلیس، آلمان، ایتالیا، فرانسه وژاپن دراین دهه مقایسه نمائیم؛ خواهیم دید که برخلاف ادعای شما وبه تصدیق برژینسکی‌مشاورسیاسی آمریکا درزمان ریگان، طبق شرایط لحظه ج. ا. ا. مناسب ترین نیرو برای حفظ منافع غرب، درایران ومنطقه بود. وبه نظرمن فعلاً نیزهست. دراین دوره بود که قیمت نفت ازبشکه‌ای ۳۰دلاربه سطح ده دلارتنزل یافت ودرطول جنگ ایران ـ عراق قاچاقی، حتی‌به ۵یا ۶دلاربه فروش رفت. حجم فروش تسلیحات نظامی‌ازکشورهای غربی‌علاوه ایران وعراق ـعلیرغم ادعای آنها دایربرعدم فروش اسلحه به این دوکشور ـبه عربستان سعودی، کویت وامارات عربی سرسام آوراست. به لطف همین "موهبت الهی" ودرقبال سیاست چماق وشیرینی‌غرب بود که اقتصاد کشورهای کودتازده وهمجوارـترکیه وپاکستان ـازطریق دلالی‌بهبود یافت وصدمات وخراب کاری‌های ج. ا. ا. درلبنان و جنبش فلسطین رانیزدرچارچوب "الطاف" ج. ا. ا. به سرمایه داری غرب باید مورد بررسی‌قرارداد.

ادامه درصفحه ۹

محیط زیست ایران

دکترعلی حصوری

قسمت آخر

برگرفته از: ماهنامه جامعه سالم. دیماه ۱۳۷۲

بخش اول مقاله "محیت زیست ایران"، به مناسبت اول فروردین روزجهانی کره زمین در شماره گذشته "کار" درج شد. دراین شماره بخش دوم وآخراین مقاله ازنظرخوانندگان می‌گذرد.

بر طبق آمارهای جمهوری اسلامی که بارها در نشریات روزانه انعکاس یافته، سه چهارم مساحت جنگل های شمال در پانزده سال گذشته از بین رفته است به طوری که حمل خاک زنده از ارتفاعات به درون رودها و دشت ها و سرعت رسوب در دهانهٔ رودها به مراتب سریعتر و آشکارتر شده و در ایجاد مشکل برای شهرهای ساحلی بی تأثیر نبوده است. اگر با این سرعت پیش برویم جنگل های مفید شمال ایران که دارای درخت های قابل استفاده در صنعت است در پنج سال آینده محو خواهد شد.

در دو سال گذشته شاهد لغزش زمین و سرعت گرفتن و فراوانتر شدن آن در همهٔ ایران بوده‌ایم. اما این حوادث بیشتر در مناطقی اتفاق می افتد که قبلاً جنگلی بوده یا پوشش گیاهی مناسبی داشته اند و اکنون سخت شده اند، مثل ارتفاعات گیلان، مازندران، چهارمحال و بختیاری و دشمنزیاری در غرب فارس. سرعت رسوب در سدها بالا گرفته و هیچ چاره ای برای آن اندیشیده نشده است. حتی در مواردی که به طور ناگهانی و با کمک طبیعت، امکانی به دست می آید، از ما کاری ساخته نیست. در سال ۱۳۷۱ داغ آب در سدهای ایران بسیار پائین تر از سال هفتاد بود و از جمله در سد زاینده رود در حدود هفت متر پائین تر بود. در اثر فرو نشستن آب، حجم عظیمی از رسوبات در مصب دریاچهٔ سد از آب بیرون آمده بود که با وسائل عادی قابل تخلیه بود. روشن است که برای این کار آمادگی وجود نداشت و کاری صورت نگرفت.

بخش مهمی از مراتع و مزارع ایران در سی سال اخیر به علت ازدیاد جمعیت، گسترش شهرها، تأسیس کارخانه ها، انبارها و پادگانها از بین رفته است. هم اکنون به جای این که این گونه تأسیسات در زمین های نامناسب بنا شود، بهترین زمین ها وقف این کار می شود. مثلاً کارخانه ذوب فلزی که در کنار شهر اسفراین ساخته می شود، بهترین زمین های زراعی کنار شهر را به خود اختصاص داده است. این کارخانه پس از تأسیس تقریباً تمام زمین های آبی مجاور شهر را بلعیده است و شهر را هم با ایجاد آلودگی تهدید خواهد کرد. روزگاری که با پایان یافتن سوخت ارزان این کارخانه ها با تعطیل مواجه شوند، زمین آنها هم به دردی نخواهد خورد و در گسترش سریع شهرها و انفجار جمعیت، بلعیده خواهند شد.

مناطق دیگری از ایران که در سال های اخیر سرسبزی خود را از دست داده اند؛ کم نیست. منطقهٔ دشمنزیاری که در سال ۱۳۵۷ بکلی جنگلی بود، اکنون شاید دو سوم درخت های خود را از دست داده است به طوری که نگارنده در سفر تابستان اخیر خود، بسیاری از مناطقی را که قبلاً دیده بودم نمی شناختم و حتی در تشخیص منطقه و حدود و محل احتمالی جاهائی که می شناختم، محتاج راهنما شده بودم. لغزش خاک و ویرانی محیط زیست در این منطقه هم ملاحظه می شود. بی شک در آینده بسیاری از روستاها و برخی از شهرک ها و حتی شهرهای کهگیلویه و بویراحمدی که دشمنزیاری بخشی از جنوب شرقی آن است، در تهدید لغزش خاک قرار خواهد گرفت و زیان های هنگفت به بار خواهد آورد. قطع درختان جنگلی در همهٔ این مناطق و حمل آنها در غیر ساعات اداری که مأموران نیستند، از کارهای جاری است.

عریان شدن مراتع ایران پدیده ای است آشکار که هر کس می تواند آن را در تمام ایران ملاحظه کند. این نیز نتیجهٔ ازدیاد جمعیت، از جمله جمعیت عشایر و نیاز بیشتر به فرآورده های دامی است. اکنون با اسکان بیشتر عشایر که خود اغلب بدون نظم و پیدا شدن شهرک های حساب نشده صورت می گیرد، با پدیدهٔ جدیدتری مواجه می شویم و آن گله گردانی به جای کوچ است، به این معنی که عشایر با روی گرداندن از کوچ به اسکان، به جای این که دام خود را در قشلاق و ییلاق و در دو قسمت مجزای سال، بچرانند و به گیاه امکان رشد بدهند، به گرداندن دام خود در حیطهٔ زندگی روستائی می پردازند. این کار باعث، استفاده از مرتع در سراسر سال (و نه شش ماه در سال) شده و مراتع را بیش از پیش سترون می کند. هم اکنون برخی از مراتع ایران چنان از بین رفته اند که امیدی به احیای آنها نیست زیرا خاک مفید آنها هم شسته شده است. با اسکان عشایر باید پرواربندی و نگهداشتن دام در محیط محدود و کشت علوفه ترویج شود.

مجموعهٔ عواملی که ذکر شد بعلاوهٔ فقر، جهل و بیسوادی، نشناختن تفاوت سود آنی از درازمدت و زمین به عنوان گهوارهٔ انسان، ترویج سوداگری و خوار کردن تولید که اندک اندک تولید کشاورزی و دامی را هم تحت تأثیر می گذارد و بی اعتنائی به طبیعت را برمی انگیزد، زنگهای خطر را برای زندگی سالم در محیط ایران به صدا در می آورد. آلودن آب ها، حتی آبهای مهمی، مثل زاینده رود، ریختن مستقیم سمومی مثل سیانور به داخل رودخانه ها، مردن اعتقادات کهن در مورد پاک نگهداشتن آب و اقدام مأموران دولتی در ریختن زباله ها به درون آبها، از بین رفتن زشتی آب آلوده و جریان فاضلاب گاه در تمام شهری چون مسجد سلیمان، بهره برداری غارت گونه از منابع به طوری که مثلاً تمام کشتزارها و روستاهای اطراف معادن مس سرچشمه (از میدوک در شمال آن تا پاریز در جنوب آن) در معرض نابودی است، آینده ای روشن را برای محیط زیست ایرانیان ترسیم نمی کند.

این دیگر چیزی مثل آزادی یا حقوق بشر نیست که بر سر آن دو طرف چانه بزنند و یکی بگوید وجود دارد و دیگری بگوید نه. واقعیتی است عریان و خطرناک. صحراها و کویرهای کوچکی که اینک در تمام فارس تا سواحل دریاهای جنوبی دیده می شود، قبلاً جنگل بوده است. در تمام خراسان، سیستان و بلوچستان جنگل بلوط و انجیر وحشی وجود داشته و در دورهٔ ساسانی از درختان آنها قرمزدانه برداشت می شده است، به حدی که در آن دوره قرمزدانه را رنگ خراسانی می نامیده اند. ایران سبز بوده است، کویرها محدود بوده‌اند و مردم ایران مرفه.

کاری جز یک بسیج عمومی و قوانین شدید و غلیظ و اجرای دقیق آنها نمی تواند ما را از خطر پنهانی که با آن مواجهیم، دور سازد. ایجاد برنامه و استفاده از نیروی هزاران جوان که در عمدهٔ شهرهای بزرگ ایران در بهترین ساعات روز برای دیدن فیلم های سطحی غوغا می کنند، از جمله کارهای ممکن است. در ایران درختانی وجود دارند که تنها با یکی ـ دو سال مراقبت می توانند به زندگی ادامه دهند. ایجاد جنگل در حاشیه و ارتفاعات مشرف به شهرها کار دشواری نیست. در سال ۱۳۵۸ مطالعه ای توسط عده ای از استادان دانشگاه شیراز برای جنگل کاری ارتفاعات شمال شهر شیراز انجام گرفت و مدیر کل منابع طبیعی وقت دادن درخت های آن را تعهد کرد. عده ای از دانشجویان قول همکاری داده بودند و قرار بر این بود که روزهای جمعه در فصول مناسب به کشت درخت اختصاص یابد. جو سوءظن آن سال مانع انجام آن برنامه شد. انجام چنین کارهائی دشوار نیست. تنها این مهم است که بتوان مشارکت مردم را جلب کرد و آنان را در این زمینه هم ـ مثل زمینه های دیگر ـ برای کار جمعی آماده کرد.

---

۱ ـ چنگیز آیتماتوف، «همگام با زمان» ترجمهٔ علی کفامش، چیستا شماره ۱ سال ۱۱ (مهر ۱۳۷۲) ص ۵۶.

۲ـ نویسنده در سال های ۴۹ به بعد تاریخ محیط زیست از جمله زمین لرزه های ایران را مطالعه می کرد که از مطالعات یکی از استادان دانشگاه شیراز که به همهٔ منابع یونانی، لاتین، ارمنی، سریانی و... هم پرداخته بود، اطلاع حاصل کرد و کار خود را در این زمینه رها کرد. متأسفانه مطالعات ایشان تا به حال منتشر نشده است. کار دو دانشمند انگلیسی: امبرسز، ن. ن و ملویل، چ. ب. تاریخ زمین لرزه های ایران ترجمهٔ ابوالحسن سده تهران: آگاه ۱۳۷۰ تنها منبع جامع چاپ شده است اما متاسفانه بسیاری از منابع را نادیده گرفته است.

۳ـ مشخصاً نوع خاصی از فیل که اندام کوچکتری داشته در ایران می زیسته که آثار آن را در کتیبه های ساسانی می توان دید. این غیر از فیلی است که از هندوستان به ایران آورده می شده است. جسد آخرین شیر ایرانی در سال ۱۹۷۳ توسط یکی از استادان امریکائی دانشگاه شیراز در ارتفاعات بختیاری کشف شد. آخرین ببرهای مازندران تا حدود ۱۳۲۰ وجود داشته اند. در سال ۱۳۴۱ نویسنده چند روایت از شکار این ببرها با تله گردآورده، اندازه و شکل ببرها را یادداشت کرده بودم. گوزن شاخ پهن در تمام آذربایجان وجود داشته و دائی پدرم در سال ۱۳۴۲، هنگامی که در حدود ۱۱۰ سال داشت، برای من از شکار آن ها در روزگار جوانیش سخن گفت.

۴ـ مثلاً در گزارش جغرافی نویسان یونان و رم. شواهدمحلی و جنگل های موجود هم گواه این مطلب است. هر جا که از بین بردن جنگل مشکل تر بوده، باقی مانده است.

۵ـ درختی با نام یاکَه که امروز جک نامیده می شود.

۶ـ «حدودالعالم من المشرق الی المغرب» به کوشش دکتر منوچهر ستوده، تهران: طهوری.

۷ـ این مطلب علاوه بر این که در یکی دو اثر جغرافیائی دیده می شود، در بسیاری از آثار جغرافیائی و تاریخی ـ البته به طور جسته گریخته ـ آمده است.

۸ـ گرفته از تاریخ زمین لرزه های ایران ـ یادداشت ۲ ص ۱۱۵

۹ـ علاوه بر این که مردم مناطقی مثل قم و کاشان به این کار گواهی داده اند، اسناد این کارها در بایگانی های ایران و خارج موجود است و امیدواریم روزی منتشر شود. در عین حال ممکن است جزئی هم منتشر شده باشد که نویسنده از آنها اطلاع ندارد.

مبارزه ایدئولوژیک در جبهه آزادیبخش فارابوندومارتی

روز یکشنبه ۲۹ اسفند، نخستین انتخابات فراگیر السالوادر پس از ۱۵ سال جنگ داخلی در این کشور برگزار شد. ویژگی این انتخابات شرکت نیروهای وابسته به "جبهه رهایی بخش فارابوندومارتی" در آن بود. در این انتخابات کاندیدای مورد حمایت نیروهای این جبهه توانست به دور دوم راه یابد. گزارش این انتخابات بطور جداگانه در این شماره "کار" درج شده است. مقاله زیر مسایل این جبهه را پس از کنار گذاشتن مبارزه مسلحانه و پایان جنگ داخلی در السالوادر مورد بررسی قرار داده است.

جبهه رهایی بخش فارابوندومارتی بخاطر نیروی نظامی، اجتماعی و سیاسی اش و همچنین بخاطر نظریات انقلابی اش با جهت گیری سوسیالیستی معروف بوده است. بعد از پایان جنگ و قانونی شدن جبهه، بنظر می رسد که تنفسی پدید آمده، تا به شکلی اساسی پیرامون نظم نوین جهانی و نظریات و هویت سیاسی جبهه بحث صورت گیرد.

جبهه چریکی سابق فارابوندومارتی به سال ۱۹۸۰ با شرکت حزب کمونیست السالوادور، نیروهای رهایی بخش خلق، حزب انقلابی کارگران آمریکای مرکزی، ارتش انقلابی خلق و مقاومت ملی، بنیانگذاری شد. شرایط زمان جنگ جبهه چریکی را مجبور می کرد تا وحدت را به هر شکلی که شده حفظ کند. اما پس از آنکه غرش سلاحها خاموش شد، نظریات متفاوت مابین این سازمانها بتدریج بازتاب بیرونی پیدا کردند. در بحثهای درونی و بیرونی و در رسانه های همگانی اظهار نظرهای ناخوشایندی در رابطه با یکدیگر و برداشتهای مختلفی در رابطه با مشکلات ملی شنیده و خوانده شده و بدین ترتیب مبارزه شدید درون جبهه آشکار شده است.

فرانسیسکو خوول عضو رهبری حزب انقلابی کارگران آمریکای مرکزی می گوید: "بخاطر جنگ، درون جبهه اتفاق آشکاری وجود داشت مبنی بر اینکه بحثهای درونی به بیرون درز پیدا نکند تا وسیله ای به دست ارتش السالوادور جهت براه انداختن جنگ روانی علیه جبهه داده نشود."

بنا به گفته خوول افکار عمومی یا هیچ و یا خیلی کم راجع به این مسئله آگاهی داشتند، اما اختلاف نظر پیرامون تاکتیک و جهان بینی وجود داشت.

شفیق هندل دبیر اول حزب کمونیست السالوادور و دبیر هماهنگی جبهه فارابوندومارتی معتقد است که در حال حاضر در جنبش چپ در عرصه جهانی اختلاف نظر موجود است. زیرا "آن اتفاقی که در اروپای شرقی و شوروی افتاده لرزه بزرگی برای جهان بینی چپها بوده است."

با همه اینها هندل معتقد است که جبهه قوی شده است: "از نظر سیاسی و بعنوان یک سازمان، جبهه با سربلندی جنگ را پشت سر گذاشت و بدین خاطر دارای اعتبار ویژه ای می باشد و این به ما این امکان را می دهد تا بدون بحران پیرامون نظریات و برنامه جدید بحث و جستجو کنیم." بهرحال بحث در درون جبهه به شدت در جریان است و مخالفین جبهه آنرا دلیلی برای انشعاب در درون جبهه می دانند.

دو گرایش

هندل معتقد است که در جبهه درکهای مختلفی موجود است. اما این برای او به معنای وجود حتمی گرایشهای مختلف و یا فراکسیونهای نظری نیست: "من هنوز معتقدم که بحثها پیرامون مسائل ساده ای دور می زنند، اگرچه گاهی اوقات نظرهایی هستند که در درون احزاب موجود روشن تر فرموله شده اند و کاراکتریک موضع گیری را دارند. ولی تا حالا وضعیتی پیش نیامده تا احزاب در مقابل یکدیگر قرار گیرند."

دبیر اول نیروهای رهایی بخش خلق، سالوادور سانچز کرین توضیح می دهد که: "وضعیت فارابوندو مارتی طوری است که نظرهای مختلف هر لحظه آشکار می شوند. بطور مثال می توان از دو مورد مهم که در حال حاضر در پیش روی فارابوندومارتی قرار دارند نام برد، یکی اجرای قرارداد صلح و دیگری آماده شدن برای انتخابات ۱۹۹۴. در این مورد دو گرایش مشخص هم در جبهه موجود است که در یک طرف آن ارتش انقلابی خلق و در طرف دیگر آن نیروهای رهایی بخش خلق و حزب کمونیست السالوادر قرار دارند."

با نظرهای متفاوت و یا گرایش های سیاسی مختلف، بهرصورت در حال حاضر در جبهه پیرامون دو استراتژی مختلف بحث در جریان است. دبیر اول مقاومت ملی ادواردو سانچز می گوید: "یک بحث استراتژیک در مورد گرفتن قدرت و یا شرکت در قدرت و نقش حزب در رابطه با توسعه و تکامل یک پروژه ملی در جریان است."

در اینجا دو هدف سیاسی در مقابل یکدیگر قرار دارند: یکی طرح هژمونی چپ و دیگری طرح وسیع ملی. سانچو موافق "حکومت وحدت ملی" است که متضمن مناسبات استوار در کشور می باشد. "زیرا که برکناری دولت فعلی بدون مشکل نخواهد بود. یک حکومت وحدت ملی خواهد توانست انواع و اقسام قراردادها را با شرکتهای مدرن ببندد: "یک حکومت صد در صد چپ، تصور جالبی برای کسی در این کشور نیست زیرا که نمونه تاریخی اش موجود نیست." او می گوید مشکلاتی در جبهه موجود است زیرا بخشی از جبهه استراتژی را تعقیب می کند که بر اساس آن می بایستی چپها در جامعه قدرت برتر باشند.

"چپ جدید" یا "کاپیتالیزم مدرن"

به عقیده سالوادور سانچز نظریات سانچو بر اساس فرضیات غلطی استوار است. سالوادور سانچز می گوید: "درک تنگ نظرانه ای نسبت به چپ وجود دارد. وقتیکه ما از طرح چپ صحبت می کنیم، درک ما محدود و بسته نیست. ما بیشتر خواهان ادامه آن طرح تاریخی هستیم، تا پایه هایی برای پیش بردن تغییرات ضروری در زمینه اقتصادی، اجتماعی و سایر زمینه ها بوجود بیایند." چنین طرحی از طرف چپها در برگیرنده همه نیروهای دمکراتیکی خواهد بود که در سالهای گذشته تغییر و تحولات را هدایت کرده و پیش برده اند. چنین نیروهایی نه تنها در میان چپها، بلکه حتی در میان پیمانکاران خصوصی هم بوده اند. مشکل در اینجا به نظر سانچز اینست که: "از آنجایی که چپ دیگر مد نیست و چپها در جایی شکست خورده اند، بعضی از سازمانها مشکلاتی با چپ دارند و حتی معتقدند که در اینجا هم نباید به چپها توجهی بشود."

به نظر می رسد که خوان رامون مدرانو از ارتش انقلابی خلق هم دقیقا همین نظر را داشته باشد. او می گوید: "در آمریکای لاتین تمامی طرحهای متعلق به چپها بدون تشکیل یک جبهه به شکست انجامیده است. این تقریبا مشخص است که چپها تغییرات اجتماعی را فقط در یک یا دو فاز بازسازی می توانند به پیش ببرند." بدین ترتیب سئوالی که در حال حاضر مطرح می شود اینست که تناسب قوا به نفع جبهه چگونه تغییر یافته و تغییرات ساختاری که با اجراء قرارداد صلح شروع شده چطور به پیش خواهد رفت. اکنون می بایستی جبهه فارابوندومارتی "کاپیتالیزم را در السالوادور مدرنیزه" کند. مدرانو می گوید که راجع به این مسئله در درون جبهه درکهای متفاوتی وجود دارد: "بعضی ها در درون جبهه مایل نیستند پایه های اجتماعی چپ را از دست بدهند و امیدشان بر این است که ما انقلاب را ادامه می دهیم. برعکس ما معتقد هستیم که چپها طرفداران خود را حفظ خواهند کرد زیرا که برای آنها آلترناتیو دیگری وجود ندارد و ما می بایستی آن ۵۰ درصدی را که هنوز تصمیم مشخصی نگرفته اند به طرف خود جلب کنیم."

سوسیالیسم برای السالوادور

ارتش انقلابی خلق جدایی خود از کمونیسم و سوسیالیزم را بطور آشکار اعلام کرده است. مدرانو می گوید: "آنها فقط از هم پاشیده شدن اروپای شرقی و اتفاقی که برای ساندنیستهای نیکاراگوئه افتاده است را در پیش چشم دارند." مدرانو اطمینان می دهد با اینکه ارتش انقلابی خلق از تعداد زیادی از پیشنهادات نئولیبرالی حمایت می کند، ولی سازمانش هنوز هم بخاطر سوسیالیزم برای السالوادور مبارزه می کند. همه پنج نفر رهبران جبهه فارابوندومارتی در مصاحبه شان از سوسیالیزمی جدید، از سوسیالیزم غیر دولتی، سوسیالیزمی که در آن شرکتهای خصوصی از هر نوعی سهیم باشند، صحبت کردند. و هر پنج نفر روی وظایف اجتماعی سوسیالیزم تاکید کردند. فرانسیسکو خوول تصدیق می کند که در حال حاضر در جبهه روی متدهایی بحث می شود تا بر اساس آنها بتوان این نوع سوسیالیزم را در السالوادور بنا کرد. سازمانهای ارتش انقلابی خلق و مقاومت ملی معتقدند که انقلاب دمکراتیک بوقوع پیوسته است. بدین خاطر می بایستی که کوشش نمود تا سیستم موجود مدرنیزه شود و یک سری رفرم هم در دوایر جنبی صورت بگیرد. در مقابل حزب کمونیست السالوادر، نیروهای رهایی بخش خلق و حزب انقلابی کارگران آمریکای مرکزی معتقدند که با قرارداد صلح زمینه برای انقلاب دمکراتیک مهیا شده است و اکنون میبایستی تغییرات اساسی انقلابی در سیستم موجود به پیش برده شوند.

شفیق هندل توضیح می دهد: برای آنهایی که انقلاب دمکراتیک را خاتمه یافته تلقی می کنند مسئله قدرت مسئله مهمی نیست، مسئله قدرت اقتصادیست که برای آنها اهمیت قابل توجهی دارد. اما مسئله قدرت یک مسئله مرکزی برای هر انقلابی است. "حداقل برای نیروهای انقلابی، در اختیار داشتن قدرت اقتصادی جدا از در اختیار داشتن قدرت سیاسی نیست. "در مرحله ای که السالوادور در آن بسر می برد، می بایستی که قدرت به یک بلوک از نیروهای انقلابی و دمکرات، که با جدیت تمام برای برنامه انقلاب دمکراتیک، که قسمت بزرگ آن در قرارداد صلح درج شده، فعالیت می کنند انتقال یابد."

بنظر ارتش انقلابی خلق و مقاومت ملی لحظه کنونی برای چپها مناسب نیست. بدین خاطر نباید که قدرت در دست چپها متمرکز شود. نباید هنگامیکه همه سعی و کوششها در جهت اجرای قرارداد صلح و تامین مناسبات استوار می باشد، قدرت در دست چپها متمرکز شود.

مدرانو توضیح می دهد: "اگر ما اکنون هژمونی سیاسی را بدست آوریم و بخواهیم فازی را حذف کنیم این امکان وجود دارد که اتحادی را که تا حالا وجود داشته، از دست بدهیم."

البته این نظریه کاملا از طرف حزب کمونیست السالوادور نیروهای رهایی بخش خلق رد می شود. آنها معتقدند که مبارزه برای اجرای کامل قرارداد صلح وظیفه اجتناب ناپذیر جبهه می باشد. هندل می گوید: "وظیفه اصلی، یعنی به سرانجام رساندن این انقلاب بدون پاسخ دادن به مسئله قدرت غیر ممکن است." "در رابطه با این مساله بحث های داغی در جبهه در جریان است. می توان داغ شدن این بحثها را بخاطر یافتن فرمولی برای انتخابات مارس ۱۹۹۴ و البته تصمیم گیری برای طری سیاسی معینی دانست." "در حالیکه ارتش انقلابی خلق و مقاومت ملی موافق تشکیل جبهه با نیروهای سیاسی میانی هستند، حزب کمونیست السالوادر، حزب انقلابی کارگران آمریکای مرکزی و نیروهای رهایی بخش خلق سعی در تشکیل جبهه با نیروهای دمکرات تحت رهبری چپها را دارند.

این بحث چنان به نقطه اوج خود رسیده و احساسات را برانگیخته است که انسان اجبارا به این فکر می افتد که می بایستی حتما انشعابی رخ بدهد.

اما رهبران جبهه خوشبینانه اطمینان می دهند که به شکلی با هم به تفاهم خواهند رسید. با این حال مشخص است که همه، حداقل برای مدت موقتی هم که شده می بایستی از یک سری نظرات مهم شان صرف نظر کنند.

برگردان ع. بهار

برگرفته از مجله باریکادا اینترناسیونال. شماره ۵۳- اکتبر ۱۹۹۳

درسهای ارزشمند...

ادامه از صفحه ۸

نباید فریب ژست های ناخشنودانه وطرفین معامله را خورد وگرنه مجبوریم که قسم حضرت عباس ج. ا. ا. "مرگ بر امپریالیسم"، "مرگ بر آمریکا"، "مرگ بر فلانی یا بهمانی" را باور کرده و دم خروس ایران گیت، ایران کنترا و هزاران هزار رابطه دیگر ج. ا. ا. را با غرب نبینیم. توصیهٔ شما به کریستوفرلی، وزیر خارجهٔ آمریکا "که هر چقدر هم در ایران با چراغ به دنبال اپوزیسیون دموکراتیک... باشد کمتر به جائی می رسد" بی مورد است. چرا که کریستوفرلی در ایران فعلاً به دنبال جانشینی علیه ج. ا. ا. نیست. گیریم که چنین باشد، به دنبال اپوزیسیونی می گردد که از منافع سرمایه داری انحصاری فراملیتی بر مبنای آمریکا، بهتر از ج. ا. ا. در ایران پاسداری نماید. اگر نیازمند تعویض باشد، به دنبال نیرویی می گردد که دیکتاتورتر از ج. ا. ا. قوانین بازار را محترم شمارد و همین نظر در مورد صدام و عدم برکناریش نیز صادق است. نه اینکه در ایران نیروهائی نیستند که دیکتاتور نباشند ولی چون مورد اعتماد مردم ایران و سرمایه داری انحصاری نیستند، این تعویض انجام نمی گیرد. برای اثبات این قضیه، رخداد روسیه را ـ مناقشات پارلمان و رئیس جمهور ـ در نظر بگیریم. نه روتسکوی نه خازبولاتف هیچکدام کمونیست نبودند و هر دو هوادار سرمایه داری در روسیه بودند. ولی نیاز سرمایه داری انحصاری در روسیه، قدرتی بود که بتواند نارضایتی های مردمی را لگام زند و از این رو در مناقشات "دموکراسی واقعاً موجود" طرف یلتسین را گرفت و چشم به کشتار ۱۵۰۰ نفری کاخ سفید فروبست. نوبرتو بوبیوکی از روشنفکران لیبرال دموکرات و کمی چپ تر از کارل پوپر که چندی پیش از وی مقاله ای نیز در کار منتشر شد نیز در این گیرودار، طرف یلتسین را گرفت و اعلام کرد: "دموکراسی متحمل هزینه می باشد." و همین چند روز پیش نیروهای راست و ماورای راست در روسیه به قدرت رسیدند و این اتفاقی نبود. منافع سرمایه داری انحصاری به رهبری آمریکا و سیاست های صندوق جهانی پول دقیقاً این گونه حکومت را در آن کشور می طلبد. قیافه های عبوس و پکر رجل سیاسی "دموکراسی واقعاً موجود" پنهانگر سالوسی آنهاست و هم سنگ با پرچم آتش زدنها و شعارهای کف آلود "مرگ بر آمریکا"ی آخوندهای حکومتی خود مانیست.

آخر سر به سؤال اول شما برمی گردم "آیا قطع تمامی روابط با دولت تهران صحیح ترین و عاقلانه ترین راه غلبه بر بنیاد گرائی اسلامی ست...). سرمایه داری انحصاری فراملیتی به رهبری آمریکا برای ادامه اقتصاد جنگ در زمان صلح و فروش عمده ترین کالاهایش ـ کالای جنگ ـ بعد از اتمام جنگ سرد و حظ کمونیسم، در پی دشمنان تازه ایست که بتوانند این خلأ را پر کنند. این سیاست بخاطر ممانعت از افول این کشور از سرکردگی جهان سرمایه داری ـ چنانکه در ابتدای جنگ جهانی دوم بسر امپریالیزم انگلیس آمد و مجبور شد سرکردگی را به آمریکا واگذار کند ـ در رقابت با امپریالیستهای تازه نفس ژاپن و آلمان بکار گرفته می شود. جنگ خلیج فارس به طور مثال در به پیش بردن این سیاست ـ کنترل منابع نفتی از طرف آمریکا فروش کالای جنگ به رقبا ـ در جهت تخریب سرمایه ثابت که همواره سرمایه داری در دوران های بحرانی بدان متوسل شده، رخ داد. مأموریت "احیای امید" در سومالی و جنگ یوگسلاوی نیز جنگ هایی هستند که برخلاف جنگ های سنتی و قراردادی به قول آن ترانهٔ گیلانی "نه تی خانه، نه می خانه"، در خانه شخص ثالث به خاطر حل تضادهای درونی سرمایه داری انحصاری فراملیتی صورت می گیرد و در این رابطه است که بنیادگرائی اسلامی مکمل تئوری بنیادگرائی رزمی کمپلکس های نظامی ـ صنعتی در آمریکا و تئوری نژاد پرستی مدرن اروپائی ـ که برخلاف سابق نه به جوانب بیولوژیکی بلکه به جنبه های فرهنگی تکیه دارد می باشد و در سایهٔ این عقد و تثلیث پارادوکسی است که متاسفانه از این پس شاهد جنگ های میان سرمایه داری انحصاری فراملیتی بر مبناهای مختلف و سرکوب کردن متحدانهٔ دشمنان آنها به مثابهٔ مبارزه با بنیاد گرائی در کشورهای در حال رشد مسلمان نشین خواهیم شد.

در خاتمه ـ نوربرتو بوبیو حق دارد بگوید که دموکراسی هزینهٔ خود را دارد و به نظر من مادامیکه کشورهای در حال رشد در حال تامین هزینه دموکراسی در کشورهای "دموکراسی واقعاً موجود" هستند، فرصت و رخصتی برای تامین دموکراسی در کشور خود نخواهند داشت و ما نیز حق داریم بپرسیم دموکراسی خرجش را کی و برای کی می پردازد.

"نان و شعر" در...

ادامه از صفحه ۶

در مجموع فیلم از نظر فیلمنامه، بازیگران، تکنیک سینمایی و فیلمبرداری در سطح نسبتا خوبی قرار دارد، بویژه اینکه تمام بازیگران فیلم آماتور هستند و برخی مانند خانم پروین دخت یزدانیان (مادر آقای پوراحمد) برای اولین بار است که در فیلمی بازی کرده اند. ضعف بزرگ فیلم در این است که کارگردان نمی تواند هیجان لازم را به فیلم بدهد، بویژه وقتی پای فیلم کودکان در میان باشد، کسل کنندگی فیلم تا حد زیادی آزار دهنده است. کارگردان در پایان آخرین نمایش فیلم در برلین، ضمن حضور در سالن نمایش به سئوالات تماشاگران پاسخ گفت. وی در پاسخ به اشکال بالا که بویژه از سوی کودکان طرح شد توضیح داد که من اصرار ندارم فیلم کودکان بسازم، من موضوع را انتخاب می کنم و فیلم را می سازم، اما در همین فیلم بچه ها نشان دادند که با فیلم می توانند رابطه برقرار کنند. وی گفت که من از کتاب "قصه های مجید" داستانی را انتخاب کردم که بخشی مربوط به نوجوانی خودم است و در حقیقت بیان نوستالژی من می باشد.

تذکر ضرور

۱- مقالات درج شده در صفحات "دیدگاهها" بیانگر نظریات نویسندگان آنهاست که برای اطلاع خوانندگان نشریه از دیدگاههای مختلف درج می شود و موضع "کار" بحساب نمی آید.
۲- هیئت تحریریه "کار" از نویسندگان مقالات برای صفحات "دیدگاهها" درخواست می کند که مطلب خود را بگونه ای تنظیم کنند که حجم آن بیش از یک صفحه نشریه کار نباشد.
۳- نشریه کار در خلاصه کردن مقالات و نامه های دریافتی مجاز است.

شادباش نوروزی

نوروز، آغاز رویش و نوزایی دوباره طبیعت، هنگامه جوانی جهان و موسم احیای مهرها و دوستی‌ها، فرصتی است که خوانندگان نشریه را درودی دوباره بگوییم و برای همه آنها سالی توام با شادکامی و بهروزی آرزو کنیم.

نامه‌ها، پیامها و محبتهای شما دوستان و یاران نشریه به مناسبت آغاز سال نو برای ما مایه دلگرمی است. متاسفانه تراکم مطالب و حجم کم صفحات نشریه مانع از آن است که به تک تک این پیامها پاسخ دهیم.

امید آن که در سال نو، ارتباط فعالتری با خوانندگان خود داشته باشیم، از پیشنهادات، تذکرات و انتقادات آنها بیش از پیش بهره‌مند شویم و در انعکاس نامه‌های رسیده توفیق بیشتری یابیم. با سپاس مجدد از مهر و یاریتان و تبریک دوباره سال نو.

سوء تفاهم‌هایی که گران تمام می‌شوند

آقای بیژن-س. در آغاز نامهٔ خود ضمن اشاره به مقاله‌ای با نام "توافقنامه فلسطین و اسرائیل و تایید آن در ایران" از آقای ماشاءالله رزمی (کار شمارهٔ ۷۵)، این جمله از سخنرانی ایشان را مورد توجه قرار داده‌اند که می‌گوید: "با آغاز حل مسئلهٔ فلسطین، مسئلهٔ کرد به عمده‌ترین مسئلهٔ ملی در خاورمیانه تبدیل می‌شود. تا به امروز مسائل خاورمیانه حول مسئلهٔ فلسطین طرح می‌شد و از حالا به بعد توجه به مسئلهٔ کرد جدی‌تر خواهد شد. شعار خودمختاری حساسیت بیشتری برخواهد انگیخت زیرا آشکارا می‌بینیم که خودمختاری برای فلسطینی‌ها گام اول استقلال ملی و تشکیل دولت است. من امیدوارم که مسئلهٔ کردهای ایران نیز مانند فلسطین از طریق سیاسی حل بشود."!

و سپس پرسش‌های زیر را مطرح کرده‌اند:

۱-آیا ایشان حقیقتاً مسئلهٔ کردهای ایران و اصولاً مسئلهٔ کردستان را به موازات مسئلهٔ فلسطین دانسته؟ اگر چنین باشد باید این طور بپنداریم که ایران برای کردها یعنی اسرائیل برای فلسطینی‌ها؟ آیا دیدگاه نویسنده چنین است که کردستان سرزمین اشغالی ایران است؟

۲-آیا ماهیت مبارزهٔ فلسطینی‌ها برای رهایی از یوغ اشغالگران اسرائیلی و درگیری نیروهای تجزیه‌طلب کرد (که با مبارزین خواهان خودمختاری کاملاً متفاوت می‌باشند)، با نیروهای نظامی ایران از یک نوع می‌باشد؟

۳-آیا اظهار امیدواری نویسنده به اینکه مسئلهٔ "کردهای ایران" به همان "طریق سیاسی" حل شود که مسئلهٔ فلسطین، یعنی اینکه ایشان امیدوار می‌باشند که "خودمختاری برای کردهای ایران، گام اول باشد برای استقلال ملی و تشکیل دولت"؟!

۴-و اگر چنین است آرزوی آقای رزمی، آیا یک عقیده و خواستهٔ شخصی می‌باشد یا ایشان به عنوان یکی از اعضاء سازمان فدائیان خلق ایران-اکثریت، بیانگر خواست و موضع سازمان می‌باشند؟

من از شما تقاضا می‌کنم با توضیحی در شمارهٔ آتی نشریهٔ کار، من و عده‌ای دیگر از دوستان را که گرفتار همین ابهام و نگرانی می‌باشند روشن فرمائید. تا موضع رومی‌روم یا زنگی‌زنگ نویسنده یا سازمان مشخص گردد.

در پایان ذکر دو نکته را ضروری می‌دانم. اولاً غرض از این نامه هیچ چیز غیر از آنچه قبلاً عرض کردم نیست و بنده هیچ وابستگی فکری و فیزیکی به هیچ دسته و سازمان و گروهی ندارم ولی مثل هر ایرانی در رابطه با تمامیت ارضی ایران حساس می‌باشم. دوماً فکر می‌کنم در دورانی که درد مشترک همهٔ ما ایرانیان عدم حضور آزادی و دموکراسی در مملکتمان می‌باشد و در دورانی که قدرت‌های بزرگ خصوصاً آمریکا سیاست تجزیه و جدایی بعضی از کشورها از جمله ایران را در دراز، یا میان مدت پی‌گیری می‌نمایند و با حساسیتی که در این زمینه در ایران و در بین تمام اقشار جامعه وجود داشته و دارد، فکر می‌کنم حتی در انتخاب یک جمله و یا یک کلمه در رابطه با تمامیت ارضی ایران باید توجه بیشتر و احساس مسئولیت بیشتری داشته باشیم تا جایی برای ابهام نماند، خصوصاً وقتی که نشریه ارگان رسمی سازمانی سیاسی باشد که دفاع از ایران و حقوق ایران را اولین وظیفه خود می‌داند و البته شما خودتان خیلی خوب می‌دانید که در عالم سیاست بعضی سوء تفاهم‌ها خیلی گران تمام می‌شوند.

با آرزوی موفقیت شما بیژن-س.

کار: به اطلاع این خوانندهٔ عزیز می‌رسانیم، همانگونه که تا کنون بارها تاکید کرده‌ایم، مقالاتی که به اسم اشخاص در نشریهٔ کار درج می‌شود. صرف نظر از موافقت یا مخالفت هیئت تحریریهٔ کار با آن، بیانگر نظر شخصی نویسنده آن است. مواضع سازمان ما قبل از همه در کنگره‌های آن و هم چنین اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های شورای مرکزی منعکس می‌شود. در زمینهٔ مورد نظر برای اطلاع از نظرات سازمان ما این خوانندهٔ عزیز می‌توانند به اسناد سومین کنگره مندرج در کار شمارهٔ ۶۵ مراجعه کنند.

تذکر دوستانه!

در روزنامهٔ کار شمارهٔ ۷۵ چهارشنبه ۲۲ دیماه ۷۲ یا ۱۲ ژانویه ۹۴، خبری مبنی بر دستگیری دو جاسوس رژیم در سوئد چاپ شده است؛ و در این خبر هر دو نام یعنی جمشید عابدی لاهرودی و خانم سیمین قربانی درج شده‌اند، با توجه به اینکه در تاریخ چاپ نشریه هنوز دادگاه این خانم تشکیل نشده بود و ایشان فقط یک متهم بوده‌اند شما نمی‌بایستی بنا به سنت دموکراسی نام ایشان را چاپ می‌کردید، همینطوریکه تا تاریخ ۲۶ ژانویه که دادگاه حکم بر ۱۵ سال زندان برای این خانم صادر کرد هیچ یک از جراید و رادیوهای محلی اسمی از وی نبردند.

هرچند این نکتهٔ کوچکی به نظر می‌رسد ولی فرهنگ دموکراسی را ما از همین نکات ریز بایستی یاد بگیریم.

با تقدیم احترام-پرویز از سوئد
۳ بهمن ماه ۱۳۷۲

کار: تذکر این خوانندهٔ عزیز، هرچند مسئولانه است و هرچند در مواردی می‌تواند صحیح باشد، اما یک نتیجه گیری عمومی از آن نادرست است. در برخی موارد اسامی متهمینی که بازداشت می‌شوند، اعلام می‌شود و باید بشود. از جمله در مورد متهمین سیاسی (و این همواره یکی از خواست‌های ما بوده است) از جمله در مورد کسانی که برای قضاوت پیرامون جرم آنان احتیاج به اطلاعات گسترده‌تر می‌باشد و از جمله کسانی که جامعه به دلایل مختلف باید از بازداشت آنان مطلع شود. عدم افشای اسامی متهمین، بیشتر به دلیل ملاحظات امنیتی صورت می‌گیرد.

اما تذکر این خوانندهٔ عزیز را در مورد خاصی که بدان اشاره کرده‌اند، می‌پذیریم. اعلام نام خانم قربانی در نشریهٔ کار قبل از رای دادگاه، ضرورتی نداشت و می‌توانست بعدتر صورت گیرد.

تکرار تراژدی به صورت کمدی

سئوال: اگر حکومت اسلامی در الجزایر پیاده کنید، چه برنامه‌ای برای آن دارید؟

جواب: حکومت فعلی قبرستانها را آباد کرد و شهرها را ویران، ما میخواهیم شهرها را آباد کنیم و قبرستانها را ویران. (خنده حضار)

س-اقتصاد الجزایر وابسته به توریست است، در این زمینه چه برنامه‌ای دارید؟

ج-ما که برای خربزه انقلاب نمی‌کنیم. اقتصاد مال خر است. (خنده حضار)

س-راجع به سلمان رشدی چه نظری دارید؟

ج-ما نظرمان را بعد از استقرار رژیم اسلامی در الجزایر به خدمت ایشان خواهیم رساند. (خنده حضار)

س-می‌گویند انقلاب اسلامی ایران شکست خورد و به اهدافش نرسید. نظر شما چیست؟

ج-هدف برقراری جمهوری اسلامی، نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد بود که به حمدالله رسید.

س-چه فرقی بین رژیم اسلامی در ایران و حکومت آینده شما خواهد بود؟

ج-آنها بعد از پیروزی به خدمت روشنفکران رسیدند ولی ما پیشاپیش این کار را می‌کنیم تا بعداً خدای نخواسته مشکلی پیش نیاید. (خنده حضار)

س-آیا انتقادی به رژیم ایران دارید؟

ج-بله! چرا پستهایی مثل نخست وزیر و رئیس جمهور بوجود آوردند که حالا برای حذفش با مشکل مواجه شوند. آیا همان رهبر و ولایت فقیه کافی نبود؟ (خنده حضار)

س-آیا شما ارتباط مالی با رژیم ایران دارید؟

ج-قبلا آنها به ما کمک مالی می‌کردند ولی فعلا وضعشان خوب نیست و ما به آنها کمک مالی میدهیم. (خنده حضار)

س-آیا زنان در رژیم آینده شما آزاد خواهند بود؟

ج-زنان به همان اندازه آزاد خواهند بود که مردان.

س-مردان چقدر آزاد خواهند بود؟

ج-مردان به همان اندازه آزاد خواهند بود که زنان. (خنده حضار)

س-در مورد اسرائیل چه نظری دارید؟

ج-در آنجا باید حکومت اسلامی برپا شود.

خبرنگار: توجه دارید که آنها مسلمان نیستند!

ج-ما به هر حال حقوق "اقلیتهای مذهبی را رعایت خواهیم کرد ولی برای خودشان بهتر است که از خر شیطان پائین بیایند و مسلمان شوند. (خنده حضار)

س-راجع به کشور و مردم الجزایر چه احساسی دارید؟

ج-هیچ احساسی. (خنده حضار)

"تبعیدی"

پاسخ به نامه‌ها

● همکار گرامی، فرهاد از بلیز. "کار" قیام سرخ پوستان مکزیک را به موقع خود مورد توجه قرار داد و گزارش هایی را در مورد آن به چاپ رساند. نکات مندرج در مقالهٔ ارسالی شما در این گزارش ها منعکس شده است. از همکاری مسئولانهٔ شما در این مورد تشکر می‌کنیم.

● دوستان عزیز کمیتهٔ همبستگی در هامبورگ. گزارش شما را از سمینار هامبورگ تحت نام "اهداف و نتایج سمینار مسئلهٔ ملی و مفهوم تمامیت ارضی در ایران" دریافت کردیم. "کار" بدلیل انعکاس به موقع این سمینار، گزارش مشروح آن را که نکات مشترک زیادی با گزارش شما داشت در نخستین شماره پس از برگزاری آن منتشر نمود. از تلاش شما برای تهیه و ارسال گزارش سپاسگزاریم.

● دوست عزیز داریوش از نیویورک. ما از دریافت اخبار مربوط به فعالیت های فرهنگی، هنری، سیاسی و اجتماعی ایرانیان در نقاط مختلف جهان از سوی خوانندگان و همکارانمان استقبال می‌کنیم. کوشش ما بر این خواهد بود، که اخبار اینگونه فعالیت ها بسته به اهمیت آن در صفحات "کار" درج شود. اما متاسفانه استفاده از خبر ارسالی شما به موقع امکان پذیر نشد.

● دوست ارجمند آقای حسن کیانزاد، از آلمان. با سلام متقابل. نوشتار شما تحت عنوان "گفته ها و ناگفته ها" به دست ما رسید. از آنجا که این نوشتار، هرچند بطور ناقص، در نشریهٔ دیگری به چاپ رسیده و سپس در یک نشریهٔ دیگر تجدید چاپ شده است، لذا انتشار آن از سوی ما بلاموضوع است. پیروز باشید.

● دوست گرامی، جمشید. آدرس مکاتباتی که خواسته بودید به قرار زیر است:

Postfach45
54574Birresborn
Germany

مقالات و نامه‌های رسیده

*علی از هامبورگ: گزارش یک سخنرانی، داستانخوانی هوشنگ گلشیری، گزارش خبری.
*رامین ارجمند: یک شعر بی‌نام.
*بچه مفت آباد: خودکفایی اسلامی، وارد سیاست نشو، یک مکالمه تلفنی
*سیاوش (اکبر). نقدی بر مصاحبه های ۱۹ بهمن و یک شعر.
*شیرین از برلین
*اشکان آویش
*کاوه-انگلستان-نظمی نوین در ساختاری کهن و سومالی
*کیخسرو مهرآئین: رابطه چپ با سازمان مجاهدین را باید نوسازی کرد.
*ع-ص: ماجرای یک خبربد
*حمید تبریزی: روابط حاکم بر کار در غول صنعت جهان-ژاپن، مدارس و نظام ایدئولوژیک-نامه هایی از ایران.
*جنوب آمریکا: مقاله‌ای در مورد پیمان نفتا و خواندن فکریلتسین.
*ا-برادری: گذشته چراغ راه گذشته است، انسان و جامعه "این-آن".

"کار" از همکاری همه ی دوستان و رفقا سپاسگزار است.

کمک‌های مالی

لاله و سپیده	۳۰۰ کرون
بابک	۲۰۰ کرون
ن. شهره	۳۰۰ کرون
هرمز	۱۰۰ کرون
شراره	۲۰۰ کرون
هـ ر.	۵۰ کرون
سورن	۱۰۰ کرون
آرش	۵۰ کرون
س. رنجبر	۵۰۰ کرون
اشکان از هلند	۲۵ گیلدن

توضیح: در شماره ۷۶ "کار" مبلغ ۱۰۰۰ کرون دریافتی از نروژ، به نام واحد تشکیلاتی این سازمان به منظور کمک به "کار" درج شده بود که نادرست است. مبلغ ۲۰۰ کرون از این مقدار مربوط به آبونمان نشریه و ۸۰۰ کرون دیگر کمک مالی رفیق صادق از نروژ به خانواده شهدای سازمان بوده است که ضمن پوزش، بدینوسیله تصحیح می‌شود.

"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هر دو هفته یکبار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.

حساب بانکی: M.ABD
NR_35263011
کد بانک: 37050198
Stadtsparkasse Köln
GERMANY

آدرس: RUZBEH
POSTFACH 1810
52020 AACHEN
GERMANY

شماره فکس: Fax: 0049 _ 221 _ 3318290

بهای اشتراک "کار"

اروپا:
ششماه ــــ ۴۵ مارک
یکسال ــــ ۹۰ مارک
سایر کشورها:
ششماه ــــ ۵۲ مارک
یکسال ــــ ۱۰۴ مارک

فرم درخواست اشتراک "کار"

اشتراک جدید ☐ تمدید اشتراک ☐

مدت اشتراک: شش ماه ☐ یکسال ☐

نام: .... تاریخ: ....

آدرس:

Name : ______________________

Address: ______________________

____

____

فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس "کار" پست نمائید.

نخستین انتخابات پارلمان ایتالیا پس از فروپاشی "جمهوری رشوه"

در روزهای یکشنبه هفتم و دوشنبه هشتم فروردین، نخستین انتخابات پارلمان ایتالیا پس از فروپاشی نظام چهل ساله احزاب حاکم در این کشور، برگزار شد. تا هنگام زیر چاپ رفتن این شماره نشریه، نتایج این انتخابات اعلام نشده بود. در شماره آینده کار، در این باره گزارشی خواهیم داشت.

انتخابات ایتالیا از آن حیث حائز اهمیت است که در شرایط صف آرایی جدید سیاسی پس از رسوایی "جمهوری رشوه" و شکست های اضمحلال گونه احزاب سنتی راست و میانه در انتخابات شهرداری ها صورت می گیرد. حزب دمکرات مسیحی ایتالیا که بیش از چهل سال بدون وقفه مهمترین حزب تشکیل دهنده دولت رم بود، به "حزب مردم" تغییر نام داده است. بسیاری از سیاستمداران سرشناس این حزب مانند چیریاکو دمیتا نخست وزیر اسبق، به علت جریان داشتن تحقیقات قضایی علیه آنها به اتهام فساد، در لیست انتخاباتی "حزب مردم" غایبند. با این حال، پیش بینی می شود برخی از چهره های رسوا شده، در پارلمان جدید کماکان حضور داشته باشند.

قانون جدید انتخابات در ایتالیا، این انتظار را که انتخابات هفتم و هشتم فروردین، به تحولی تاریخی در این کشور بیانجامد، تضعیف کرده است. از آنجا که ۷۵ درصد اعضای مجلس نمایندگان و سنا طبق قانون انتخابات مصوب تابستان سال گذشته از طریق کسب اکثریت در حوزه نمایندگی خود انتخاب می شوند، و از آنجا که بسیاری از سیاستمداران فاسد گذشته، در حوزه انتخاباتی خود هنوز نفوذ دارند، این عده نیازی به احزاب سابق برای کسب رأی نخواهند داشت. در سطح محلی، چهره های کهنه در هیأت لیست های جدیدی که صرفاً برای به مجلس فرستادن یک نفر تشکیل می شوند، دیده می شوند. این لیست ها با نام هایی مانند "جنبش دمکراتیک"، "حزب رفرم دمکراتیک" و "جنبش عدالت"، بدون ارائه برنامه به عرصه انتخابات قدم گذاشته اند. شمار عنوان های جدید آنقدر زیاد است که ممکن است بسیاری از مردم نتوانند آنها را از یکدیگر تمیز دهند.

در حال حاضر در ایتالیا سه قطب سیاسی عمده شکل گرفته است. جبهه ترقیخواه، از حزب چپ دمکراتیک به رهبری آکیله اوکتو، جنبش ضد مافیایی لئولوکا اورلاندو، ائتلاف دمکراتیک، سبزها و حزب "تجدید سازمان کمونیستی" تشکیل شده است. در سمت راست طیف سیاسی، سیلویو برلوسکونی از صاحبان عمده رسانه های گروهی ایتالیا با سازمان موسوم به "نیروی ایتالیا"ی خود، بیش از همه طرفدار دارد. سایر احزاب دست راستی عبارتند از "اتحادیه شمال" به رهبری اومبرتو بوسی و "اتحاد ملی" (نئوفاشیستها) به رهبری جیانفرانکوفینی. نیروهای عمده جناح میانه، عبارتند از "پیمان برای ایتالیا" به رهبری ماریو سه نی و "حزب مردم" (دمکرات مسیحی سابق) به رهبری مینو مارتینا تسولی.

بعید به نظر می رسد که یکی از این سه جناح، بتواند در پارلمان آینده ایتالیا اکثریت کرسی ها را به خود اختصاص دهد. برخی از ناظران، آینده بی ثباتی را برای این کشور پیش بینی می کنند.

آیا کلینتون در گرداب "وایت واتر" غرق خواهد شد؟

ماجرای وایت واتر به ۱۹۷۸ برمی گردد. در آن هنگام، جیمز مک دوگال از آشنایان ثروتمند کلینتون و همسرش در آرکانزاس، به آنها پیشنهاد کرد که در شرکتی به نام "شرکت توسعه وایت واتر" سهیم شوند. این شرکت می خواست با خریدن زمینی به وسعت حدود صد هکتار در کنار رودخانه وایت ریور آرکانزاس و تقسیم این زمین به ۴۴ قطعه برای احداث خانه های ویلایی، سود سرشاری ببرد. هنوز معلوم نیست که کلینتون و همسرش در آغاز تأسیس شرکت وایت واتر، چه مقدار از پول خود در آن سرمایه گذاری کردند. قیمت خرید ملک وایت واتر ۲۰۳ هزار دلار بود و قرار بود سهم خانواده کلینتون از آن، ۵۰ درصد باشد، در حالی که به گفته مک دوگال، کلینتون و همسرش تنها ۱۳ هزار دلار در این معامله سرمایه گذاشتند. صرف همین عدم تناسب، می تواند ظن ارتشاء را تقویت کند.

در سال ۱۹۸۱، هیلاری کلینتون (همسر رئیس جمهور) به کمک مکدوگال یک وام ۳۰ هزار دلاری دریافت کرد و با آن، یک خانه نمونه در یکی از قطعات وایت واتر ساخت. امروز پرونده مالیاتی این مورد، در پرده ابهام است.

یک سال بعد، مک دوگال اقدام به خرید یک بانک کوچک محلی کرد. از آنجا که دولت ریگان مقررات سخت گیرانه شامل صندوق های پس انداز کوچک را سهل تر کرد، مک دوگال توانست حجم اعتبارات بانک خود را به میزان زیادی افزایش دهد. در حالی که هیأت نظارت بر بانکهای آرکانزاس در سال ۱۹۸۳ کلینتون را از موقعیت متزلزل معاملات بانک دوستش آگاه کرد، فرماندار به حمایت از مک دوگال ادامه داد و حتی در سال ۱۹۸۴ از او خواست به کارزار انتخاباتی دمکراتها کمک مالی کند. در چهارم آوریل ۱۹۸۴، مک دوگال افراد سرشناس را به یک میهمانی دعوت کرد که در آن، ۳۵ هزار دلار به نفع مبارزه انتخاباتی کلینتون جمع آوری شد. نکته مشکوک این است که برخی از کسانی که نام آنها روی چک ها نوشته شده است، امروز مدعی اند که هرگز چنین پولی نپرداخته اند. اکنون این ظن ابراز می شود که دمکرات های آرکانزاس، بانک مک دوگال را که در آستانه ورشکستگی بود، برای تأمین مخارج مبارزات انتخاباتی خود غارت کرده اند.



سنای آمریکا به اتفاق آرا تصمیم گرفت هیأت تحقیق ویژه ای برای بررسی ماجرای "وایت واتر" تشکیل دهد. وایت واتر نام شرکت مستغلاتی است که در اواخر دهه هفتاد میلادی در ایالت آرکانزاس تشکیل شد و بیل کلینتون رئیس جمهور فعلی که در آن زمان، فرماندار آرکانزاس بود، به اتفاق همسرش در آن سهم داشت. اکنون گفته می شود که شرکت وایت واتر به طور غیر قانونی از کمکهای دولتی سود برده است. ماجرای وایت واتر در هفته های اخیر آنقدر بالا گرفته است که در آمریکا حتی از یک "واترگیت" جدید سخن می رود.

نکته مهم در اینجاست که تا قبل از ورشکستگی بانک مک دوگال، دفتر وکالتی که هیلاری کلینتون در آن سهم دارد، نمایندگی این بانک را بر عهده داشت، و همین دفتر وکالت، پس از ورشکستگی این بانک از سوی دولت ایالتی مأمور شد طلب دولت از صاحبان بانک را بگیرد. وکلای دولت ایالتی آرکانزاس، یعنی شرکای هیلاری کلینتون، در مطالبات دولت از صاحبان بانک، و از جمله مک دوگال، تخفیف بسیار دادند و صندوق دولت ناچار شد تنها به پس گرفتن بخش کوچکی از طلب خود رضایت دهد.

دخالت هیلاری کلینتون در این ماجرا تا حدی سوء ظن برانگیز است که حتی یکی از کارکنان کاخ سفید معتقد است گزارشی که رابرت فیسکی، دادستان ویژه مأمور رسیدگی به پرونده وایت واتر، تهیه خواهد کرد، در هر حال نقش همسر کلینتون را "منفی" ارزیابی خواهد نمود. این منبع کاخ سفید می گوید اکنون تنها مسئله این است که ارزیابی از نقش هیلاری کلینتون، "تا چه حد منفی" باشد. نکته مهم این است که هیلاری کلینتون، تنها فرد از نزدیکان همسرش است که رئیس جمهور نخواهد توانست برای ماندن در کاخ سفید، او را قربانی کند.

ادامه از صفحه ۱۲

انتخابات السالوادور: پایان ۱۵ سال جنگ داخلی؟

بود، دلیلی بر این امر است. با روند صلح، به تدریج زمینه های تفاهم ایجاد می شود. اما برای آنکه این روند، به شکل گیری یک جناح میانه بیانجامد، قطعاً باید ده، پانزده سال دیگر بگذرد. مسئله این است که به این تفاهم اجتماعی کمک کنیم یا به گذشته باز گردیم، با همه عواقبی که چنین سیاستی در بر خواهد داشت."

حدود ۳۰۰ هزار تن از ۲/۷ میلیون نفر افراد بالای ۱۸ سال که حق رأی داشتند، به علت نارسایی های بوروکراتیک از دریافت کارت هویت انتخاباتی که تنها سند پذیرفته شده برای شرکت در رأی گیری بود، محروم ماندند. رئیس "جمعیت صلح و دمکراسی السالوادور" که هدف خود را ترغیب مردم به شرکت در ثبت نام برای انتخابات از طریق مراجعه به خانه ها، تشکیل مجامع و پخش اعلامیه قرار داده بود، ارگان های دولتی را متهم کرده است که در عدم صدور به موقع صدها هزار کارت انتخاباتی، تعمد داشته اند. بسیاری از مردم، سه یا چهار بار برای گرفتن کارت خود به نهادهای مربوطه مراجعه کردند، بدون اینکه کارت خود را دریافت کنند. بسیاری از واجدین شرایط، نمی دانستند که باید برای ثبت نام، فتوکپی گواهی ولادت خود را نیز ضمیمه تقاضای خود کنند، که البته بر آوردن همین شرط، برای ساکنان مناطق روستایی بسیار دشوار بود. تصادفی نبود که اکثر مردمی که به عللی از این دست، از رأی دادن محروم شدند، در مناطقی زندگی می کنند که مراکز جنگ داخلی محسوب می شد، و در آنها اف. ام. ال. ان. نفوذ زیادی دارد.

پالاسیوس معتقد است اجرای کامل قرارداد صلح که دو سال پیش، با میانجی گری سازمان ملل به جنگ داخلی السالوادور پایان داد، به نتیجه انتخابات بستگی دارد. وی می گوید اگر راستگرایان با اختلاف زیاد برنده شوند، احساس اطمینان خواهند کرد و نه تنها از اجرای مفاد تحقق نیافته قرارداد صلح سرباز خواهند زد، بلکه خواهند کوشید در همه عرصه ها چرخ تحولات را به عقب برگردانند. و برعکس، اگر اپوزیسیون دمکراتیک در انجمن های محلی، در پارلمان و در دولت اکثریت یابد، اطمینان به ادامه اصلاحاتی که از هنگام پایان جنگ داخلی آغاز شده است، ایجاد خواهد شد.

گزارش های رسیده حاکی است مرحله اول انتخابات ریاست جمهوری السالوادور، تکلیف عالی ترین مقام دولتی در این کشور را تعیین نکرده است. هر چند حزب راستگرای آرنا با نزدیک به ۵۰ درصد آراء انتخابات ریاست جمهوری، سایر احزاب را پشت سر گذاشت، آرماندو کالدرون سول نامزد این حزب نتوانست به اکثریت مطلق آرا دست یابد. در نتیجه، احتمالاً در روز هفتم اردیبهشت (۲۷ آوریل) مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری با رقابت بین کالدرون سول و روبن زامورا کاندیدای ائتلاف چپ برگزار خواهد شد. در انتخابات ۲۹ اسفند، زامورا به ۳۰ درصد آرا دست یافت. کاندیدای حزب دمکرات مسیحی ۱۵ درصد آرا را کسب کرد و اعلام نمود در مرحله دوم، طرفداران خود را فرا خواهد خواند که به کاندیدای ائتلاف چپ رأی دهند.

تنها ۵۵ درصد واجدین شرایط در انتخابات ۲۹ اسفند السالوادور شرکت کردند. ائتلاف چپ اعلام کرد تخلفات زیادی، صحت انتخابات را مخدوش کرده است. از جمله، بسیاری از مردم، علیرغم داشتن کارت انتخاباتی معتبر، تحت عنوان اینکه نامشان در لیست های کامپیوتری نیست، از رأی دادن محروم شدند.

علاوه بر رئیس جمهور، مردم السالوادور در انتخابات اخیر به کاندیداهای پارلمان ۸۴ نفری این کشور و نامزدهای ۲۶۲ پست شهرداری رأی دادند. در سان سالوادور پایتخت السالوادور، شهردار کماکان از حزب حاکم آرنا خواهد بود. تا هنگام تنظیم این گزارش، ترکیب قطعی پارلمان روشن نشده بود اما مسلم است که آرنا به اکثریت دو سوم کرسی های مجلس ملی که برای بسیاری از تصمیمات، ضرورت دارد، دست نخواهد یافت و ناگزیر از مذاکره با نیروهای چپ و میانه خواهد بود.

مراقبت بر صحت انتخابات را ۳۰۰۰ ناظر، که ۹۰۰ نفر از آنها از سوی سازمان ملل اعزام شده بودند، بر عهده داشتند. این ناظران گزارش دادند که انتخابات السالوادور، بدون تخلفات گسترده صورت گرفت.

هر چند ائتلاف چپ نتوانست در انتخابات پیروز شود، اما به هدف مقدم خود که جلوگیری از پیروزی آرنا در مرحله اول بود، دست یافت.

اخبار کوتاه از سراسر جهان

تنش میان کره شمالی و جنوبی و دخالت امریکا

بدنبال مراجعه سازمان بین المللی انرژی اتمی (IAEO) به سازمان ملل متحد برای اعمال فشار بر کره شمالی جهت انجام بازدید از تأسیسات اتمی این کشور، تنش ها در روابط کره جنوبی و آمریکا از یک سو و کره شمالی از سوی دیگر، بالا گرفت. کلینتون رئیس جمهور ایالات متحده دستور استقرار موشکهای ضد هوایی "پاتریوت" در کره جنوبی را داده است. واشنگتن رسماً سیاست "تشدید تدریجی فشار" بر کره شمالی را دنبال می کند. با توجه به حمایت چین، یکی از اعضای پنجگانه دارای حق وتوی شورای امنیت سازمان ملل از کره شمالی، بعید به نظر می رسد در این شورا قطعنامه ای دایر بر وضع مجازات بین المللی علیه کره شمالی به تصویب برسد.

عدم استقبال از انتخابات محلی روسیه

میزان شرکت مردم روسیه در انتخابات محلی ۲۹ اسفند این کشور به قدری نازل بود که در بسیاری از حوزه ها، این انتخابات به علت نرسیدن تعداد رأی دهندگان به حد نصاب ۲۵ درصدی لازم برای اعتبار یافتن رأی گیری، سه ماه دیگر تکرار خواهد شد. به عنوان نمونه، آناتولی سابچاک شهردار سنت پترزبورگ پس از آنکه در روز یکشنبه ۲۹ اسفند، تنها ۲۲ درصد از مردم رأی داده بودند، دستور داد که حوزه های رأی گیری در روز بعد، یعنی دوشنبه اول فروردین نیز به رأی گیری ادامه دهند. اما این تدبیر نیز کارساز نشد، و تا ظهر روز اول فروردین، مشارکت در انتخابات از ۲۲/۰۲ درصد تجاوز نکرد. گفته می شود به خصوص احزاب به اصطلاح "دمکرات" از نرفتن مردم به پای صندوق های رأی ضرر کرده اند.

تظاهرات کردهای مقیم آلمان

هزاران تن از کردهای مقیم آلمان، در اعتراض به ادامه سرکوب در کردستان ترکیه و تداوم تحویل اسلحه از سوی آلمان به ترکیه، همزمان با عید نوروز تظاهرات وسیعی برپا کردند. از جمله اقدامات کردها، مسدود کردن شاهراه های اصلی رفت و آمد بین شهری در نقاط مختلف آلمان بود که راه بندان های چند ساعته در اتوبان ها ایجاد کرد. پلیس آلمان صدها نفر از کردهای معترض را دستگیر کرد. چند نفر از تظاهر کنندگان اقدام به خودسوزی کردند که ۲ نفر از آنها درگذشتند. بدنبال اعتراضات کردها، هلموت کول صدراعظم آلمان گفت مقامات این کشور علیه اتباع خارجی مقیم آلمان سخت گیری های بیشتری معمول خواهند داشت.

حق پناهندگی در هلند نیز محدود می شود

دولت هلند تصمیم گرفت طبق سرمشق آلمان، مقررات پناهندگی این کشور را سخت گیرانه تر کند. در آینده، همه پناهجویانی که از طریق مرزهای زمینی بکوشند وارد هلند شوند، در مرزها به مبدأ حرکت خود بازگردانده خواهند شد. توجیه این سیاست جدید، این است که همسایگان هلند، کشورهای "امن"ی هستند که متقاضی پناهندگی می تواند در همانجا، یا در اولین "کشور امن" که وارد آن می شود، تقاضای پناهندگی دهد. در وزارت دادگستری هلند یک لیست از "کشورهای امن" در دست تهیه است که در هر حال، شامل همه کشورهای عضو اتحادیه اروپا یا دارای نماینده در "شورای اروپا" خواهد بود. طبق مقررات جدید، کنترل افراد در مرزهای زمینی هلند با بلژیک و آلمان تشدید خواهد شد. از آنجا که چنین کنترلی درست بر سر مرزها مغایر با روند وحدت اروپاست، هلندی ها می خواهند این کنترل را در چند کیلومتری عمق خاک خود انجام دهند.

از سرگیری جنگ در کامبوج

جنگ میان نیروهای دولتی کامبوج و خمر سرخ از سر گرفته شده است. به گزارش وزارت دفاع تایلند، حدود ۳۰۰۰۰ نفر از مردم کامبوج که اغلب آنها ساکن مناطق تحت کنترل خمر سرخ بوده اند، به تایلند پناه برده اند تا از آسیب نبرد میان خمر سرخ و ارتش کامبوج در شمال غربی این کشور در امان باشند. به دنبال برگزاری انتخابات در کامبوج زیر نظر سازمان ملل، امیدهایی به پایان دو دهه جنگ در این کشور جنوب شرقی آسیا ایجاد شده بود، اما خودداری خمر سرخ از پذیرش نتیجه انتخابات که به پیروزی سیهانوک و طرفدارانش انجامید، این امیدها را از میان برد.

الجزایر: تظاهرات علیه بنیادگرائی

روز سه شنبه دوم فروردین ده ها هزار نفر در الجزایر علیه تروریست های بنیادگرا و نقشه افراطیون اسلامی برای برپایی یک حکومت اسلامی در این کشور دست به تظاهرات زدند. دعوت به تظاهرات از سوی سازمان های زنان، اتحادیه های کارگری و اتحادیه های کارفرمایان صورت گرفت. تنها در میتینگ مرکزی که در الجزیره پایتخت الجزایر برگزار شد، ۵۰ هزار نفر شرکت کردند. به گزارش اتحادیه سندیکاهای الجزایر ۸۵ درصد از شاغلان در اعتراض به بنیادگرایان دست از کار کشیدند.

تظاهرات گسترده جوانان فرانسوی

تصویب قانون جدیدی در فرانسه که به موجب آن، استخدام جوانان زیر ۲۵ سال تنها با هشتاد درصد حداقل دستمزد، امکان پذیر است، با تظاهرات گسترده جوانان فرانسوی علیه دولت محافظه کار بالادور همراه گردید. توجیه دولت پاریس برای تصویب این قانون، مبارزه با بیکاری جوانان است. تظاهرات علیه قانون جدید، در بسیاری از شهرهای فرانسه به خشونت گرایید.

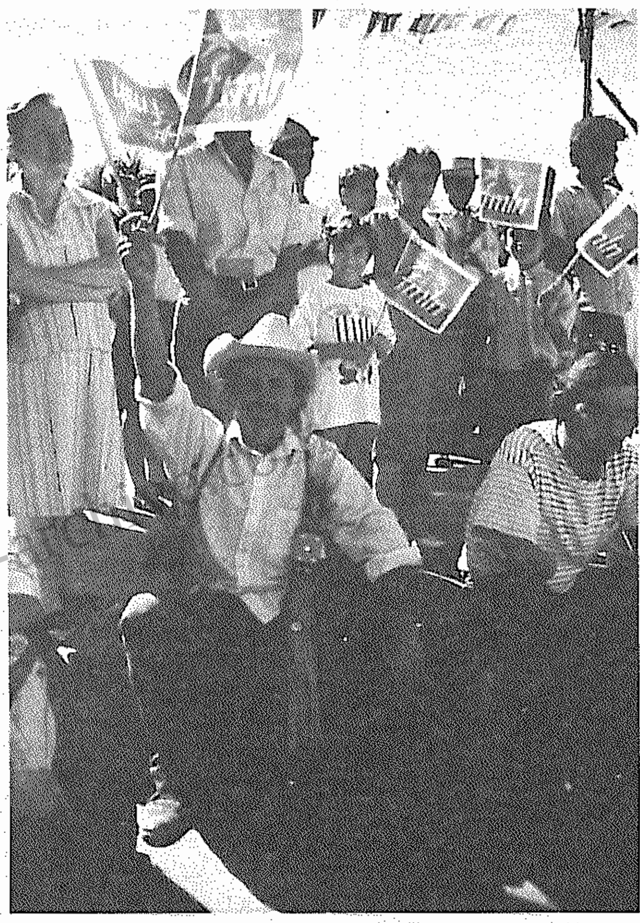
کار

چهارشنبه ۱۰ فروردین ۱۳۷۳ - ۳۰مارس ۱۹۹۴ - دوره سوم - شماره ۸۰

انتخابات السالوادور: پایان ۱۵ سال جنگ داخلی؟

روز یکشنبه ۲۹ اسفند، السالوادور برای نخستین بار پس از ۱۵ سال جنگ داخلی، شاهد برگزاری انتخاباتی با شرکت همه نیروهای سیاسی، از جمله نیروهای چپ که در طول دهه هشتاد میلادی عمدتاً در "جبهه رهایی‌بخش ملی فارابوندو مارتی" (اف. ام. ال. ان.) متحد شده، علیه حکومت این کشور آمریکای مرکزی مبارزه مسلحانه را پیش می‌بردند، برگزار شد. برگزاری این انتخابات و شرکت اف. ام. ال. ان. درآن، این امید را به وجود آورده است که جنگ و خونریزی در السالوادور، جای خود را به مبارزه مسالمت آمیز سیاسی و پارلمانی بدهد.

در این انتخابات، کاندیدای اف. ام. ال. ان. و جریان سوسیال دمکراتیک ام. ان. ار. برای ریاست جمهوری السالوادور، روبن زامورا بود. زامورا تا اواخر دهه هفتاد میلادی عضو حزب دمکرات مسیحی السالوادور بود، و هنگامی که خوزه ناپلئون دوارته رئیس جمهور دمکرات مسیحی وقت، برای حفظ قدرت خود در یک دوره از سرکوب شدید نیروهای چپ با نظامیان السالوادور همدست شد، زامورا به اپوزیسیون چپ پیوست و تا اواخر دوره جنگ داخلی السالوادور درخارج از این کشور در تبعید به سر می‌برد. نامزد حزب حاکم دست راستی "آرنا" برای احراز مقام ریاست جمهوری، آرماند و کالدرون سول، شهردار سان سالوادور پایتخت السالوادور بود. نظرخواهی‌های پیش از انتخابات، نشان می‌داد که "آرنا" با فاصله‌ای قابل توجه، اما رو به کاهش، پرنفوذ ترین نیروی سیاسی السالوادور است. این حزب برای آنکه در انتخابات پیروز شود و در همان مرحله اول، کاندیدای خود را با احراز اکثریت مطلق، به ریاست جمهوری برساند، به فعالیت گسترده‌ای دست زد. به عنوان نمونه، آرنا در سراسر سان سالوادور اعلامیه‌هایی پخش کرد که روبن زامورا، کاندیدای اپوزیسیون چپ را در حال دست دادن با فیدل کاسترو رهبر کوبا نشان می‌داد. در این اعلامیه آمده بود: "روبن زامورا درحال گرفتن دستورات از رئیس خود". در میتینگ پایانی آرنا در سان سالوادور، که روز شنبه ۲۱ اسفند برگزار شد، عوامل این حزب زدوخوردی را ترتیب دادند که بلافاصله به "اوباش اف. ام. ال. ان. "نسبت داده شد. فقط دو ساعت پس از این حادثه، آرنا یک فیلم تبلیغی تلویزیونی را پخش کرد که در آن، اف. ام. ال. ان. مسئول حوادث قهرآمیز ۲۰ سال اخیر در السالوادور معرفی شده است.



طرفداران اف. ام. ال. ان. در یکی از میتینگ‌های انتخاباتی

اما واقعیت این است که خود حزب آرنا، سوابق سیاهی در جنگ داخلی دارد. طرفداران این حزب طی سال‌های جنگ داخلی تحت پوشش گروه‌های موسوم به "جوخه‌های مرگ"، جنایات زیادی علیه مردم و نیروهای دمکرات مرتکب شدند. از جمله، اسکار رومرو اسقف سان سالوادور در سال ۱۹۸۰ توسط یکی از این گروه‌ها به قتل رسید. "جوخه‌های مرگ" تا امروز نیز موجودیت خود را حفظ کرده‌اند. در حالی که اف. ام. ال. ان. سلاح های خود را به زمین گذاشته و به فعالیت‌های مسالمت آمیز سیاسی روی آورده است، نیروهای راستگرا به جنایات خود ادامه می‌دهند. در ماه‌های اخیر، حدود ۴۰ نفر از رهبران سابق چریکهای اف. ام. ال. ان. توسط "افراد ناشناس" به قتل رسیده‌اند.

در مقابل، روبن زامورا کاندیدای چپ در مبارزه انتخاباتی خود از حملات شخصی به رقبای خود اجتناب کرد و کوشید نظر موافق آنهایی را نیز که مایل به انتخاب اف. ام. ال. ان. ، سازمان چریکی سابق، نیستند، جلب کند. زامورا در کارزار انتخاباتی خود مواضعی از این قبیل می‌گرفت: "من برای همه مردم السالوادور حکومت خواهم کرد، اما توجه خاصی به فقیرترین و محروم ترین آنها خواهم داشت." نظرسنجی‌های پیش از انتخابات نشان می‌داد که اف. ام. ال. ان. ، جای حزب دمکرات مسیحی را به عنوان دومین نیروی سیاسی السالوادور گرفته است. حزب دمکرات مسیحی، تا پنج سال پیش در السالوادور حکومت می‌کرد و سپس جای خود را به "آرنا" داد. در آستانه انتخابات اخیر، پیش بینی می‌شد که دمکرات مسیحی‌ها تنها بین ده تا دوازده درصد آراء را به دست خواهند آورد. علل این سقوط را باید در انشعاب های متعدد در این حزب و نیز به ویژه در شهرت سیاستمداران دمکرات مسیحی به فساد جستجو کرد. البته قابل ذکر است که حکومت آرنا، در فساد گوی سبقت را از دمکرات مسیحی‌ها نیز ربوده است، اما شهرت "حزب فساد" بطور سنتی با نام حزب دمکرات مسیحی گره خورده است. روبن زامورا به عنوان یکی از اعضای پیشین این حزب، برای ضعف کنونی دمکرات مسیحی‌ها علل دیگری نیز قائل است. وی می‌گوید: "در این کشور، جناح میانه‌ای به سبک ایالات متحده یا اروپا وجود ندارد. اعتدال سیاسی، پدیده‌ای است که بر یک تفاهم اصولی اجتماعی مبتنی است. این دقیقاً چیزی است که در اینجا وجود ندارد. همین واقعیت که در این کشور ۱۵ سال جنگ حاکم

ادامه در صفحه ۱۱

کارنامه ناموفق دولت چیللر در ترکیه

تنها ۹ ماه پس از روی کار آمدن دولت خانم تانسو چیللر در ترکیه، کابینه وی چنان کارنامه ناموفقی از خود ارائه داده است که گفته می‌شود اگر در انتخابات هفتم فروردین شهرداری های ترکیه، نامزدهای حزب چیللر (حزب "راه راست") به نتایج خوبی دست نیابند، صحنه گردانان این حزب به سرعت شخصیت جدیدی را برای رهبری جستجو خواهند کرد.

نخست وزیر ترکیه در مورد کردستان، طابق النعل بالنعل خواست های نظامیان را به اجرا می‌گذارد، بطوری که یکی از مقامات عالیرتبه ترکیه گفته است از بابت کودتای نظامی احتمالی جای نگرانی نیست زیرا هم اکنون نیز چیللر هرچه را ژنرال‌ها بگویند می‌پذیرد. به عنوان نمونه، دولت چیللر چندی پیش دستور لغو مصونیت هفت نماینده پارلمان را که از سوی رئیس ستاد ارتش متهم به همکاری با "حزب کارگران کردستان" (پ. کا. کا.) شده بودند، صادر کرد. این نمایندگان، در حال خروج از ساختمان پارلمان بطور موهنی از سوی تعداد زیادی مأمور پلیس دستگیر شدند. این حادثه در خارج از ترکیه انعکاس وسیعی یافت. پارلمان اروپا در یک قطعنامه، اقدام دولت ترکیه را محکوم کرد. دولت آلمان از آنکارا خواست بلافاصله در لغو ممنوعیت نماینده گان پارلمان تجدید نظر کند. به تقاضای فرانسوا میتران رئیس جمهور فرانسه، رولان دوما نخست وزیر پیشین این کشور عهده‌دار نمایندگی حقوقی دستگیرشدگان گردید. حتی دولت آمریکا، نزدیکترین متحد آنکارا، از ترکیه خواست برای پایان دادن به بحران کردستان بدنبال راه‌های غیرنظامی باشد. چنین راه حل هایی، هیچگاه مورد نظر کابینه چیللر نبوده است. در دوره زمامداری چیللر، جنگ داخلی کردستان که تا کنون ۱۱ هزار قربانی گرفته، شدت گرفته است. اینک هر روز بطور متوسط پنج الی شش نفر از سربازان ارتش ترکیه در کردستان کشته می‌شوند.

چیللر که رشته تخصصی‌اش اقتصاد است، حتی در این زمینه نیز ناموفق بوده است. اکنون اقتصاد ترکیه که در چند سال آخر ریاست جمهوری تورگوت اوزال رشد سریعی داشت، دچار رکود شده است. نرخ سالانه تورم که چیللر وعده داده بود آن را به پایین تر از ۵۰ درصد برساند، اکنون نزدیک به ۱۰۰ درصد است. از آغاز سال ۱۹۹۴، لیره ترکیه در قیاس با دلار تقریباً ۳۰ درصد از ارزش خود را از دست داده است.

در نتیجه تورم شدید، مردم ترکیه پیوسته فقیرتر می‌شوند. این فقر، علاوه بر اقشار میانی شهری، به ویژه، داس مناطق روستایی آناتولی را گرفته است. روستاها دائماً خلوت می‌شوند وسیل مهاجرت به شهرها رو به افزایش است. در شهرها، حزب بنیادگرای رفاه در میان مهاجران از روستا آمده، بیشترین نفوذ را دارد. از خدمات رفاهی دولتی، خبری نیست.



خانم چیللر گوش شنوایی برای حرف‌های نظامیان دارد

هدف بنیادگرایان ترکیه، تبدیل دولت لائیک این کشور به یک دولت اسلامی است. از شعارهای افراطیون اسلامی، "نظام عدل" است. بنیادگرایان تنها به تبلیغات اکتفا نمی‌کنند، بلکه با اقداماتی نظیر ساختن مسکن، مطبخ های عمومی، مدارس و مساجد در حاشیه شهرها و گشودن دفاتر همیاری در روستاها، می‌کوشند دامنه نفوذ خود را گسترش دهند.

"طیب اردوگان" کاندیدای حزب بنیادگرای رفاه برای احراز سمت شهرداری استانبول، می‌گوید نیروهای اسلامی پس از به قدرت رسیدن، برای ترویج حجاب نیازی به اعمال زور نخواهند داشت. اردوگان می‌افزاید: "ما حجاب را با ترتیب دادن نمایش‌های مد، آنچنان جذاب خواهیم کرد که زنان، داوطلبانه آن را به سر کنند."

شورای امنیت کشتار "الخلیل" را محکوم کرد

سه هفته پس از کشتار ده‌ها فلسطینی توسط صهیونیست ها در الخلیل، شورای امنیت سازمان ملل متحد بالاخره شرط سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) برای بازگشت به پای میز مذاکره را برآورده کرد و در یک قطعنامه، ضمن محکوم کردن جنایت ششم اسفند، خواهان تأمین امنیت فلسطینی‌های ساکن مناطق اشغالی گردید. نماینده آمریکا که تأخیر شورای امنیت در صدور قطعنامه، به علت مقاومت او بود، به قطعنامه رأی ممتنع داد و از وتو کردن آن خودداری نمود. قطعنامه شورای امنیت، این امر را ناگفته گذاشته است که امنیت ساکنان مناطق اشغالی چگونه باید تأمین شود.

همزمان با صدور قطعنامه شورای امنیت، تماس های ساف و اسرائیل برای از سر گرفتن مذاکرات معوق مانده برای اجرای قرارداد خودمختاری نوار غزه و شهر اریحا دوباره برقرار شد. دو طرف کوشیدند در تماس های تلفنی، زمینه را برای ملاقات مجدد یاسر عرفات رئیس کمیته اجرایی ساف و شیمون پرز وزیر خارجه اسرائیل در قاهره فراهم کنند.

یکی از خواسته های ساف، خلع سلاح همه ساکنان شهرکهای یهودی نشین مناطق اشغالی است. اسحاق رابین نخست وزیر اسرائیل در روز ۲۵ اسفند این خواست را رد کرد و افزود از نظر او تنها خلع سلاح یک اقلیت افراطی از شهرک نشینان، پذیرفتنی است. دولت اسرائیل پس از کشتار الخلیل تنها ۴۵ نفر از افراطیون صهیونیست ساکن مناطق اشغالی را از حمل سلاح منع کرد. ممنوعیت ورود یهودیان به شهرها و روستاهای عرب نشین مناطق اشغالی، از سوی دولت رابین مورد بررسی قرار گرفته اما تصویب نشده است. (اعراب حق ورود به شهرک های یهودیان را ندارند.) یکی دیگر از تدابیر مورد بحث، اسکان ۵۰۰ یهودی ساکن مرکز شهر الخلیل در یک یا دو بلوک مسکونی است. درحال حاضر، این عده در پنج محله مختلف الخلیل زندگی می‌کنند. طرح استخدام مجدد ۹۰۰ مأمور پلیس فلسطینی که تا پیش از آغاز انتفاضه، قیام فلسطینی‌های مناطق اشغالی، در خدمت قوای اشغالگر بودند و با آغاز انتفاضه، به خدمت خود پایان دادند، به شدت مورد مخالفت رهبری ساف قرار گرفته است.

اسحاق رابین در آخرین روزهای اسفند، سفری به واشنگتن داشت و با بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا در مورد آینده مذاکرات صلح گفتگو کرد. رابین در بازگشت از این سفر، در واتیکان با پاپ ژان پل دوم ملاقات کرد و از او خواست از روند صلح خاورمیانه حمایت کند. رابین از پاپ برای دیدار از اسرائیل دعوت به عمل آورد. اسرائیل و واتیکان در دی ماه سال گذشته یکدیگر را به رسمیت شناختند و قرار است ظرف سه ماه آینده مناسبات کامل دیپلماتیک برقرار کنند.

درجریان کار هیأت تحقیق ویژه اسرائیلی برای بررسی کشتار الخلیل، روشن شد که باروخ گلدشتاین در کشتن ده‌ها نمازگزار در مسجد ابراهیم الخلیل تنها نبوده و همدست داشته است. قبلاً مقامات اسرائیلی ادعا می‌کردند فاجعه الخلیل کار "یک عنصر افراطی" بوده است.

هفته گذشته اسرائیل و ساف در گفتگوهای خود برای از سرگیری مذاکرات خودمختاری، به پیشرفت هایی دست یافتند. نماینده گان اسرائیل با استقرار یک گروه ناظران سازمان ملل در مناطق اشغالی موافقت کرده‌اند. قرار است ۳۰۰ الی ۵۰۰ سرباز سازمان ملل در الخلیل، ۶۰۰ نفر در نوار غزه و ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ تن در اریحا و پیرامون آن مستقر شوند. همچنین توافق شده است که گشت های مشترک پلیس در الخلیل و سایر شهرهای مناطق اشغالی انجام گیرد. اسرائیل موافقت کرده است که ۴۰۰ یهودی را از مرکز شهر الخلیل به حاشیه شهر انتقال دهد.

یاسر عرفات رهبر ساف هفته گذشته در مصاحبه‌ای با نیویورک تایمز گفت در هفته جاری احتمال توافق بر سر شرایط خروج نیروهای اسرائیلی از غزه و اریحا وجود دارد.

آغاز سال بزرگ انتخابات در آلمان

سال بزرگ انتخابات در آلمان با انتخاب مجلس ایالتی ایالت فدرال نیدرزاکسن و انتخابات شهرداری ها در ایالت فدرال شلس ویگ هول اشتاین آغاز شد.

از نکات مشترک در هر دو انتخابات نام برده احراز بیش ترین آرا از سوی حزب سوسیال دمکرات بود. این در حالی بود که در ایالت نیدرزاکسن تعداد آرا حزب سوسیال دمکرات نسبت به دوره پیش افزایش و در ایالت شلس ویگ هول اشتاین کاهش یافته بود. آراء حزب سبزها – اتحادیه ۹۰ در هر دو ایالت به گونه‌ای چشم گیر افزایش یافت. آرای اتحادیه دموکرات مسیحی در هر دو ایالت کاهش یافت، گرچه این حزب مقام دوم را به خود اختصاص داد. نکته مهم دیگر انتخابات شکست دموکرات آزاد بود. این حزب در هیچ یک از دو ایالت به مرز ۵ درصدی آرا نرسید. حزب نئو فاشیست جمهوری خواه آلمان نیز با شکست فاحشی مواجه شد و در هیچ یک از دو ایالت به مجلس راه نیافت.